اتّحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۱۴ دوره سوم دوشنبه ۱۲ بهمن ماه ۱۳۶۰ برابر با ۶ ربیع‌الاخر ۱۴۰۲ و ۱ فوریه ۱۹۸۲ بها ۳۰ ریال

خبرخوش:

اصلاحات ارضی از بن بست بیرون می آید!

* رئیس‌جمهور، رئیس‌مجلس، امام جمعه قم و وزیر کشاورزی بر تصویب و اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی تاکید دارند.

* ۱۳۲ نماینده مجلس به‌حمایت از خواست روحانیت مبارز پیرو خط امام، در زمینه اصلاحات ارضی برخاستند.

* "جهاد سازندگی"، "هیئت‌های هفت‌نفری" و "سپاه پاسداران" به‌ایفای نقش انقلابی خود در زمینه اصلاحات ارضی ادامه میدهند.

* نقش همه انقلابیون و همه دهقانان زحمتکش در زمینه اصلاحات ارضی حساس‌تر میشود.

بقیه‌درصفحه ۱۲



گرامی باد سالروز بازگشت امام خمینی به وطن!

امروز درست سه سال از بازگشت **امام خمینی**، رهبر انقلاب وبنیانگذار جمهوری‌اسلامی ایران به‌وطن میگذرد.

روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، در حالیکه شاه خائن، در اوج شعارهای **"مرگ برشاه"**، گریخته‌بود وبختیاردست و پا می‌زد، تارژیم منحوس‌سلطنتی‌را نجات دهد، رهبر انقلاب در میان بی‌نظیرترین استقبال تاریخ ایران به وطن‌بازگشتند. **امام‌خمینی**، درحالیکه سراسر تهران از جمعیت موج‌می‌زد و چند میلیون نفر با اشک‌های شادی و گل‌های سرخ سراسر مسیر چند کیلومتری ایشان را، از فرودگاه تا بهشت‌زهرا، پوشانده‌بودند، برخاک ایران انقلابی پاگذاشتند.

امام‌خمینی در میان موج احساسات مردم وفریاد‌های توفانی:

ــ درود برخمینی!
ــ مرگ بر شاه!
ــ مرگ بر امریکا!

از میان دریای جمعیت گذشتند وبه‌بهشت زهرا رفتند. وآنجا بودکه جمعیت چند میلیونی، عزم رهبر انقلاب را برای روفتن بقایای سلطنت ازهمیشه‌استوار تر دید.

امام‌خمینی درسخنان تاریخی خود در بهشت زهرا ــ بر مزار شهدای انقلاب ــ بانگ زدندکه: **"من‌توی دهن این‌دولت می‌زنم"!**

امام‌خمینی در سخنان خود باردیگر رژیم سلطنتی را غیر قانونی اعلام وهمه فجایع کشور را ناشی از سلطه امپریالیسم امریکا برایران معرفی کردند.

سخنان **امام‌خمینی** راه را روشن‌تر واتحاد خلق را مستحکم‌تر کرد. راه‌روشن‌بود: **"نبرد با دولت‌سیاساخته بختیار وامریکا...**

ونبرد زیر رهبری مستقیم **امام‌خمینی**، که اکنون خانه‌اشان در خیابان ایران به ستاد انقلاب تبدیل شده بود، ادامه‌یافت. ده روز بعد، آخرین بقایای رژیم پوسیده سلطنتی در یورش مسلحانه خلق فروریخت. رژیم ۲۰۰۰ ساله سلطنتی به‌گور سپرده‌شد وایران نو از میان خون و آتش پابه‌عرصه جهان‌نهاد.

امسال مردم‌انقلابی‌ایران، به‌پاس‌روزبزرگ بازگشت رهبرانقلاب وبنیانگذارجمهوری اسلامی‌ایران به کشور، جشن‌های باشکوه سومین سالگرد انقلاب را از همین روز آغازمیکنندوبدینسان باردیگربراهمیت‌تاریخی بازگشت **امام‌خمینی** به‌ایران صحه‌میگذارند وبرای‌ادامه نبردبرضدامپریالیسم، به‌سرکردگی امریکا با ایشان‌تجدید پیمان میکنند.

ما سومین‌سالروزبازگشت **امام‌خمینی** رابه‌وطن، به ایشان‌وهمه‌مردم قهرمان‌ایران‌صمیمانه‌تبریک می‌گوئیم

مابرآنیم که تجدید میثاق مردم دلاور وطن ما با رهبرانقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی‌ایران، ضامن تحکیم وگسترش انقلاب و شرط ضرور برای پیروزی در روزهای دشوار آینده خواهد بود.

آمریکا در خط ماجراجوئی نظامی علیه ایران انقلابی

درصفحه ۲

«شرط لازم وکافی برای رسیدن به استقلال صنعتی پایه‌گذاری صنایع سنگین مادراست» "وزیرصنایع"

تاسیس وزارت صنایع سنگین یك اقدام انقلابی است

اخیرا لایحه‌تاسیس وزارت صنایع سنگین‌ازسوی هیات‌دولت به‌مجلس شورای‌اسلامی‌تقدیم شده‌است.

آقای‌موسوی‌نخست وزیر ضمن تصریح این که "دولت از اعطای هرگونه‌اعتبارجهت راه‌اندازی و فعال‌ترکردن‌صنایع سنگین‌دریغ نخواهدکرد". تاکید کرده‌است‌که: "صنایع سنگین رابه‌هرقیمتی سال‌آینده‌به راه می‌اندازیم". (کیهان ۶۰/۱۰/۱۵)

باتوجه به‌تنظیم لایحه‌وزارت صنایع سنگین و مژده‌نخست‌وزیر، که‌سال‌آینده، سال‌برنامه‌ریزی‌است، این‌برخورد موکدومطمئن‌رابایدبفال‌نیک‌گرفت و برای تحقق آن آرزوی پیروزی داشت.

واقعیت‌این‌است‌که‌دست‌یابی به استقلال، بمثابه یکی‌ازآماج‌های عمده انقلاب، اساسا مرهون کسب‌استقلال‌اقتصادی‌وایجادبنیه نیرومند صنعت‌ملی است‌واین‌مهم میسرنیست‌مگربااستقرارصنایع مادر و تقویت‌همه‌جانبه آن.

بجاست اگربیادآوریم که‌درگذشته‌این‌بزرگراه

بقیه‌درصفحه ۱۳

برمبنای رهنمودهای صریح امام خمینی:

بازگشائی سریع وکامل دانشگاه‌ها را تحقق بخشید!

درصفحه ۳

"جهادسازندگی" را تقویت کنیم

سمینار سالانه‌مسئولان "جهاد سازندگی" سراسر کشور، در هفته آخر دیماه ۶۰ کارخود را آغازکردوسرانجام روزجمعه ۲ بهمن‌ماه ۶۰، باصدورقطعنامه‌ای، به‌کارخود پایان‌داد. طی روزهای برگزاری سمینار، بسیاری از مسئولین عالیمقام جمهوری‌اسلامی‌ایران، در جلسات‌سمینار حاضر شدند و برای شرکت‌کنندگان سخنرانی‌کردند. رئیس جمهور، رئیس مجلس و آیت‌الله‌مشکینی، به‌مناسبت‌آغازسمینار، پیام‌هائی‌برای آن فرستادند و مسئولان "جهادسازندگی" در پایان سمینار، ازجمله با آیت الله منتظری، رئیس‌مجلس، نخست‌وزیر و آیت‌الله‌مشکینی‌ملاقات‌کردند وبه‌حضور امام‌خمینی نیز رسیدند. امام‌خمینی، "جهادسازندگی" را مایه "دلخوشی" خواندند و فقیه‌عالیقدرآیت‌الله‌منتظری دردیدار با مسئولان "جهادسازندگی" گفت:

"اگر این‌معنی صحیح باشد، من به جهاد عشق می‌ورزم".

مسئولین "جهادسازندگی" در قطعنامه‌خود، خواستارتقویت نقش "جهادسازندگی"، بمثابه یک نهاد انقلابی جمهوری اسلامی‌ایران، شدند و

بقیه‌درصفحه ۱۱

«لایحه‌قانونی تشکیل‌شورای اسلامی‌کارکنان»
وآئین‌نامه‌های آن...(۵)

ضرورت لغوقوانین وآئین‌نامه‌های ناقض حقوق صنفی وشورائی‌کارگران و تصویب واجرای قانون انقلابی‌کار

درصفحه ۹

نخست‌وزیر وآزادیهای سیاسی

امسال سال قانون است
(امام‌خمینی)

اکنون، نیروهای راستین پیرو خط امام خمینی و به ویژه مسئولان قضائی کشور برآنند، تااین فرمان رهبر انقلاب رااجراکنند. کوشش همه‌جانبه‌ای برای استقرار قانون‌در جامعه آغاز شده‌است، که‌بخشی از آن‌مربوط به‌اجرای قوانین جمهوری اسلامی ایران ونظریات رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری‌اسلامی‌ایران ومسئولان درجه‌اول کشور درباره آزادی‌های سیاسی است.

مابرای آنکه، به‌سهم خود، دراین‌زمینه هم به‌استقرار قانون یاری رسانده‌باشیم، نظریات و قوانین موجود را درباره آزادی‌های‌سیاسی بترتیب منتشر می‌کنیم.

در شماره‌های پیش نظریات امام خمینی‌رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری‌اسلامی‌ایران، **شهید بهشتی**، **شهیدمطهری**، **حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای**، رئیس‌جمهور و **حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی** رئیس‌مجلس شورای اسلامی‌رامنتشرکردیم. دراین‌شماره به‌انتشار نظریات آقای مهندس **سیدمیر حسین‌موسوی** نخست‌وزیر دراین‌باره‌می‌پردازیم.

نخست وزیر درمصاحبه با خبرنگار "نیویورک تایمز" درباره‌آزادی‌های‌سیاسی در ایران گفت:

"براساس قانون‌اساسی ما، اگر گروه‌ها و احزاب به‌این قانون (قانون اساسی) احترام بگذارند وتوطئه واقدام مسلحانه انجام‌ندهند، در کشور ما آزاد هستند واین آزادی به‌حدی است که‌حتی‌میتواند ازتلویزیون دولت هم استفاده‌بکنند ونمونه این را میتوان مناظره‌های آزاد فدائیان‌خلق (اکثریت) وحزب‌توده‌ایران در تلویزیون‌ایران دانست و سایر گروه‌ها، که با خط‌اصلی همگام‌نیستند، مثل گروه دکتر پیمان‌نیز توانستند شرکت‌کنند." (نقل از اطلاعات ــ ۴ آبان ۱۳۶۰)

دیر می شود...

امروز دیگر خیلی‌وقت‌است که: **"انقلاب‌ما... نیاز دارد که شعارهای خودرا جامه‌عمل بپوشاند."** (رئیس جمهور خامنه‌ای، اطلاعات، ۲۸ آذر ۱۳۶۰)

اکنون دیرگاهی است که: **" به جاست بیش ازهرچیز دیگر عمل نشان دهیم وملت راباعمل دلگرم‌تر کنیم."** (فقیه‌عالیقدر آیت اله‌منتظری ــ ۱۹ دی ۱۳۶۰)

اینک دیر زمانی است که‌انقلاب ما مخالفت‌صریح خودرا با این‌واقعیت تلخ، که‌درکشورما: **"یک‌نفر از گرسنگی بمیرد و یک‌نفراز سیری‌تخمه‌بزند."** (رئیس مجلس شورای‌اسلامی ــ ۳ بهمن ۱۳۶۰) اعلام‌کرده‌است.

واین‌اولین‌بارنیست که مقامات مسئول جمهوری‌اسلامی‌ایران اعلام می کنندکه: **"نمی‌توانیم ببینیم مردم مستضعف ما در زیر بارگرانی‌قیمت ها خردمیشوند."** (نخست‌وزیر ــ کیهان ــ ۵ بهمن ۱۳۶۰)

این‌سخنان‌نشان‌می‌دهد که جمهوری‌اسلامی‌ایران در سمت‌گیری اساسی خود بسود محرومان‌ومستضعفان جامعه ــ یعنی صاحبان اصلی‌انقلاب ــ همچنان‌استواراست. دراین هیچ کس شکی ندارد. کوردلی میخواهد که‌این واقعیت روشن راندید. و ازاین‌روشن‌تر بستگی سرنوشت‌انقلاب به انجام اهداف آنست‌که محرومان ومستضعفان رادرجبهه و صحنه نگاه‌میداردوانقلاب راروئین‌می‌کند.

رئیس‌جمهور **خامنه‌ای** باروشن ــ بینی تمام می‌گوید:

"امام نیز به‌این مطلب قویا اهتمام دارند وما اگر بخواهیم دربرابر توطئه‌های داخلی‌وخارجی‌مقاومت‌خود رابالاببریم، ناگزیر باید ضمن نگه ــ

بقیه‌درصفحه ۲

بمناسبت روز اعلام جمهوری هند
(۶ بهمن ۱۳۲۹ / ۲۶ ژانویه ۱۹۵۰)

هند مستقل

درصفحه ۴

اعلامیه‌کمیتهٔ‌مرکزی حزب‌توده‌ایران:

با توطئه‌های ضدانقلاب در محیط‌های‌کار مقابله‌کنیم!

درصفحه ۶

تانزانیا

برای حفظ استقلال وتامین پیشرفت خود، بادشواریهای داخلی ودسیسه‌های امپریالیسم روبروست

درصفحه ۱۰

دیر می‌شود...

بقیه از صفحه ۱

داشتن اکثریت مردم در صحنه ، آنها را همچنان معتقد ومومن و وفادار به انقلاب کنیم و وفاداری به انقلاب در صورتی است که مردم از انقلاب یک چیزی ببینند . " (اطلاعات ۲۷ دی ۱۳۶۰)

رئیس دیوانعالی کشور ، هم درست درهمین مورد به‌شرکت‌کنندگان درسمینار "جهادسازندگی" می‌گوید :

"شما نیروهای مردمی یک کشور انقلابی ، وظیفه‌دارید ، تاموقعی‌که ما این‌چیزها را درجهت مستضعفین می‌چرخانیم ، شمانگذارید این مستضعفین از دست ما بروند . " (کیهان – ۱ بهمن ۱۳۶۰)

اهمیت مسئله تا آنجاست که رئیس جمهوری ، در مطلب پیش‌گفته تاکیدمی کند :

"اکثریت کسانی که بار انقلاب را بدوش میکشند ، مستضعفین ومستمندان وطبقات پائین ومتوسط جامعه هستند و چنانچه انقلاب به این‌ها رسیدگی نکند و یانوید رسیدگی درآینده را بدهد ، این درست نیست ."

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در جای دیگری باز به این مسئلهٔ حیاتی برمی گردد و می‌گوید :

" . . . ولی هنر دراین است که ما بتوانیم دربرنامه‌های کوتاه‌مدت هم به‌نحوی عمل‌کنیم که از محرومیت برادران وخواهران کارگرمان ، که زحمتکش و محروم‌اند و از قشر های مستضعف به‌حساب می‌آیند ، کاسته‌شود ." (کیهان – ۳ بهمن ۱۳۶۰)

واما همانطور که رهبر انقلاب بارها یادآورشده‌اند ، مردم عمل می‌خواهند . ودرست همین‌جاست که سئوال پدر یک‌شهید برای همه مردم ایران مطرح است ، که‌می‌پرسد :

"شما مسئولین چطور ؟ شمائی که به فرمودهٔ امام در برابر هر رای مردم مسئولید ، چه‌کرده‌اید وچه‌می‌کنید ؟ برنامه‌هایتان را به‌نفع محرومان وپا برهنه‌ها چه‌وقت اجرا می‌کنید ؟ مگر امام بزرگمان صدها بارنفرموده‌اند : "این مملکت واین انقلاب مال پابرهنه‌هاست" . مگرایشان بکرات نگفته‌اند : "این انقلاب را گودنشین‌ها وزاغه‌نشین‌ها کرده‌اند . " شما برای چشاندن ثمرات این انقلاب به‌صاحبان اصلی آن تابحال چه‌کرده‌اید؟ (اطلاعات – ۳ بهمن ۱۳۶۰)

محرومان درگود،

ملک‌التجارها

درقصرهای افسانه‌ای

برای آنکه بازهم بیشتر اهمیت موضوع روشن‌شود ، به‌وضع نابسامان موجود ، که‌البته بخش عمدهٔ آن میراث رژیم منفور پهلوی و حاصل توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا بعد ازانقلاب است ، نگاه‌کوتاهی می‌اندازیم :

پیش ازهمه ، بازهم این امام خمینی رهبر انقلاب است که‌سخن می‌گوید :

"مسئلهٔ گرانی ومسئلهٔ احتکار و اینها هم کرارا گفته‌شده‌است به اینکه اینهائی که‌گرانفروشی میکنند ، اینهائی که‌احتکارمیکنند ، اینها انصاف داشته باشند که‌این ملت با خون‌خودش و با زحمت خودش شما را از آن اختناق بیرون‌آورد ومسئله آن ناامنی به‌صورت قانونی را ازبین‌برد . هیچ‌انصاف‌نیست که‌شما بااین ملت و با این مستضعفین اینطور کنید . می‌دانید که‌گرانی واحتکار تلخی‌اش به‌ذائقهٔ مستضعفین و عامهٔ مردم محروم‌است . " (کیهان – ۵ بهمن ۱۳۶۰)

آقای محمد اخلاقی‌نیا نمایندهٔ مردم سیرجان ، درجلسهٔ علنی ۲۷ دی ۶۰ مجلس ، بخش دیگری ازواقعیت موجود را بیان‌می‌کند :

"مسئلهٔ مسکن همچنان بیدادمی کند وزمین همچنان سیرصعودی خودرا می‌پیماید . " (جمهوری‌اسلامی – ۲۸ دی ۱۳۶۰)

آقای مرتضی محمودی نمایندهٔ دیگر مجلس شورای اسلامی ، در مصاحبه با روزنامه کیهان ، می‌گوید :

"این‌دلیلی نیست که مجلس و دولت فقر وحشتناکی‌راکه ، این‌عزیزان باآن‌دست وپنجه‌نرم‌می‌کنند ، از یاد ببرند وفراموش‌کنند که‌آنها در الونک های‌وبیغوله‌ها زندگی میکنند . . . " (۲۷ دی ۱۳۶۰)

وپدری که فرزند خودرا تقدیم انقلاب کرده‌است ، از سر سوز دل به روزنامه‌اطلاعات‌می‌نویسد :

"بازهم که زن وفرزند شهید (همسرش حاضر نیست نام برده‌شود) باید درمیان گودها در کانتینر زندگی کند وشبها سرگرسنه بر زمین بگذاردو ملک‌التجارها ، کوره‌دارها و کارخانه‌دارها درقصرهای‌افسانه‌ای خودهر شب‌ویسکی وخاویار میخورند وبه ریش هرچه‌پاسدار شاهد یا شهید است ، می‌خندند . چرا؟

بازهم که‌توطئه‌گران وتروریست‌های‌اقتصادی در کمال رفاه و آسایش و آزادی سرگرم توطئه‌های خودهستند و گرسنگان وپابرهنه‌ها در بند فتنه‌های آنان‌جان‌می‌بازند . " (۳ بهمن ۱۳۶۰)

راه‌حل چیست؟

چنین‌است وضع . البته هم پدر آن‌شهیدوهم مردم و مسئولان کشور ونیروهای‌انقلابی ، که‌برانجام‌خواست‌های محرومان پامی‌فشارند ، مطلعند که اینجا وآنجااقداماتی شده است . نمونه‌اش رامیتوان در فعالیت‌های "جهاد سازندگی" ویا "بنیادشهید" ذکر کرد . اما همه مسئله بر سراین است‌که‌ایرانی غارت‌زده و ویران از رژیم‌پهلوی‌به انقلاب‌ارث‌رسیده‌است . ایران‌ستم‌زده‌ای که یک‌درصدجمعیت آن درکاخ‌هامی‌نشستند و اکثریت عمده‌اش در کوخ‌هاوبیغوله‌ها . ایرانی که‌توله "آریامهرش "سگ‌تولهٔ" خود را برای درمان باهواپیما به‌پاریس‌می‌برد واکثر مردمش‌از دارو و درمان محروم بودند . این‌ایران‌ستم‌زده که در شرار خشم خود بساط شاهنشاهی را سوخت برای مبدل شدن به‌یک‌ایران‌آزادوآباد ، درمرحلهٔ‌کنونی‌نیاز به‌اصلاحات‌عمیق انقلابی دارد . باید این تبدیل را از ریشه شروع کرد . قدم‌اول تصویب و اجرای قوانین‌انقلابی بر بنیاد قانون اساسی‌است . اظهارات مقامات‌مسئول نشان‌می‌دهد که‌آنهاخوشبختانه‌به‌این امر وقوف‌کامل دارند .

حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی رئیس مجلس درمصاحبه با روزنامه اطلاعات‌می‌گوید :

"لایحهٔ‌تجارت‌خارجی‌وقتی که اجراشود– که‌ما عملااجرایش‌راشروع‌کرده‌ایم– خوداین‌دیگر ازاین‌به‌بعد جلوی سودهای بیربطی را که‌یک‌دفعه یک‌نفر را دراثر یک‌معاملهٔ خارجی میلیاردر ، می‌کرد ، می‌گیرد . . . حالاهم‌عده‌ای ، محتکرانی هنوز هم‌هستندودارند کار می‌کنند ، ولی جلوی آنها را می‌گیریم . . . دوای اصلی اینها اصل ۴۹ قانون اساسی است ، که باید اصل۴۹راقانون برایش‌بنویسیم واجراکنیم وثروت های نامشروع رابگیریم . . . مطمئن‌هستیم‌که همه این‌گرانیها طبیعی‌نیست . این را بایدنیروصرف‌کنیم وجلویش رابگیریم . بااجرای تجارت‌خارجی‌دولتی بسیاری ازمشکلات حل‌میشود . " (۳ بهمن ۱۳۶۰)

درست به دلیل این‌وقوف است که آن‌نمایندهٔ‌محترم مجلس شورای اسلامی درجلسهٔ‌علنی مجلس سئوال میکند :

"بیش از سه‌ماه‌از اجازهٔ‌امام به مجلس درمورد تصویب قوانینی که‌می‌تواند رافع عسر وحرج باشد وتاخیر در تصویب زیان‌باراست ، می‌گذرد . خصوصا باتوجه‌به‌اینکه در پاسخ امام به نامهٔ ریاست محترم مجلس تصویب واجرامجاز شده‌است ، تاکنون کدام عملی در این جهت قطعیت یافته؟ " (محمد اخلاقی – جمهوری‌اسلامی ۲۸ دی ۱۳۶۰)

وپدر شهید می‌پرسد :

"چرا ؟ آخر چرا ؟ چه چیزی باعث شده‌است که مجلس شورای‌اسلامی مابجای پرداختن به‌تصویب قوانین ضروری مانند لایحه‌اصلاحات ارضی و . . . درگیر بحث‌های فرعی شود و تازه قوانین‌مترقی هم که از تصویب می‌گذرد ، ازطرف یک‌ارگان‌دیگر "وتو" گردد . چرا؟

اینها ، این‌ترمز کننده‌های‌پنهان چه‌کسانی هستند که این چنین با خیال راحت ، آگاهانه یا ناآگاهانه ، دارند با سرنوشت اسلام و انقلاب بازی‌می‌کنند؟ وشما بعنوان یک مسئول مردمی ، بعنوان کسی‌که مسلما در دنیای باقی باید جوابگوی دهها هزارشهید باشید ، چرا موانع ترمزکنندهٔ روند درست‌انقلاب را به‌امت معرفی نمی‌کنید ؟ مگر اینها چه قدرتی دارند؟ آیازورشان ازمحمد رضا خان‌بیشتراست ؟ " (اطلاعات – ۳ بهمن ۱۳۶۰)

واین‌سئوال‌ها براستی پرسش همه مردم‌محروم‌ماست ازاین‌روست که‌پدریک شهید در واقع بیانگر نظر مردم‌است ، وقتی‌میگوید .

"هشدارکه‌تروریست‌های‌اقتصادی سعی دارند هر روز زمینه‌های یاس ونا‌امیدی را درمیان‌محرومان گسترش‌دهند ودشمنان انقلاب نیز سخت‌دراین‌زمینه مشغول‌فعالیتند . تا دیرنشده‌است‌اقدام کنید ، که فردا خیلی دیراست . " (همانجا)

آمریکا در خط ماجراجوئی نظامی علیه ایران انقلابی

مرسال‌ها دور روز بسر از مسخ انقلاب‌اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی‌ایران مایوس می‌شود ، با عجله به‌تدارکات نظامی برای شکستن قهر‌آمیزانقلاب وجمهوری اسلامی ایران پرداخته است . "شیطان‌بزرگ" ، ضمن اینکه باهیزم عربستان سعودی و شیخ‌نشینهای‌خلیج‌فارس و اردن‌ومصر ومتحدان انگلیسی‌وفرانسوی ، سعی داردآتش‌جنگ‌تجاوزی آمریکائی– صدامی رافروزان نگاهدارد ، درجنوب خلیج‌فارس "شورای‌همکاری" نظامی می‌سازد ، پاکستان را مسلح می‌کند ، ترکیه را به لانهٔ ضدانقلابیون مسلح "ایرانی" بدل‌می‌کند و حضورنظامی خود رادرمنطقه‌گسترش می‌دهد .

موضع گیری دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال‌این تدارکات نظامی‌معلوم‌است واز زبان‌عالیترین مقامات‌مسئول اعلام شده‌است .

رئیس جمهور در مصاحبهٔ مطبوعاتی ۱۸ دیماه ۶۰ گفت :

"ماهرگز تصورنمی‌کنیم که‌آمریکا به‌این‌سهولت از ادامه‌تهاجمات نظامی خودش چشم بپوشد . همه‌چیزرا مافرض می‌کنیم ومنتظر همه چیز هستیم" (جمهوری‌اسلامی ، ۱۹ دیماه ۱۳۶۰)

سه‌روزبعدآقای‌میرحسین‌موسوی نخست‌وزیراظهارداشت :

"گسترش توطئه‌های آمریکا رادر منطقه‌پیش بینی می‌کنیم" .

حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی ، رئیس مجلس هفته بعد ، درنخستین جمعه‌بهمن ماه ۶۰ ، درخطبه‌نماز جمعه هشدار داد :

" . . . به‌کشورهائی مثل‌عربستان ، کویت ، اردن به‌کشورهای‌کوچک خلیج فارس ، به‌مصر ، به‌اینهامی‌گویم : آمریکا ثابت‌کرد که دشمن‌شماست ، یعنی‌آمریکا بانهایت پر روئی درمقابل شما ، که دامنتان را بازکرده‌اید وآمریکا را زیر دامن خودتان‌آورده‌اید ، در دامن خودتان نشانده‌اید و با نفتتان و با ارتش‌تان و بامردمتان داریدمصالح آمریکا راتوی منطقه‌حفظ می‌کنید ، شما به‌خاطر آمریکا دارید با جمهوری اسلامی می‌جنگید و با اسلام دارید می‌جنگید . آمریکادیگر بااین‌پرروئی به شماگفت‌که‌من‌دشمن‌شماهستم . اگرروزی هشت میلیون ، ده‌میلیون بشکه نفت عربستان‌سعودی‌ودومیلیونی‌نفت‌کویت ومجموعا‌روزی بیست‌وپنج‌میلیون‌تاسی میلیون‌بشکه نفت‌دنیای اسلام برای آمریکا ارزش اخم کردن به اسرائیل را ندارد ، شماها باچه‌امیدی به‌این‌گفتار درندهٔ جهانی همکاری‌می‌کنید ؟ شما به ملت تان چه جوابی می دهید ؟ شما جواب‌خدارا‌چه‌میدهید ، اگرمسلمانید ؟ اگرمسلمان نیستید ، جواب‌مردمتان را چه‌می دهید ؟ جواب چهارمیلیون آواره فلسطین را چه‌می دهید ؟ جواب مردم گرفتار جنگ سوریه را چه‌می دهید ؟ " (جمهوری‌اسلامی ، ۳ بهمن ۶۰)

وسه‌روزبعدرئیس‌جمهورخامنه‌ای اعلام‌کرد :

"ما مایل‌نیستیم جنگ‌درمنطقه آغازشود . ماقدرت‌این‌امر (جنگ) را داریم‌ونیروی انسانی ، نیروی مومن و تجهیزات مابقدری هست که‌کفاف موجودی‌همسایگان ما رابدهدو ملت ما هم یک‌ملت‌انقلابی‌است وهمیشه راه‌های‌گوناگونی رابرای‌اینکه درمقابل دشمن زانوخم‌نکند ، دراختیار دارد" . (آزادگان ، ۶ بهمن ۶۰)

اتحادیه‌نظامی شش کشورساحلی خلیج‌فارس (عربستان‌سعودی ، بحرین ، عمان ، کویت ، قطرو امارات‌متحدهٔ عربی) بنام "شورای همکاری‌خلیج" به سرعت‌شکل‌می‌گیرد . اختصاص بودجهٔ سالانه‌ای به‌مبلغ بیش‌از ۳۰ میلیارد دلار برای تسلیح‌این "شورا" ، غیر از مبالغ نجومی دیگری‌است که بویژه از عربستان سعودی به گاو صندوق انحصارات اسلحه سازی ، خصوصا آمریکائی ، روان‌است . سیل‌اسلحه‌ای که متقابلا ازآمریکابسوی منطقه "شورا" جاری‌است – ناگفته‌پیداست – همراه با هزاران "مستشار" ومامور وخدمه‌نظامی آمریکائی‌است . واین‌اشغال‌خزندهٔ ، ولی آشکارنظامی‌منطقه ، غیرازپایگاه های اختصاصی نظامی متعدد آمریکا در عربستان‌سعودی ، دربحرین‌ودر عمان است . حتی اگردبیرکل این "شورا" نمی‌گفت که : "منافع‌کشورهای‌عضوشورا منطبق بامنافع غرب و بویژه آمریکا است" ، هیچکس کمترین‌تردیدی نداشت‌که این اتحادنظامی ، آمریکائی است ، زیر فرمان پنتاگون است ، هدف آن‌انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌است

تصمیم‌وزیران‌دفاع "شورا" به تقویت نظامی عمان ، توام باتوسعهٔ پایگاه‌های‌نظامی‌آمریکائی‌دراین‌کشورو استقرار "نیروهای‌واکنش سریع" در کشورهای‌عضو "شورا" شکی‌باقی‌نمی‌گذارد که‌آمریکا در تدارک ماجراجوئی جدیدی دراین‌منطقه حساس‌نفت خیز است .

اگر "عقلی" برای‌امپریالیسم آمریکاقائل‌می‌شدیم ، می‌توانستیم تصور کنیم‌که "آمریکا بر روی بشکه نفت ، که شیشه عمر "امپریالیسم" است ، آتش نخواهدافروخت . ولی‌تحریک عراق به تهاجم‌نظامی به‌ایران ، مگرآتش‌افروزی درمنطقه نفت نیست ؟

سیاست آمریکا از روی "عقل" تدوین‌نمی‌شود ، چنانکه هیچ دزدی از روی "عقل" دزدی نمی‌کند . خط اساسی سیاست خارجی‌آمریکابویژه در دوران‌کنونی ، ماجراجوئی برای حفظ منافع غارتگرانه امپریالیسم است . و درست به‌همین‌جهت آمریکا در خط ماجراجوئی نظامی علیه‌انقلاب و جمهوری‌اسلامی‌ایران دیوانه وار پیش می‌رود .

تدارک‌ماجراجوئی نظامی آمریکا علیه‌انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران ، تنها درناحیه جنوب وبوسیله شیوخ و سلاطین سرسپرده نیست . توطئه‌چینی آمریکاو رژیم نظامی ضیاءالحق در پاکستان ، علیه‌انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی ایران ، بسرعت پیش می‌رود . مجلهٔ هندی "بلیتس" ، اواخردیماه ۶۰ فاش کردکه ، آمریکابه‌قصدبرقراری‌سلطه‌خود برمنطقه‌خلیج‌فارس ، در کار تدارک مداخله مسلحانه علیه‌ایران است ، تا بدین‌وسیله دولت کنونی ایران را واژگون کندودوباره رژیمی‌سرسپردهٔ غرب دراین‌کشوربگمارد . این‌مجله پس ازاشاره به نقش نیروهای آمریکایی "گسترش‌سریع" که باید همراه با ارتش پاکستان به خاک‌ایران حمله‌کنند نوشت :

"واشنگتن واسلام آبادهم‌اکنون به‌تنظیم فعالانه نقشه‌های مشترک مداخله‌گرانه علیه‌ایران پرداخته اند . قدرت نظامی پاکستان بسرعت‌افزایش می‌یابد . طبق‌معامله محرمانه‌ایکه میان دوکشورآمریکا و پاکستان انجام‌گرفته ، نیروهای مسلح‌آمریکا در سواحل بلوچستان وپاکستان مستقرخواهدشد . مقامات‌رسمی‌اسلام‌آباد هم اکنون با استفاده ازبندرگوادار(در ۸۰ مایلی‌چاه‌بهار) بعنوان‌پایگاه نیروی‌دریائی آمریکاموافقت کرده‌اند" .

درترکیه نیز– همه می دانند – گروه‌های‌متعددی از ضدانقلابیون فراری "ایرانی" بکمک دولت ترکیه و زیر نظر "سیا" مسلح شده اندودر اردوگاه‌های اختصاصی مشغول آموزش نظامی‌هستند . سرپرست‌آنها بهرام آریانا– ارتشبد فاشیست ارتش "شاهنشاهی" است .

بدینسان‌آمریکا ، که از مسخ انقلاب‌اسلامی ضدامپریالیستی‌ومردمی ایران ، همواره مایوس تر می‌شود و از سوی دیگرمشاهده می‌کند که پای خر تهاجم نظامی‌آمریکائی – صدامی به گل فرورفته ، به‌سرعت درکارتدارک تهاجمات نظامی دیگری‌علیه‌انقلاب‌و جمهوری‌اسلامی‌ایران‌است .

هنوزنمی‌توان دقیقاگفت که این تهاجمات نظامی‌چگونه واز کجا انجام خواهدگرفت؟ نمی‌توان گفت که آیا آمریکامستقیما در آن‌شرکت خواهدکرد ویافقط سگان زنجیری‌خودراعلیه‌ایران رهاخواهدکرد؟ ولی همانطورکه رئیس جمهور خامنه‌ای اشاره‌کرد ، قدر مسلم اینست‌که‌آمریکا به‌این‌سهولت ازادامه تهاجمات نظامی‌خودچشم نخواهد پوشید . "همه‌چیز را مافرض می‌کنیم و منتظرهمه چیزهستیم" وبایدبرای‌همه چیزآماده شویم‌ومجدانه آماده‌شویم .

این‌آمادگی – به‌نظرما– بایدبر روی سه "خط" ، مجدانه‌وبا قاطعیت انجام‌گیرد : یکی‌برروی "خط" تدارک همه‌جانبه‌نظامی برای دفع خطرتهاجم قهرآمیزضدانقلابی‌آمریکائی ، توام با تحرک وفعالیت بیشتر در سیاست خارجی ، درجهت‌عقیم کردن‌توطئه‌های تجاوزی آمریکا ونیز تقویت‌نیروی دفاعی ، دیگری بر روی "خط" پیشبرد انقلاب – حل‌مسائل بنیادی انقلاب (انجام‌اصلاحات‌بنیادی‌ارضی‌به سود مستضعفان و زحمتکشان روستا ، مهار‌گرانی وتورم از طریق دولتی‌کردن بازرگانی خارجی‌وکنترل توزیع داخلی کوشش دراحیاء وگسترش تولید و جذب‌بیکاران‌به‌کار ، بازگشائی‌دانشگاه‌ها ودیگرمسائلی که‌باعث حفظ و تقویت‌انقلاب وروحیه‌انقلابی توده‌های میلیونی‌خلق قهرمان‌ما‌میشود . و سرانجام بر روی "خط "اتحادهمه‌نیروهای‌انقلابی ، صرفنظرازتفاوت در عقایدسیاسی ، مسلکی ومذهبی .

باانسجام این‌سه وظیفهٔ مبرم انقلابی ، آمریکاهیچ‌غلطی نمی‌تواند بکند ، و اگر هم بکند ، بدتر ازگذشته دچارشکست مفتضحی خواهدشد .

برای حل مسائل آموزشی اقلیت‌ها سیاستی روشن و مسئولانه لازم است

ایران کشوری است که در آن خلق‌های مختلف با ادیان ومذاهب متفاوت طی قرنهای متمادی درکنارهم زندگی می‌کنند. سده‌های طولانی اقوام ساکن ایران درپیکار برای ساختن ایرانی مستقل، آزاد وشکوفان درکنارهم بوده‌اند. با وجود این، رژیمهای گذشته، بنا به ماهیت ضدمردمی خود، همواره حقوق خلق‌ها و اقلیت‌های ملی ـ مذهبی ایران را پایمال کرده وموانع متعددی در راه رشد و شکوفائی فرهنگی ـ اجتماعی آنها به وجودآورده‌اند.

انقلاب بزرگ اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی ایران به‌رهبری **امام خمینی**، دورنماهای نوید بخشی را برای پایان دادن به‌تبعیضات مختلف نسبت به خلقها واقلیت های ملی ـ مذهبی ایجادکرد. اگرچه درحل مسئله ملی، متاسفانه هنوز اقدامات قاطعی انجام نگرفته و اینجاو آنجا برخی مسئولین وگروه‌های بانفوذ درراه تحقق رهنمودهای امام خمینی و اجرای مواد قانون اساسی کارشکنی می‌کنند، با وجود این، پس ازپیروزی انقلاب، ما شاهد جنب وجوش پردامنه‌ای درمیان خلقها و اقلیت‌های ملی ـ مذهبی هستیم.

درقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برخی حقوق اساسی پیروان ادیان مختلف، یااقلیت‌های مذهبی، تا حدی رعایت شده‌است. ازجمله مواد ۱۳و ۱۵ قانون اساسی کشورمان به‌حقوق مهمی، از قبیل حفظ وگسترش شعائر وسنن ملی ـ مذهبی، آموزش زبان وادبیات مادری درکنار زبان وادبیات فارسی، حفظ و گسترش فرهنگ وغیره، اختصاص یافته‌اند.

باوجوداین مواد صریح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بازگاه ـ گاهی ازسوی برخی مسئولان تصمیمات نادرست ومنافی قانون اساسی اتخاذ می‌گردد واین باعث می شود، تاگروه‌هاو جریان‌های ضدانقلابی ومنحرف از این تصمیمات وناراحتی ونگرانی به حق ناشی ازآنها سوءاستفاده کنند وبکوشند، تااقلیت‌ها را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برانگیزند.

مثلاچندی پیش، اداره کل آموزش وپرورش تهران، طی بخشنامه شماره ۶۲۱۲۳، مورخ ۱۳۶۰/۸/۲۰ اعلام کردکه تدریس زبان مادری اقلیت ـها در مدارس ممکن نیست. این بخشنامه، که باماده ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تناقض آشکار داشت، باعث نگرانی واعتراض به حق اقلیت‌ها شد. نیروهای ضدانقلابی بلا ـ فاصله کوشیدند که از این جریان سوءاستفاده کنند. ازجمله، میان ارامنه، نیروهای ضدانقلابی تلاش کردندکه خواست طبیعی وابتدائی ارامنه را در مورد آموختن زبان، ادبیات، تاریخ وتعلیمات دینی خویش، به‌سوی مخالفت بادولتی شدن مدارس سوق دهند. آنهاکوشیدند که جوراهرچه بیشترمتشنج کنند وباشعار ـ های بظاهر "ملی"، دانش آموزان و اولیای آنانرا به‌گردهمائی ها، تحصن‌ها واعتصاب های تحریک آمیزبکشانند.

خوشبختانه درنتیجه کوشش های نمایندگان اقلیت‌ها درمجلس شورای اسلامی و برخورد مسئولانه وزارت آموزش وپرورش، بخشنامه مذکورلغوشد، ولی متاسفانه هنوز سیاست نهائی آموزشی دولت درمورد اقلیت‌های ملی ـ مذهبی نامشخص ونامعلوم است، ودرنتیجه هر آن ممکن است که بایک تصمیم نادرست و یک برخورد غیرمعقول، بازجو مدارس اقلیت‌های ملی ـ مذهبی متشنج گردد و ضدانقلاب مترصدهم ازاوضاع آشفته به سوداهداف ضدمردمی خویش بهره ـ برداری کند.

در تدوین واجرای برنامه های آموزشی برای اقلیت‌ها باید حتما این نکته رادرنظرداشت که آنها دارای سنن و فرهنگ وزبان ویژه خودهستند و این حقوق مسلم آنانست که بزبان مادری خویش آموزش ببینند، فرهنگ و سنن خویش راحفظ کنند ودرغنی تر ساختن آن بکوشند.

این حقوق مسلم را قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دستاورد گرانمایه انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی ایران، به‌آنان داده‌است. بنابراین دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است که این حق مسلم اقلیتها را درنظربگیرد وامکان تحقق حقوق فرهنگی آنان رافراهم سازد.

درسالهای سلطه رژیم ضدمردمی پهلوی، هرج ومرج ناشی ازسلطه بخش خصوصی برآموزش وپرورش وفرهنگ ضد ملی ونواستعماری حاکم، به‌اقلیت‌ها نیز سرایت کرده بود. مدارس اقلیت‌ها عرصه تاخت وتازگروه‌های ارتجاعی وابسته‌به رژیم پهلوی شده بودند. این وضع، متاسفانه، تاکنون نیز، یعنی باگذشت تقریباسه‌سال ازپیروزی انقلاب، ادامه دارد.

دولت جمهوری اسلامی ایران با دولتی کردن مدارس وکوتاه ساختن دست بخش خصوصی ومیسیونرهای "مذهبی" ازآموزش وپرورش، گامی جدی درجهت مردمی کردن این امرمهم برداشته‌است. ولی این کافی نیست. مسئولین امور باید بابرنامه‌های روشن وهمه‌جانبه مشکلات موجودرابرطرف سازند و به هرج ومرج سابق پایان دهند. دولت باید خودراسا مسئله آموزش وپرورش اقلیت‌ها را در دست بگیرد وبااستفاده ازمرکزیت دولتی، آموزش وپرورش را از وسیله‌ای دردست گروه‌های ماجراجو و ضدانقلابی آزاد سازد وبه‌آموزش وپرورش نسلی آگاه، متعهدوانقلابی کمک کند.

درهمانحال باید درنظرداشت که ارگانهای مردمی و دمکراتیک، نظیر انجمن‌هاو شوراهای دانش آموزان، انجمن‌های اولیاء ومربیان نیز می‌توانندو بایدنقش موثری درمدارس بازی کنند. در تشکیل این نهادهای مردمی ودمکراتیک بایدویژگیهای اقلیت‌های ملی ـ مذهبی وسنت‌های قومی ـ مذهبی رعایت گردند ومحترم شمرده‌شوند. برخورد ـهای تنگ نظرانه وانحصار طلبانه نسبت به‌اقلیت‌های ملی ـ مذهبی و تحمیل برخی مسایل، که‌مغایربا آداب و رسوم آنهاست، نه‌تنهانمی تواندگره ـ گشای مشکلات آموزشی اقلیت‌ها باشدو به‌رشدوترقی آنان کمک کند، بلکه بر عکس، زمینه را برای تحریکات گروه ـ های مخرب وضدانقلابی آماده می سازد.

دراین زمینه دولت باید درنظرداشته باشدکه کادرآموزشی و اداره‌مدارس اقلیت‌ها باید متشکل ازچنان افرادی باشد که به فرهنگ، آداب ورسوم، شعائرمذهبی وسنن اقلیت‌ها آشنائی دارند، به‌آنان احترام می‌گذارند و در ضمن انقلابی عمل می‌کنند و باهرگونه مظاهرفرهنگ ضدانقلابی ومنحط باقی مانده‌ازرژیم پهلوی مبارزه‌می‌کنند.

متاسفانه در این زمینه کمبودها فراوانند و ماگاه شاهدبرخوردهای غیر ـ مسئولانه هستیم. سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران بایدایجادکننده حسن تفاهم باشد، خلقهای مختلف و پیروان ادیان گوناگون رابه هم نزدیک کند وبه‌اتحادآنهادرمبارزه حیاتی و تاریخی علیه‌امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا ویادی واذناب داخلی آن یاری رساندوامکانات رشدوشکوفائی فرهنگی ـ اجتماعی اقلیت‌های ملی ـ مذهبی رافراهم سازد. واین امرمهم بازور وتبعیض، بانادیده‌گرفتن ویژگی های ملی ـ مذهبی خلق‌هاواقلیت‌های ساکن در ایران غیرممکن است.

درتهیه وتنظیم برنامه های آموزشی برای اقلیت‌ها، دولت باید از گروه‌های متعهدونیروهای وفادار به انقلاب شکوهمند مردم ایران کمک بگیرد. اقلیت‌های مذهبی درمجلس شورای اسلامی ایران دارای نمایندگانی هستند که اکثریت مطلق آنان مدافع انقلاب اندو همواره درجهت تقویت نیروهای راستین پیروخط امام کوشیده‌اند. آنهامیتوانند درتنظیم وتدوین برنامه‌های آموزشی اقلیت‌ها کمک شایانی به‌دولت بکنند. علاوه‌براین، دولتی کردن مدارس اقلیت‌ها بایدباایجادنهادهای ویژه دولتی همراه باشد، تاهم مرکزیت دولتی حفظ شودوهم افراد صاحب نظروصالح بر آموزش وپرورش اقلیت‌ها نظارت داشته باشند، آنراسامان دهند برای آن برنامه تنظیم نمایندوغیره.

رهبرانقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بارها بر رعایت حقوق پیروان ادیان مختلف، خلق‌هاواقلیت ـ های ملی ـ مذهبی درجمهوری اسلامی ایران تاکیدکرده‌اند. نیروهای راستین پیروخط امام بایدبه‌این رهنمود های مهم رهبرانقلاب توجه‌نمایندودر مورد مسائل فرهنگی اقلیت‌ها چنان سیاستی را اتخاذ کنندکه باروح انقلاب بزرگ مامطابقت داشته‌باشد، اقلیت‌ها را هر چه بیشتر درحول آرمانهای والای انقلاب متحدومتشکل کند وامکان رشدوشکوفائی اجتماعی ـ فرهنگی آنان رافراهم سازد.

برمبنای رهنمودهای صریح امام خمینی:

بازگشائی سریع وکامل دانشگاه‌ها را تحقق بخشید!

درهفته گذشته **امام خمینی**، رهبر انقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، **آیت‌الله مهدوی کنی و حجت‌الاسلام احمد احمدی** را به سمت اعضای جدید "**ستاد انقلاب فرهنگی**" منصوب کردند. **امام خمینی** در فرمان انتصاب اعضای جدید "**ستاد انقلاب فرهنگی**" خطاب به‌آنان گفتند:

"**امیداست با همکاری و همفکری بااعضای محترم این ستاد ونیز افراد صاحب‌نظر متعهدواساتیدودانشجویان محترم ومسئول درهرچه‌سریع‌تر باز ـ گشائی دانشگاه‌های کشورکوشش‌نمایند**."

امام خمینی همچنین درسخنانی **که‌در ۴بهمن‌ماه ۶۰ ایرادکردند، دگرباره** تاکید ورزیدندکه:

"**دانشگاه‌هابایدبا جدیت باز شوند**."

امام خمینی درباره باز گشائی دانشگاه‌ها گفتند:

"**این مشکل حل شده ومی شود ومن ازبعضی ازروزنامه ها باید گله کنم، چون بعضی ازتیترهایشان برخلاف گفته‌های من دراین‌مورد بوده‌است. ما میگوئیم که‌دانشگاه‌ها بایدبازشود، اما آنها ازقول‌من نوشته‌اندکه‌دانشگاه ها تا اسلامی نشوند، بازنخواهد شد. من گله دارم ازآنهاکه‌این‌حرف‌ها را گردن من هم‌می‌گذارند. حرف دیگرم خطاب به اعضای‌ستادانقلاب‌فرهنگی است‌که زیاد کار را مشکل‌می‌گیرند**."

امام خمینی درباره دانشجویانی که‌بدلیل بی‌تجربگی درگذشته به دام ترفندهای گروهک‌های ضدانقلابی افتاده‌بودند، گفتند:

"**در بازگشائی دانشگاه‌ راه توبه برای دختران وپسران دانشجوئی که مفسدنبوده‌اند وخلافی کرده‌اند، باز است. توبه آنهاپیش خدا قبول‌است وباید راه‌پیداکنند به‌دانشگاه‌ها و خدمت‌کنند به‌کشور وملت.**" (کیهان ـ ۴بهمن ۱۳۶۰)

این نخستین‌بار نیست که رهبر انقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مسئولین‌امر را به‌بازگشائی هرچه سریع تر دانشگاه‌ها فرامی‌خوانند و با رهنمودهای ارزنده خود، مسائل مبرم آن‌را روشن‌می‌سازند. **امام خمینی** در سخنان‌خود در زمینه "**انقلاب‌فرهنگی**" همواره بر بازگشائی‌سریع دانشگاه‌ها، انجام دگرگونی‌های بنیادین در حین فعالیت دانشگاه‌ها وبهره‌گیری از همه نیروهای متعهد به انقلاب و جمهوری اسلامی‌ایران، صرفنظر از عقایدسیاسی ومسلکی، تاکید ورزیده‌اند.

این‌رهنمودهای صرح، اصولی و واقع بینانه امام‌خمینی رابایدهر چه سریعتر به‌کار گرفت و چرخهای نظام آموزش‌عالی را به‌طور کامل به‌حرکت درـ آورد.

ولی متأسفانه، علیرغم این رهنمودهای ارزنده، نگرشی وجوددارد که، بویژه پنهانی وغیرمستقیم، همچنان بابازگشائی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مخالفت می‌ورزد، با بهره‌گیری‌از نیروهای دگراندیش انقلابی در این عرصه مخالفاشت وحتی‌می‌کوشد تا مانع کار و تحصیل اینگونه اساتید و دانشجویان شود.

در این‌تردیدی نیست که‌انقلاب اسلامی‌ایران باید فرهنگ نو استعماری گذشته را ریشه‌کن کند و فرهنگ ضد ـ امپریالیستی و مردمی ومنطبق باویژگی ـ هاونیازهای خودرا پدید آورد. ولی این‌تصور که این فرهنگ انقلابی باید جدا از دستاوردهای فرهنگ بشری رشد وتکوین‌یابد، نادرست، غیرعملی و زیانبار است. بشریت درتاریخ هزاران ساله‌خودآنچنان گنجینه‌ای از فرهنگ مادی و معنوی آفریده، که بستن‌درها بروی‌آن، به‌هرعنوان و بهانه، تنها و تنهامیتواند جمهوری‌نوپای اسلامی ایران را از قافله علم و فن امروزین عقب‌بیاندازد.

ما می‌پرسیم:

آیا در شرایطی که‌میهن انقلابی ما بیش ازهرزمان دیگربه‌بهره‌گیری از نیروی انسانی متخصص و کارآمد برای **بازسازی‌نیازمنداست، عدم استفاده از** امکانات موجودانسانی ومادی دانشگاه ـ ها ومراکزآموزش‌عالی منطقی‌ودرجهت منافع انقلاب وجمهوری‌اسلامی ایران است؟ (توجه‌کنیم که هم‌اکنون کشور ما حداقل به ۲۰ هزار پزشک نیاز دارد و دانشگاه‌های کشور حتی در چارچوب فعلی ـ می‌توانندسالانه بیش از۴هزار فارغ‌التحصیل گروه پزشکی وبیش از ده‌هزارفارغ‌التحصیل رشته‌های‌مهندسی، فنی و کشاورزی به جامعه‌تحویل‌دهند.)

آیا درشرایطی که‌بیش از ۲۰۰ هزارنفر، به‌نام دانشجو، در کشورهای سرمایه‌داری زندگی میکنندو سالانه مبالغ هنگفتی ارز از کشور خارج‌می ـ کنند، محروم‌کردن بیش از ۱۷۵ هزار دانشجو از ادامه تحصیل، به این عنوان‌که "بافرهنگ عربی‌تربیت‌می ـ شوند"، اصولی ومنصفانه‌است؟

آیامحروم‌کردن‌صدها‌هزار‌دیپلمه پشت‌کنکورکه‌باید‌بافراگیری‌تخصص در خور، درساختمان‌ایرانی‌نو، شرکت‌فعال داشته‌باشند، ازآموزش عالی وبلاتکلیف **گذاردن آنهادرخدمت** رشدوشکوفائی **جمهوری‌اسلامی‌ایران‌است؟** (در سال ۱۳۵۸ **بیش از ۵۵۰هزاردیپلمه‌درکنکور** شرکت‌کردند).

آیا در شرایطی که برای هر چه پرتوان‌ترکردن روند بازسازی‌میهن انقلابی، بکارگیری همه‌نیروهای مومن به‌انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران، صرفنظر ازعقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، ضرورتی تردید ناپذیریافته است، عدم بهره‌گیری ازبخشی ازاین نیروها، به‌بهانه‌های تنگ‌نظرانه‌و انحصار طلبانه، واقع بینانه‌ودرجهت مصالح‌انقلاب ومیهن‌انقلابی‌است؟

ودهها "آیا"ی‌دیگر، که پاسخ درست به‌آنهابی‌تردید ـ اگر واقع ـ بین ومنصف باشیم ـ تنها به‌یک‌نتیجه می‌انجامد، نتیجه‌ای‌که‌همواره مورد تاکید **امام‌خمینی**، رهبر انقلاب و بنیانگذارجمهوری‌اسلامی‌ایران، بوده است:

"**همه‌نیروی‌خودرا برای بازگشائی دانشگاه‌هاتجهیزکنید**".

ما امیدواریم وانتظار داریم که **اعضای "ستادانقلاب‌فرهنگی"**، این رهنمودارزنده **امام‌خمینی** رافرا راه خویش قرار دهند وبا همکاری وهم ـ فکری "**افرادصاحب‌نظرمتعهدواساتید ودانشجویان محترم و مسئول**"، صرفنظر ازعقاید سیاسی‌و مسلکی و مذهبی، بازگشائی دانشگاه‌هاومدارس عالی‌راتوان‌وسرعت‌هرچه بیشتری بخشند.

مزدورگیری امپریالیسم علیه جنبشهای آزادیبخش ملی

کمیسیون حقوقی سی‌وششمین اجلاس "مجمع عمومی سازمان ملل متحد" تصمیم گرفت که به تدوین پیش نویس معاهده بین‌المللی علیه‌استخدام، تحمل‌هزینه‌های مالی وآموزش مزدوران بپردازد. این‌معاهده، که‌بر پایه یک قطعنامه سی‌وپنجمین اجلاس "مجمع عمومی" تدوین میشود، کشورهای جهان رابه‌مقابله باهمه اشکال‌مزدوری متعهد می‌سازد. درسوکمیسیونی‌که تدوین پیش نویس معاهده نامبرده‌را تدارک می‌بیند، سی‌وپنج‌کشورشرکت دارند. نمایندگان کشورهای مترقی خاطرنشان ساخته‌اندکه، دراین معاهده بین ـ المللی باید به‌مسئولیت‌کشورهائی که عملیات‌مزدوری را طرح‌می‌ریزند، سازمان‌می دهند وتشویق می‌کننداشاره گردد.

"سازمان‌ملل‌متحد" سالهاست‌که بکارگیری‌مزدوران راعلیه جنبش ها ی آزادی‌بخش واستقلال طلب محکوم کرده و خود این مزدور را جنایتکار خوانده‌است. سازمان‌ملل‌متحدازدولت ـ های‌جهان‌خواسته‌است که‌همه جانبه به‌جنگ‌علیه استخدام، آموزش، بکار ـ گیری، تحمل‌هزینه‌های‌مالی‌وتشویق مزدوران بروند.

کشورهای‌سوسیالیستی بارها ثابت کرده‌اندکه بکارگیری مزدوران چیزی حزحربه امپریالیسم‌واستعمار برای رویاروئی‌باجنبش های آزادی ـ بخش ملی، ثبات‌زدائی و سرنگونی رژیم‌های مترقی‌نیست.

ازسوی‌دیگر، کشورهای‌امپر یا ـ لیستی می‌کوشندتامسئولیت‌آموزش‌وبه کارگیری مزدوران را از خودسلب‌کنند امانمونه‌های فراوان بثبوت میرساند که، استخدام مزدوران‌بخشی‌از سیاست تجاوزکارانه‌امپریالیسم برای مداخله درامورداخلی کشورهای‌مستقل‌آسیا، آفریقاوآمریکای‌لاتین است. گسیل مزدوران آفریقای‌جنوبی، آمریکا، بریتانیا وآلمان‌غربی برای اقدام به کودتا علیه‌سیشل تازه‌ترین نمونه این روش امپریالیستی بود. فزون بر این بگزارش "ساواپو" ۳۰۰۰–۲۰۰۰ مزدورازآمریکا، اروپای‌غربی، اسرائیل وکشورهای‌آمریکای‌لاتین‌علیه‌آنگولا و "سازمان‌مردم‌آفریقای جنوب‌باختری" می‌جنگند.

امید می‌رودکه‌پیکردومجازات عمال‌مزدورامپریالیست به‌پیکارجنبش ـ های‌آزادیبخش کمک رساند.

اتحاد مردم

شماره ۱۱۴ دوره سوم دوشنبه ۱۲ بهمن ماه ۱۳۶۰

بمناسبت روز اعلام جمهوری هند (۶ بهمن ۱۳۲۹ / ۲۶ ژانویه ۱۹۵۰)

هند مستقل

* تجربه هند نشان‌میدهد که ،استقلال ملی کشورهای روبه رشد تنها در مبارزهٔ پیگیروقاطع علیه‌امپریالیسم اجرای‌اصلاحات‌اجتماعی‌ـاقتصادی‌به‌سود خلق ودوستی وهمکاری باهمهٔ نیروهای‌ضدامپریالیستی‌جهان‌پایدار می‌ماند.

* "اتحاد شوروی‌همیشه در دوران‌های سخت به‌هندوستان کمک کرده‌است"

ایندیراگاندی

* پیوند هند با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به‌این کشورکمک‌می‌کند ،تا استقلال ملی‌خود را قوام‌بخشد.

* هند ازسیاست خارجی ضدامپریالیستی ،استقلال‌طلبانه و صلح‌جویانه پیروی‌میکند.

ششم بهمن‌ماه (۲۶ ژانویه) هر سال، مردم **هند روز اعلام جمهوری** درکشورشان را، که درسال ۱۳۲۹ (۱۹۵۰) بنیان گذاشته شد، جشن میگیرند.

سه دهه رشد مستقل ملی برای ملتی چندهزارساله، دوره‌کوتاهی بیش نیست. اما درهمین مدت‌کوتاه مردم هند توانسته‌اند درپیکاری بی‌امان علیه امپریالیسم وارتجاع داخلی به پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه‌ای درعرصه‌های اجتماعی‌ـاقتصادی وسیاسی نائل آیند ودرصحنه‌بین‌المللی از اعتبار وحیثیت‌والایی برخوردار شوند.

تجربه‌ای بس گرانبها

تجربهٔ هند، برغم محدودیت‌ها و ویژگی‌های آن، نشان‌می‌دهدکه، چگونه دولتی با اتخاذ سیاستی در جهت منافع ملی و بویژه اتخاذ سیاست خارجی متکی بر نبردپیگیر و قاطع با امپریالیسم وحمایت از اصول صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، دوستی باکلیهٔ نیروهای جبههٔ‌ضدـامپریالیستی جهانی وپشتیبانی از مبارزهٔ خلق‌های ستمدیده، میتواند استقلال خود را دربرابر تهاجم‌همه جانبهٔ امپریالیسم، ارتجاع منطقه و نیروهای برتری طلب درآسیاحفظ کند.

تجربهٔ هند ازسوی دیگرمی‌آموزد که استقلال سیاسی واقتصادی و دستاوردهای اجتماعی‌ـ اقتصادی وسیاسی کشوری ازبندرسته، که هنوز مناسبات سرمایه‌داری درآن حکمفرما است، به علت تشدید ناگزیرتضادـهای اجتماعی وطبقاتی و دستبرد مداوم غارتگران خارجی وداخلی‌به این‌دستاوردها، پایدار نمی‌ماند، مگر این که سرانجام راه برتحولات بنیادی و عمیق‌وهمه‌جانبه اجتماعی ـاقتصادی گشوده شود.

حاصل سه دهه رشد مستقل ملی

آنچه هند از استعمار بریتانیا به ارث برده بود، عبارت بود ازصنعتی رشد نیافته، که با منافع کشور "متروپل" سازگاری داشت، کشاورزی عقب‌مانده نیمه‌فئودالی، فقر شدید وگسترده، بیسوادی‌مطلق وسیطرهٔ سرمایهٔ خارجی.

اما جمهوری هند، که به برکت یک جنبش رهائی‌بخش ملی و با الهام از **انقلاب اکتبر** تشکیل شده بود، توانست تحت رهبری **جواهر لعل نهرو**،وسپس در دوران‌زمامداری بانو **ایندیرا گاندی**، گام‌های موثر و استواری درمسیر صلح، استقلال ملی و پاره‌ای اصلاحات اجتماعی‌ـ اقتصادی بردارد.

تصویب قانون اساسی سال۱۳۲۹ که آزادی‌های دموکراتیک و حقوق مدنی وسیاسی مردم هند را تضمین می‌کند، به هندیها یاری داد تا نقش فعال و موثری درحیات‌سیاسی کشورشان ایفاء کنند. برچیدن امیر نشین‌ها، یا پایگاههای فئودالی، و پایان دادن به خودکامگی فئودال‌ها سهم مهمی درتامین وحدت ملی و تضعیف سلطه نواستعمار برهندداشت. تقسیم کشور به ایالت‌های خودمختار برپایهٔ اکثریت قومی، به تخفیف تشنجات و اختلافات قومی مدد رساند. و بالاخره، پی‌ریزی یک صنعت مستقل و نوین، محدودکردن بزرگ مالکی و اصلاح وضع کشاورزی، که مانند گذشته رکن اساسی اقتصاد هند را تشکیل می‌دهد، بهبود قابل ملاحظه نظام آموزشی و اصلاحات سالهای اخیر، کهٔ تحت رهبری جناح مترقی **"حزب کنگرهٔ ملی"** به‌ریاست **ایندیراگاندی** و با مشارکت توده‌های وسیع مردم وحمایت نیروهای راستین چپ، درمبارزه‌ای بس دشوارعلیه ارتجاع داخلی وسرمایه انحصاری خصوصی داخلی وخارجی صورت‌گرفته و میگیرد، هند را در راه تحکیم استقلال به پیش می‌برد.

ناگفته نماند که هند هم اکنون‌نیز با دشواری‌های مهمی ازقبیل نابرابری‌های محسوس اجتماعی و اقتصادی، فقر، بقایای کاست‌ها و زندگی طایفه‌ای و نتایج منفی راه‌رشد سرمایه‌داری، مانند تورم، بیکاری، بحران پولی و انرژی روبروست. اما با اطمینان می‌توان گفت که این کشور درمقیاس معینی برعقب‌ماندگی‌دیرینه خود فائق آمده است.

هند اکنون ازلحاظ تولید چندین فرآوردهٔ صنعتی به حد خودکفایی رسیده است. صنایع این کشور انواع ماشین آلات و تجهیزات، هواپیما و کشتی و شمارگر (کامپیوتر) می‌سازند و انواع توربین‌ها و ماشین‌ـهای نساجی و متالورژی، دستگاههای حفاری، لکوموتیو برقی ،تهویه‌مطبوع و تلویزیون تولید می‌کنند. درسال‌ـهای اخیر، هند با تجهیز خود به دانش هسته‌ای، از آن برای مقاصد صلح آمیز بهره‌برداری می‌کند.

از زمان استقلال تاکنون، فرآورده ناویژه ملی هند ۱۵۰ درصد افزایش یافته و تولید صنعتی آن ۴ برابرشده است. همزمان، استخراج زغال‌سنگ ۳ برابر، تولیدسیمان ۷ برابر، تولید نیروی برق ۱۰ برابر، تولید نفت ۳۰۰ برابر و فولاد ۵ برابر شده است.

تولید کشاورزی هند نیز دو برابر شده است و نزدیک به نیمی از درآمد ملی را تامین‌می‌کند. در دهه‌گذشته، مساحت‌زمینهای قابل کشت از ۳۷ میلیون هکتار به ۵۳ میلیون هکتار رسید و مقدار بهره‌برداری از کود از ۲/۲ میلیون تن‌به ۵/۲ میلیون تن افزایش یافت. طرحهای برق رسانی و آبیاری وایجاد واحدهای تولید ماشین آلات نوین کشاورزی واستفاده از تکنولوژی زراعتی سهم قابل توجهی دراحیاء و نوسازی کشاورزی داشته است، بطوری که میانگین‌تولید غلات درسالهای ۱۳۵۵ـ ۱۳۵۸ به ۱۲۰ میلیون تن رسید و کشور را از واردات غله بی‌نیاز ساخت.

دستاوردهای هند درگسترهٔ اجتماعی نیز قابل توجه است. برای نمونه، انتظار طول عمر از ۳۲ سال به ۵۳ سال رسیده که نشانهٔ گسترش بهداشت و بهبود کلی سلامت اهالی است. درزمینهٔ آموزش، نسبت باـسوادان از ۳۰ درصد درسال ۱۹۷۱ به ۳۶درصد درسال ۱۹۸۱ رسید. آموزش ابتدایی، عمومی و اجباری شده وپنج سال اول آن رایگان است. تعداد کل دانش‌آموزان از۲۴ میلیون به ۹۰ میلیون و تعداد دانشجویان از ۳۶۰هزار به ۳/۱ میلیون (درسال ۱۳۵۵) رسیده است.

بخش دولتی ـ محور مبارزه میان نیروهای دمکراتیک وارتجاع

بخش دولتی اقتصاد هند، که ازطریق اجرای طرح‌های صنعتی نوین و از راه ملی‌کردن بانک‌ها، شرکتهای بیمه و واحدهای بزرگ در صنایع سبک و سنگین ایجاد شده، سهم بسزایی درنوسازی و رشداقتصاد ملی این کشور داشته است. درجریان رشد این بخش دولتی ،درکشوری‌که مناسبات سرمایه‌داری درآن حاکم است، شرایط مادی و فنی وحتی برخی شرایط اجتماعی برای پیشرفت، فراتر از چارچوب منافع بورژوازی و انحصارهای خارجی فراهم آمده‌است.

سهم دولت درسرمایه‌گذاری‌خالص دراقتصاد کشور، درسالهای ۱۳۵۴ـ ۱۳۳۰، ۵۳ درصد بود. (ازجمله ۶۱ درصد درصنعت و ۴۴ درصد در کشاورزی). درسال ۱۳۵۷، ۷/۵ میلیون‌نفر در بنگاههای صنعتی دولتی (بجز واحدهای کشاورزی) کار می‌کردند.

در دههٔ ۱۳۳۰، درهند تنها۵ بنگاه دولتی باسرمایهٔ ۳۰۰ میلیون روپیه وجود داشت. اما امروزسرمایه ۳۰۰ بنگاه دولتی از ۱۱۰۰۰۰میلیون روپیه درمی‌گذرد. بنگاههای دولتی رویهم ۴۰درصد فرآورده‌های صنعتی و ۱۸ درصد فرآوردهٔ ناویژهٔ ملی را فراهم می‌آورند. دولت خطوط راه آهن، بنادر، صنعت هواپیمایی، ارتباطات و تاسیسات عمده آبیاری و صنایع نظامی را دراختیاردارد و بنگاههای وابسته به آن درتولید آهن وفولاد، صنایع استخراجی، مهندسی وسایر رشته‌های اساسی مواضع مسلط‌دارند. دولت همچنین ۹۰ درصد ذخایر بانک‌ها، ۸۰درصد واردات و ۲۵درصد صادرات را در دست گرفته است.

ازبدو تاسیس جمهوری هند، تحکیم و گسترش بخش دولتی اقتصاد هند محور مبارزهٔ شدید میان‌نیروـهای دمکراتیک و ارتجاع بوده‌است. نیروهای دمکراتیک این بخش را، که بی‌تردید نقش بالقوه ضدامپریالیستی دارد، مهمترین عامل اقتصادی‌برای اجرای اصلاحات دمکراتیک و محدود کردن سرمایهٔ خصوصی ارزیابی می‌ـکنند، حال آنکه نیروهای‌ارتجاعی می‌کوشند، از رشد بیشتر آن‌جلو گیرند و آن را تابع منافع بورژوازی بزرگ هند سازند.

همچنانکه گفته شد، جمهوری‌هند اکنون درگیرتضادهای حاداجتماعی ـ اقتصادی وسیاسی است که بطور عمده زاییده مناسبات سرمایه‌داری دراین کشور است. یکی ازحادترین این تضادها، شکاف میان قشرفوقانی ثروتمند، کمبیش از نیمی ازدرآمد ملی را به جیب می‌زند، و اکثریت عظیم مردم است، که با فقروبی‌ـسوادی وبیماری وبیکاری و تورم فزاینده دست وپنجه نرم می‌کنند و کمتر از ۲۰ درصد درآمد ملی عایدـشان می‌شود.

۱۰ درصد مالکان بزرگ بیش از ۵۰ درصد همهٔ زمین‌های زیرکشت را دراختیار دارند، درحالی که اکثریت عظیم دهقانان،که هیچکدام‌ـشان‌بیش از ۲ هکتار زمین دراختیار ندارند، صاحب ۲۳ درصد زمین‌ها هستند.

مشخصهٔ رشداجتماعی‌ـ اقتصادی وسیاسی هند، بخصوص دردهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، حدت گرفتن تضادهای اجتماعی وطبقاتی ومبارزه سیاسی درکشور بود. **"حزب کنگرهٔ ملی"** دچار بحران درونی شد و حزب بورژوایی **"جاناتا"** که ائتلافی از نیروهای طرفدار بزرگ‌سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی ودهقانان ثروتمند بود، درانتخابات ۱۳۵۶ (۱۹۷۷). به پیروزی رسید و قدرت را دردست گرفت.

اما درتابستان سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹). حزب **"جاناتا"** بطورعمده براثر تضاد میان منافع نیروهای حامی‌آن و نارضایی عموم مردم از ناتوانی‌آن در حل مسائل مبرم اجتماعی‌ـ اقتصادی و برقراری ثبات وآرامش‌در درکشور،شکست خورد و **"حزب کنگرهٔ ملی"**،به رهبری **خانم گاندی**، مجددا، زمام امور هند را دردست گرفت.

وضع بغرنج اقتصادی با تشنجات اجتماعی‌ـ سیاسی فزاینده توام بوده است. ستیزه میان ملیت‌ها وفعالیت عناصرجدایی‌طلب افزایش یافته و نواحی مرزی کشور، بویژه درآسام، ناآرام بوده‌اند. شورش‌های دهقانی نیز درایالت‌های اصلی صورت‌گرفته است.

وضع سیاسی کشور به دلیل‌وخامت فزاینده‌شرایط اجتماعی‌ـ سیاسی، فعالیت شدید عناصرناسیونالیست، مذهبی افراطی، قبیله‌ای، کاستی و جدایی‌طلب وشکل‌گیری یک‌ساختار حزبی وسیاسی نوین، که درآن طیف بسیار رنگارنگی ازاحزاب عمل‌میکند، همچنان بغرنج و متناقض باقی‌مانده است.

هند نمونه‌ای برای همکاری مسالمت آمیز میان نظام‌های گوناگون

هند مستقل، بنا به اعتراف‌صریح و روشن رهبران آن کشور، بسیاری از دستاوردهای اجتماعی‌ـ اقتصادی خود را مرهون همکاری‌بااتحاد شوروی و دیگرکشورهای سوسیالیستی میداند. همچنانکه بانو ایندیراگاندی اظهار داشته:

"اتحادشوروی همیشه در دوران‌ـهای سخت به هندوستان کمک‌کرده است".

نمونهٔ این گونه کمک‌ها درتاریخ مناسبات میان دوکشور کم نبوده است. درهمان نخستین سال اعلام جمهوری درهند (۱۳۲۹)، کشور دچارقحطی گسترده‌ای شد ،که جان میلیون‌ها نفر از مردم رابخطر انداخت. حکومت هند برای غلبه براین‌دشواری از ایالات‌متحده آمریکادرخواست‌وام برای خریدغله از این‌کشور کرد. اما درحالی که مردم براثر گرسنگی تلف می‌شدند، ایالات‌متحده آمریکا مذاکرات را طولانی‌ترمی‌ساخت. و تنها ارسال محموله‌های غذایی از سوی اتحادشوروی و برخی دیگر از کشورهای سوسیالیستی، ایالات متحدهٔ آمریکا را وادار به تسریع مذاکرات نمود.

هند درتلاش خود برای غلبه بر عقب‌ماندگی استعماری، باکمبود شدید سرمایه مولد و ارز معتبربرای واردات وسایل تولید مواجه بود. اتحادشوروی، بپیروی ازسیاست خود مبنی بر پشتیبانی ازجنبش‌ـهای رهایی بخش ملی و کشورهای مستقل، با کمک‌های بنیادی به هند، این کشور را درتلاش برای تحکیم استقلال یاری رساند. بر اساس یک رشته موافقتنامه، که در فاصلهٔ ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۴ بین دوکشور منعقد شد، اتحادشوروی اعتبارات درازمدتی به مبلغ ۶۰۰ میلیون روبل دراختیار هند گذاشت.

صنعت ذوب آهن در کانون‌اصلی کمک اتحادشوروی به هند قرارداشت و قسمت اعظم اعتبارات اتحاد شوروی دراین بخش از صنعت به جریان افتاد.

عرصهٔ دیگر یاری اتحادشوروی به هند، صنعت نفت بود. اتحادشوروی با تامین سوخت مایع مورد نیازصنایع هند، به رهایی این کشور از چنگ انحصارهای امپریالیستی کمک‌فراوان رساند.

نیروی برق دربرنامه‌کمک‌اقتصادی اتحادشوروی جای ویژه‌ای داشت. تعداد یازده نیروگاه به‌طورکامل‌توسط اتحادشوروی و یا با مشارکت این‌کشور ساخته شد، که اکنون ۲۰ درصد کل نیروی برق کشور را تامین می‌کند.

سایر زمینه‌های همکاری شامل ساختمان کارخانه‌های ابزارسازی، صنایع دارویی، زغال سنگ، ماهی گیری‌وکشاورزی و تربیت کادرمی‌ـشود. بیش از ۹۶ هزارشهروند هندی، مشتمل بر ۱۹ هزار فارغ التحصیل دبیرستان ودانشگاه و ۷۷ هزار نفر کارگر ماهر، با مساعدت اتحادشوروی آموزش دیده‌اند.

بنگاههایی که باهمکاری اتحاد شوروی درهند ساخته شده‌اند، ۸۰ درصد ماشین‌آلات ذوب فلز، ۶۰ درصد تجهیزات برقی سنگین، ۷۰ درصد نفت استخراجی، ۳۳ درصد نفت پالایش شده، ۳۵ درصدکل فولاد و ۲۰ درصد نیروی برق هند را تامین می‌کنند.

بازپرداخت وامهای شوروی‌ازطریق صدورکالاهای ساخت هند به اتحاد شوروی صورت می‌گیرد و این امر به نشانهٔ تاثیر بنیادی کمک اقتصادی اتحادشوروی برصنعتی شدن هند است.

پیوندهای هند با اتحادشوروی و سایرکشورهای سوسیالیستی به‌این کشور کمک می‌کند، تا استقلال ملی خود را قوام بخشد و بطورموثر با نقشه‌های نواستعماری امپریالیسم و طرحهای تجاوزی نیروهای توسعه طلب درآسیا مقابله کند. این پیوندها همچنین مواضع این قدرت‌بزرگ آسیایی را درصحنهٔ بین‌المللی تقویت‌میکند و بر اعتبار سیاست صلح خواهانهٔ آن می‌افزاید.

نهرو، معمار سیاست‌خارجی هند، می‌گفت که، تنها درصلح می‌توان پیشرفت کرد. اوتاکید می‌کرد که:

"صلح ازنظر ما فقط امتناع از جنگ نیست، بلکه برخورد فعال و مثبت به مناسبات بین‌المللی‌است. چنین برخوردی باید ابتدا ازطریق تلاش برای حل مسائل از راه مذاکره به تخفیف تشنجات موجود وسپس به گسترش همکاری بین‌المللی به زمینه‌های گوناگون، به حیطهٔ تماس‌ـهای فرهنگی وعلمی و به گسترش بازرگانی، تبادل افکار، تجربه و اطلاعات منتهی شود".

بقیه‌درصفحه۶

تفسیر وقایع مهم جهان

سیاست امپریالیستی محاصره جمهوری اسلامی ایران

هرقدر انقلاب اسلامی ایران نیروی بقای خودرا بیشتر نشان می‌دهد، تلاش امپریالیسم آمریکا و یارانش برای ضربت زدن به این انقلاب نیز افزایش می‌یابد. توطئهٔ امپریالیستی علیه انقلاب اسلامی ایران اکنون، به مرحله تازه‌ای پانهاده است. امپریالیست‌ها حلقه محاصره اقتصادی، سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران را تنگ تر میکنند. پیمان "دفاعی" و "امنیتی" کشورهای عضو "شورای همکاری خلیج فارس"، که در این روزها شکل نهائی به خودگرفت و از زیر بال آواکس های عربستان سعودی سراز تخم بیرون آورد گامی تازه در تحقق این سیاست امپریالیستی است. مبالغ سرسام آوری که اعضای این پیمان از گنج بادآور نفت برای برنامه‌های درازمدت تسلیحاتی، ایجاد صنایع نظامی، پایگاه های دریائی وهوائی، خطوط مخابراتی، جاده‌های استراتژیکی وغیره تخصیص داده‌اند، نشانهٔ مقیاس وسیع این توطئه است. سران مرتجع کشورهای خلیج فارس چه تلویحا وچه صراحتا اقرار می‌کنند که برای رویاروئی با "خطری" که ازجانب ایران آنها را تهدید میکند، در این پیمان گردآمده‌اند.

اگر به تاریخچه "پیمان سازی"های امپریالیسم نظری بیفکنیم، می‌بینیم که در تمام این پیمان‌ها ماده‌ای گنجانده شده است که اعضای پیمان را موظف میکند، درصورت بروز "آشوب‌هائی" که از "خارج" سرچشمه گرفته باشد، به یکدیگر کمک نظامی کنند. در پیمان "سنتو"، درپیمان دوجانبه نظامی ایران وامریکا، پاکستان وامریکا، ترکیه وامریکا وهمچنین درسایر پیمان هائی که امپریالیستها الهامگرآن بوده‌اند، این ماده گنجانیده شده است. معنای این ماده آنست که درصورت بروز انقلاب های داخلی، سایر اعضای پیمان میتوانند به استناد آن در سرکوب جنبش انقلابی به رژیم ارتجاعی مربوطه کمک کنند. در پیمان "دفاعی" میان کشورهای عضو "شورای همکاری خلیج" فارس نیز چنین ماده‌ای وجود دارد.

حقیقت نیز اینست که تا ایران انقلابی وسمت ضدامپریالیستی و مردمی آن وجود دارد، شاهان، ملوک و شیوخ مرتجع خلیج فارس نمیتوانند خواب راحت داشته باشند. این کانون انقلابی تاهست، تاثیر آن نیز وجود خواهد داشت. پس سران عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس ودریای عمان وغیره باید انقلاب اسلامی ایران را درحیطهٔ سلطنتشان بی اثرکنند (چیزی که ممکن نیست) و یا خوداین کانون انقلابی را خاموش کنند و یالااقل ازفروغ آن بکاهند. شاهان ملوک وشیوخ مرتجع عرب این راه را برگزیده‌اند وبرای انجام این مقصود نیروهای خودرا در یک پیمان گرد میآورند، تادست دردست امپریالیست های امریکائی وانگلیسی، رمق انقلاب اسلامی ایران رابگیرند، ایران را به مسابقهٔ تسلیحاتی بکشانند از بازسازی اقتصادی وپیاده کردن برنامه‌های سیاسی ـ اجتماعی بازدارند ـ و بدینسان جمهوری اسلامی ایران رابه عنوان یک نظام ناموفق به خلق های منطقه معرفی کنند و برحیات طفیلی خودشان چندصباحی بیفزایند. منافع آنان در ضربت زدن به انقلاب اسلامی ایران با منافع امپریالیسم درمنطقه و جهان یکی است، توطئه آنان در خلیج فارس نیز جزئی از توطئهٔ وسیع تر امپریالیسم به مقیاس منطقه و جهان است.

پاکستان حلقه‌ای از زنجیر توطئه امپریالیسم

به نوشتهٔ مطبوعات غربی، ۲۵ هزارکارشناس نظامی پاکستانی در کشورهای عرب ساحلی خلیج فارس به "آموزش و پرورش" نظامی مشغولند

ازسوی دیگر همکاری نزدیک پاکستان با امپریالیسم امریکا برضد جنبش‌های انقلابی منطقه برکسی پوشیده نیست. کشورهای عضو "شورای همکاری خلیج "فارس)، پاکستان، امریکا و انگلستان، بدون آنکه هنوز در "پیمان" واحدی جمع شده باشند، عملا برضد انقلاب اسلامی ایران وسیعا بایکدیگر همکاری میکنند. نمایندگان دنیای امپریالیسم پی درپی به پاکستان می‌آیند ورهبران پاکستان به بازدید آنان میروند. درتمام این دید وبازدیدها مسئله انقلاب اسلامی ایران یکی ازمهم‌ترین مسائل مورد بحث است.

عواملی که شاهان، ملوک وشیوخ مرتجع عرب را به ضدیت با انقلاب اسلامی ایران برانگیخته است، عینا همان عواملی است که داردستهٔ ضیاءالحق را درکنار امپریالیسم آمریکا ودر مقابل انقلاب اسلامی ایران قرارداده است. دیکتاتوری ضیاء الحق، دیکتاتوری سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم امریکا وانگلستان و زمین‌داران بزرگ است. "اسلام" او نیزبر پایه "تجارت آزادورقابت" بناشده است. نظام جمهوری اسلامی ایران، که برهبری امام خمینی و زیر پرچم اسلام انقلابی پیروز شد، در قطب مخالف "اسلام" ضیاءالحق قرارداد. ضیاءلحق درهای پاکستان را بروی سرمایه‌های امریکائی وانگلیسی گشوده است. در پاکستان امروز همان منظره‌ای حکم‌فرماست که دیروز در ایران شاهنشاهی وجود داشت، منتهی بافقر و بدبختی مدهشتر. سستی پایه‌های نظام سرمایه‌داری وابسته در پاکستان رژیم ضیاءالحق را روز بروز بیشتر به دامان امپریالیسم آمریکا می‌افکند.

امریکائی‌ها حکومت ضیاءالحق را برای سرکوب انقلاب در پاکستان و رویاروئی با رژیم های ضدامپریالیستی منطقه، ازجمله وبه ویژه ایران، هند وافغانستان، مسلح میکنند. طبق توافقی که بین دولت آمریکا و رژیم ضیاءالحق حاصل شده است، به "نیرو های واکنش سریع" اجازه داده میشود که از خاک پاکستان برای تهاجم به ایران وافغانستان استفاده کند. کارشناسان نظامی امریکا بندرگوادار، واقع در ۸۰ میلی چابهار را برای تبدیل آن به یک پایگاه مهم دریائی انتخاب کرده‌اند. نیروهای امریکائی وپاکستانی ازاین بندر برای پیاده شدن در خاک ایران استفاده خواهندکرد. روزنامهٔ "حریت" چاپ لیبی مینویسد که مقداری از پول‌هائیکه امریکائی‌ها به پاکستان برای خریدتسلیحات میدهند ازسپرده‌های شاه سابق در بانک های امریکا برداشته میشود. استفاده ازاین سپرده‌ها، که متعلق به مردم ایران است نیازی به تصویب کنگره و رعایت سایر تشریفات قانونی ندارد، وبه همین دلیل مصرف آنها برای هزینه‌های سری ومحرمانه آسانتر است. نشریه هندی "بلیتس" نیز این خبر را تائید کرده است.

تلاش امپریالیسم امریکا برای محاصره نظامی ـ سیاسی ایران، به پاکستان و "شورای همکاری خلیج "فارس منحصر نمیشود. ترکیه نیز در این محاصره نقش مهمی بعهده گرفته است انقلاب اسلامی ایران ترکیه را نیز، به همان دلایلی که دربارهٔ پاکستان و کشورهای مرتجع ساحلی خلیج فارس گفتیم، تهدید میکند.

ترکیه هم پیمان آمریکا

هم پیمانی با امریکا در "ناتو" ترکیه را به تبعیت از سیاست این پیمان تجاوزکارانه در منطقه خاور نزدیک و میانه وادار میسازد. ترکیه تازمانیکه در پیمان "ناتو" عضویت دارد و هر سال صدها میلیون دلار از امریکا کمک نظامی میگیرد، نمیتواند در سیاست این پیمان وسیاست امریکا درمنطقه موضع بیطرفي اتخاذکند، بویژه آن که پیمان "ناتو" پس ازانقلاب اسلامی ایران عملا منطقهٔ خلیج فارس وخاورمیانه ونزدیک را در قلمرو فعالیت خود واردکرده است.

امپریالیسم امریکا میکوشد که تلاشی "پیمان سنتو" را با ایجاد یک گروه‌بندی نظامی ـ سیاسی شبیه آن جبران کند. سفر کنعان اورن رئیس حکومت نظامی ترکیه به پاکستان وسفر واین برگر وزیر دفاع آمریکا به ترکیه در سال گذشته مسیحی، با این کوشش امریکا ارتباط داشت. هدف از ایجاد این گروه‌بندی تازه، که هستهٔ اصلی آن را پیمان استراتژیک امریکا و اسرائیل تشکیل میدهد، اعمال فشارنظامی ـ سیاسی برکشورهای ضدامپریالیستی منطقه، بویژه سوریه، لیبی، ایران و افغانستان وجلوگیری ازبروزانقلاب های تازه درسایرکشورهای خاورنزدیک ومیانه به رویاروئی با انقلاب اسلامی ایران، جلب ترکیه وپاکستان به سیاست های ماجراجویانه امپریالیستی بر ضدجنبش های انقلابی منطقه ـ ابزار کار امپریالیست‌ها درسیاست "تفرقه بیانداز وحکومت کن" آنهاست. امپریالیسم امریکا ویارانش با استفاده ماهرانه از این سیاست دنیای صد میلیونی عرب را اسیر دست "رژیم صهیونیستی اسرائیل کرده‌اند. تلاش کشورهای مترقی عرب برای ایجاد جبهه واحد ضدصهیونیستی وضدامپریالیستی در منطقه، همیشه در اثر خیانت رهبران مرتجع وخودفروخته عرب به ناکامی انجامیده است. در نتیجه اسرائیل وحامیانش توانسته‌اند ارادهٔ خودرا برخلق‌های عرب تحمیل کنند. هم‌اکنون نیز اسرائیل و امریکا می‌خواهند سیاست خودرا در مسئلهٔ فلسطین مهمترین مسئلهٔ خاورمیانه و نزدیک با همین شیوه بر دنیای عرب تحمیل کنند.



است. امریکا قصد دارد که از مجموعهٔ دولت‌های "دوست" خود در منطقه (اسرائیل، مصر، پاکستان، ترکیه، عربستان سعودی، عمان و . . .) سازمانی نیرومند برای رویاروئی باجنبش‌های انقلابی ضدامپریالیستی و قبل از همه انقلاب اسلامی ایران، که سمت حاد ضدامریکائی دارد، فراهم سازد.

فشار بر میهن انقلابی ما روزبروز سنگینتر وخطرناکتر میگردد. بعید نیست که مادریک گوشهٔ دیگرکشورمان باماجراجوئی‌های دیگری نظیرماجراجوئی صدام روبروگردیم. خلق انقلابی ما بایدهوشیار باشدویقین داشته باشدکه تامردانه ومتحد دربرابر شیطان بزرگ ایستادگی نکند، هرگزاز گزند آن در امان نیست.

یگانه راه‌رهائی ازخطری که انقلاب ماراتهدید میکند، تحکیم جبههٔ واحد نیروهای ضدامپریالیستی در داخل کشور، درمنطقه وجهان است. ایستادگی دربرابرتجاوزات امپریالیستی به جز باتشکیل این جبهه ممکن نیست و به همین دلیل نیز دولت‌های امپریالیستی برای تفرقه‌افکنی در این جبهه تمام نیروهای خودرا بکارمی‌برند. جنگ تحمیلی عراق برایران، تحریک کشورهای عضو "شورای همکاری‌های خلیج" فارس

مذاکرات مصرو اسرائیل در مسئله فلسطین

مذاکرات مصر واسرائیل بر سر مسئلهٔ فلسطین، ازهمان روز شومی که قراردادکمپ دیوید بامضا رسید، آغاز شد وتاکنون ادامه دارد. این مذاکرات بیشتر به گفتگوی لال و کر شباهت دارد:

اولا معلوم نیست که مصرواسرائیل چه‌حق دارند دربارهٔ مسئلهٔ فلسطین باهم گفتگوکنند. خلق فلسطین زنده است وسازمان آزادیبخش فلسطین به منزله یگانه نماینده خلق فلسطین از سوی تمام کشورهای عرب و دهها کشور دیگر جهان به رسمیت شناخته شده است پس چه‌کسی به سادات ویا حسنی مبارک وکالت داده است که به نمایندگی خلق فلسطین سخن بگویند؟

ثانیا مذاکره با اسرائیل، که ابدا بوجودخلقی بنام خلق فلسطین قائل نیست، چه‌معنائی دارد؟

ثالثا صدمیلیون عرب، که خودشان را ملت واحد عرب می‌نامند، چرابايد به اسرائیل غاصب باج بدهند وبرسرزندگی در سرزمین‌های زادوبومی خویش ازآن اجازه بگیرند؟

این اهانت وتحقیر، که بر ملت عرب وتمام خلق‌های منطقه روا میگردد، به تنهائی کافی است که چشم وگوش آنانرا بازکند وآنان را به ثمره جدائی و تفرقه میان خودشان آگاه سازد.

اما خلق‌های منطقه به گناه سران خیانتکاری که اتحاد باامپریالیسم امریکا راواجبتر ومهمتر از اتحاد باخلق های خویش میدانند، همچنان دچار پراکندگی وتفرقه هستند. مذاکرات مصر واسرائیل بر سر مسئلهٔ فلسطین نیز ابزاری در دست امپریالیسم امریکا برای نگاه‌داشتن شکاف بین مصر وسایر کشورهای عرب منطقه است، زیرا در این مذاکرات، یاحسنی مبارک به روش سادات خائن در برابر اسرائیل تسلیم میشود وبه شرایط آن گردن می‌نهد، که در این صورت هیچ چیزقادر نخواهد بود این شکاف را پرکند. مصر درسنگر اتحاد با امپریالیسم وصهیونیسم باقی خواهد ماند واسرائیل با اطمینان خاطر ازاینکه مصردر دست آن اسیر است، به سراغ سایر کشورهای عرب وقبل از همه سوریه خواهد رفت، ویا حسنی مبارک بشرایط پیشنهادی اسرائیل در مسئلهٔ "خودمختاری فلسطین" تن در نمی‌دهد، که در این صورت اسرائیل صحرای سینا را تخلیه نخواهد کرد و نوک سرنیزه خود را بر گلوی مصرهم‌چنان خواهد فشرد.

هیگ وریگان میکوشند که حداکثر فشاررا بر حسنی مبارک واردکنند واو را تاقبل از ۲۶ آوریل، که آخرین مهلت تخلیه سیناست، به قبول راه حلی مطابق میل اسرائیل، وادار سازند. هیگ دراین سفر خود به مصرواسرائیل نتوانست به این مقصود دست یابد. آخرین فشارها برحسنی مبارک در سفرش به واشنگتن، که دوم فوریه انجام میگیرد، وارد خواهد شد. در شرایط کنونی، که جنبش ضد صهیونیستی وضدامپریالیستی درمنطقه اوج میگیرد، حسنی مبارک اگر بخواهد، میتواند در برابر این فشارهای امپریالیستی مقاومت کند. باید در انتظارنشست و قدرت مقاومت حسنی مبارک راآزمود. صلح البته نعمت بزرگی است اما صلحی که درآن عزت وشرف خلق‌هازیرپای رجاله هائی چون صدام وبگین پایمال نشود

امپریالیسم امریکا، که خود بزرگترین نیروی جنگ افروزتاریخ است نمیتواند سرنوشت صلح را نه در خاور میانه ونه در هیچ جای جهان دردست گیرد. اگردلیلی برای این عدم صلاحیت وبی‌اعتنائی امریکا به سرنوشت صلح باید اقامه‌کرد، "وتو"ی امریکادرشورای امنیت وگفتگوی هیگ با آندره‌گرومیکو در ژنو کافی است.

نماینده شوروی در شورای امنیت درباره "وتو"ی امریکا در مسئله اعمال مجازات علیه اسرائیل سخن جالبی گفت اوگفت که مخالفت امریکا با اعمال این مجازات‌ها موافقت آن با ادامه زورگوئی اسرائیل است. حقیقتا هم بدون چماق اسرائیل بر سر اعراب، نمیتوان منابع طبیعی آنان را غارت کرد.

بدنبال "وتو"ی امریکا، قریب صد کشورغیر متعهد تقاضا کردند که مسئله به مجمع عمومی سازمان ملل متحد احاله گردد. باحتمال قوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد اجلاسیه فوق‌العاده‌ای برای بررسی این مسئله تشکیل خواهد داد و اگر هم چنین اجلاسیه‌ای تشکیل نشود همین تقاضای صدکشور عضو سازمان ملل متحد به منزله حکم محکومیت امپریالیسم امریکا واسرائیل است.

سیاست زورگوئی و تجاوز امپریالیسم امریکا هرروز با مقاومت بیشتری درسراسرجهان روبرومیشود قیافه "شیطان بزرگ" بخصوص درمورد مسئلهٔ اصلی دنیای امروز ـ جنگ یا صلح ـ هرروزعریانتر ظاهر میگردد مذاکرات هیگ وگرومیکو بر سرمسئلهٔ کاهش تسلیحات اتمی بار دیگر چهرهٔ واقعی امپریالیسم امریکا را به منزلهٔ بزرگترین نیروی مخرب ومرتجع جهان نشان داد.

بقیه در صفحه ۱۱

اتحاد مردم
شماره ۱۱۴ دوره سوم دوشنبه ۱۲ بهمن ماه ۱۳۶۰

احزاب، جمعیت ها، سازمان هاو...

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

باتوطئه های ضد انقلاب درمحیط های کار مقابله کنیم!

کارگران ،زحمتکشان !

امپریالیسم متجاوزبسرکردگی آمریکا ، درکارتدارک توطئهٔ جدیدی علیه انقلاب شکوهمند ماست . شکست رسوای توطئه‌های کودتائی وغیرکودتائی پیشین ، نه‌تنهاامپریالیسم آمریکا را بر سرعقل نیاورده ، بلکه بربریت ودیوانه‌سری او را دو چندان ساخته‌است .

امپریالیسم آمریکا به‌هرطریق ممکن ومحتمل می‌خواهد نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران را ازسر راه برداردوبه‌جای آن دولت"معتدل ومیانه‌روّی خویش را جانشین سازد ، تا بتواند منافع نامشروع سیاسی ،اقتصادی، نظامی واستراتژیکی خویش رادرکشور ما دوباره احیا کند .

رفت‌وآمدهای پیاپی نمایندگان کشورهای امپریالیستی به‌منطقه‌وملاقات‌ها ، قول وقرارها ،انعقادپیمان های نظامی دوجانبه وچند جانبه ، مسلح ساختن کشورهای ارتجاعی منطقه‌ازسوی امپریالیسم ، تقویت"سپاه‌واکنش سریع آمریکا" و افزایش پایگاه های نظامی امپریالیسم درمنطقه‌همه‌وهمه‌حلقه‌هائی از زنجیره توطئهٔ جدیدامپریالیسم جهانی علیه انقلاب ایران است .

امپریالیسم به موازات تدارک توطئه ازخارج ، در داخل نیز ضدانقلاب رافعال‌تر ساخته‌است . تشدید جدائی‌ها ، جلوگیری ازاتحادنیرو های انقلابی ، تلاش درایجاد تفرقه حتی در میان مسلمانان مبارز ، تبلیغ یاس و نومیدی ، شایعه‌سازی وشایعه‌پراکنی ، سعی درگسترش نارضایتی‌هاوغیره‌وغیره ازعملکردهای ضدانقلاب است .

دربرنامه‌اقدامات ویرانگرانهٔ امپریالیسم ، اخلال دراقتصادکشور ما ، جای ویژه‌ای دارد . به‌دنبال تحریم اقتصادی ، جنگ تحمیلی و سایر خرابکاری‌ها ، عمال امپریالیسم می‌کوشند محیط های کارگری رامتشنج کنند .

رادیوهای ضدانقلاب درسخن‌پراکنی‌های خود کارگران را به اعتصاب و کم‌کاری تشویق می‌کنند . رجوی خائن‌در مصاحبه‌های خود به‌امپریالیسم وعده "اعتصاب سراسری" داده‌است .

واقعیتی است عیان‌که‌طبقه‌کارگر درپیروزی انقلاب وپاسداری ازدستاوردهای آن سهمی به سزا داشته ، محرومیت‌های فراوانی‌رامتحمل شده ، جان‌خویش راوثیقهٔ پیروزی قرارداده ، از زندگی ومعاش خود مایه‌گذارده ، با امپریالیسم نیرنگ باز پنجه در پنجه افکنده ، محاصره‌اقتصادی‌امپریالیسم را باکاروتولید بیشترکم اثرساخته ، با شرکت فعال در جبهه وتدارک پشت جبهه ، محاسبات امپریالیسم رادربرافروختن جنگ‌تحمیلی بهم ریخته ، دربرابرخرابکاریهای ضدانقلاب ، دسائس مدیران‌وکارفرمایان طاغوتی ، زورگوئی‌هاوتحمیلات ناروا چون کوه استوار مانده ، بانیروی‌کار خودوتمامی استعدادوخلاقیت خود تا آنجا که توانسته‌نبودهاوکمبودها راجبران‌کرده ومانع ازتعطیل کارخانه ونقصان‌تولید شده است ، با این آرزوی جلیل ، که انقلاب برجا بماند ، ببالد و به ثمر برسد .

نبایداز یادبردکه‌امروز نیزهم‌چون دیروز ، انقلاب به‌کار بیشتروتولید بیشترنیازمنداست وتمام‌نیرو و توان کارگران باید درخدمت این‌مبرم ترین خواست‌انقلاب قرارگیرد .

کارگران‌عزیز! برادران !

امپریالیسم اعتصاب وکم‌کاری‌را تشویق می‌کند ، شماباید با کارمداوم و تولیدمستمر ، مشت بردهان‌امپریالیسم پلیدبکوبید . امپریالیسم ورشکستگی اقتصادکشور ما رامی‌خواهد . شماباید با کاربیشتربه‌شکوفائی اقتصاد میهن انقلابی یاری برسانید . نباید اجازه دهیدکه‌جزئی ترین خرابکاری‌وکوتاه‌ترین توقف درامرتولیدصورت‌گیرد . باید باچشمانی‌باز ومغزی هشیار متوجه دسائس ضدانقلاب درکارخانه‌هاوکارگاه‌های تولیدی باشیدوآن رادرنطفه خفه‌کنید .

کارگران !

ماگواه محرومیت‌های بی‌شمارشما هستیم . بارسنگین جنگ‌تحمیلی و محاصرهٔ اقتصادی ، بیش از هرقشرو طبقهٔ دیگر ، بردوش شماست . درآمد ناچیزتان‌کفاف‌هزینهٔ سنگین زندگی را نمی‌دهد . فرزندان‌تان خوراک‌وپوشاک کافی‌ندارند . رنج‌یک‌زندگی محقرتوام با کمبودونبود را به جان خریده‌اید ، تا انقلاب رابه پیروزی برسانیدوامپریالیسم وکارگزاران آن را از کشور خود برانید . درودبرشما ، که محروم ترین ، اماآگاه‌ترین‌وفداکارترین‌طبقه‌هستید .

متاسفانه درشرایطی که شما با ایثار بی‌مانند خویش کمر به پاسداری انقلاب بسته‌اید ، اقدامات برخی‌از مسئولان ، به‌جای‌آنکه علامتی‌از سپاس در برابراین‌همه‌فداکاری‌ومعطوف به اجرای دقیق قانون‌اساسی باشد ، در جهت تشدید تشنج در محیط های کارگری سیرمی‌کند . هنوز قانون کار طاغوتی به قوت‌خودباقی‌است . هنوز ، نه فقط شرایط وامکانات اشتغال برای کارگران‌مساعد نیست ، بلکه‌اخراج های بی‌دلیل روبه فزونی است . حق‌تشکل شورائی‌وسندیکائی‌کارگران به سادگی نادیده گرفته می‌شودوبدینسان‌قانون اساسی‌جمهوری‌اسلامی‌ایران ، که۱۶ میلیون رأی پشتوانهٔ‌آن است ، نقض می‌گردد .

درشرایطی‌که‌کارگران‌باهشیاری طبقاتی‌خودازطرح خواستهای صنفی خویش ، به‌علت‌مشکلات دوران گذار و دشواریهای ناشی‌ازجنگ‌تحمیلی و محاصرهٔ‌اقتصادی ، صرفنظر نموده‌اند ، سرمایه‌داران وابسته تورم وگرانی را تشدید می‌کنند .

شماکارگران عزیزبحق از مقامات مسئول جمهوری‌اسلامی ایران انتظار دارید که دراین لحظه حساس برای انقلاب ایران ، درقبال توطئه های اقتصادی‌ـ سیاسی‌امپریالیسم احساس مسئولیت‌بیشتری کرده‌واجازه‌ندهندکه عده‌ای به‌نام‌جمهوری‌اسلامی‌ایران وبا سوءاستفاده از مقام‌و موقعیت خود محیط های کار را دانسته و یا از روی ناآگاهی‌وندانم‌کاری به‌تشنج‌بکشند . شماانتظار داریدکه‌دولت‌هرچه‌سریعتر دست به‌تحولات‌بنیادی‌اجتماعی بزند و اصول‌قانون‌اساسی‌جمهوری‌اسلامی ایران راکه به این تحولات مربوط می‌شود ، هرچه‌زودتر پیاده‌کند .

این‌انتظار شما بجا وبحق است‌و مانیزدراین‌امرباشماهمراه‌وهم عقیده‌ایم . مابه‌شماحق‌می‌دهیم که‌این‌خواست‌های خود رابا‌پیگیری‌با‌مسئولان‌کشور مطرح کنید و از آنها بخواهیدکه با اقدامات جدی‌وبنیادی‌به‌آن‌بخش از این محرومیت‌هاکه‌محصول‌غارتگری سرمایه‌داران وندانم‌کاری‌ویاخرابکاری عناصر دشمن در دستگاه‌های اجرائی است پایان بخشند امابهترین‌طریق‌برآورده شدن‌این‌انتظاربحق‌را دفاع ازانقلاب وجمهوری اسلامی ایران و تعمیق‌آن وتحکیم پایه‌های‌اتحاد نیروهای انقلابی می‌دانیم . اگر این چارچوب حفظ نشود ، چه‌بسازیان های بزرگی‌متوجه منافع‌اساسی‌همهٔ مردم ایران و بویژه طبقهٔ‌کارگرایران‌باشد .

ماهمواره معتقدبوده‌ایم واینک بیش‌از همیشه معتقدیم که‌اتحاد نیروهای اصیل‌انقلابی‌ایران‌زیر رهبری امام‌خمینی می‌تواندبرهمه‌ترفندهای امپریالیسم بسرکردگی‌آمریکافائق‌آید . برای‌مقابله‌باترفندهای‌اقتصادی‌امپریالیسم وبرای آرام‌ترکردن محیط های کارومساعدترکردن شرایط تولیدهرچه بیشترنیزبایدچنین‌اتحادی‌برقرارشود . ماطبقهٔ‌کارگر آگاه ومبارزایران و همهٔ نیروهای اصیل انقلابی رابه اتحادو وحدت عمل درمحیط های کارگری‌فرا می‌خوانیم .

کمیتهٔ‌مرکزی‌حزب‌تودهٔ‌ایران
۱۳۶۰/۱۱/۵

اطلاعیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

دربزرگداشت سومین سالگرد انقلاب زیر شعار اتحاد ضدامپریالیستی برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هرچه وسیعتر شرکت کنیم!

هموطنان‌گرامی ! اعضاء وهواداران حزب !

طبق برنامه "**ستاد برگزاری مراسم ۲۲بهمن**" ، در بزرگداشت سومین سالگرد انقلاب بزرگ ضداستبدادی ، ضدامپریالیستی و مردمی ایران ، اجتماعات وراه‌پیمائی‌هائی انجام‌خواهد شد که‌مهمترین آنهابه‌شرح‌زیرند :

روزچهاردهم بهمن‌ـ راه‌پیمائی در مقابل لانه جاسوسی
روز پانزدهم بهمن‌ـ حضور در بهشت‌زهرا
روز هیجدهم بهمن ـ اجتماع درمقابل مجلس‌شورای‌اسلامی
روزبیست ودوم بهمن ـ اجتماع در میدان‌آزادی

کمیتهٔ مرکزی حزب‌توده‌ایران همهٔ‌اعضاء وهواداران‌حزب و تمام نیروهای میهن‌دوست وانقلابی را فرامیخواند که با شرکت هرچه وسیع تر خود دراین‌اجتماعات وراه‌پیمائی‌ها ، زیر شعار **اتحاد ضدامپریالیستی برای دفاع ازانقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران** به‌همهٔ جهانیان نشان‌دهندکه مردم قهرمان‌ایران آماده‌اند برای‌**استقلال** ، **آزادی‌وعدالت‌اجتماعی**ـ آماج های اصلی‌انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌ـ به پیکارمتحد خود ادامه دهند .

کمیتهٔ‌مرکزی‌حزب‌تودهٔ‌ایران
۱۳۶۰/۱۱/۴

هند مستقل...

بقیه‌ازصفحه۴

نهرو ، که مدافع خستگی‌ناپذیر سیاست عدم‌تعهدبا محتوای مترقی وضدامپریالیستی بود ، همواره‌تاکید میکرد که هرجا آزادی یا عدالت ، به خطرافتد ، یا تجاوزی صورت گیرد ، هند نمی‌تواند بیطرف بماند .

جمهوری هند ، به ویژه دردوران زمامداری **بانو ایندیرا گاندی**، در وفاداری به آرمان‌های سیاست‌خارجی **نهرو** ـ به رغم فشار همه‌جانبهٔ امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا ، تحریکات ارتجاع منطقه و سیاست برتری‌جویانهٔ رهبری مائوئیستی چین‌ـ همچنان درمواضع اصولی سیاست خارجی ضدامپریالیستی ، استقلال‌طلبانه و صلح‌جویانه خود پایداری نشان می‌دهد .

امپریالیسم آمریکا با تقویت‌مداوم و گسترش دائمی پایگاههای نظامی خود درمنطقهٔ اقیانوس هند وتمرکز ناوگانهایش درخلیج فارس، تشکیل "سپاه واکنش سریع" و تسلیح روز افزون پاکستان، می‌کوشد هند را به تجدیدنظر در سیاست مستقل، ضدامپریالیستی وصلح طلبانهٔ خودوادار کند . دراین زمینه رژیم نظامی دست نشاندهٔ ضیاءالحق و دوستان چینی ایالات متحدهٔ آمریکا نقش‌های معین بعهده گرفته‌اند . پاکستان با اعزام مکررجاسوس و خرابکار مسلح ودامن زدن به اختلافات قومی ومذهبی و تدارکات نظامی وایجاد پایگاههای نظامی درمرزهایش باهند ، وچین با تربیت و تسلیح واعزام خرابکاران به میان جدایی‌طلبان ایالت‌های شمالی‌هند ، می‌کوشند وضع سیاسی این کشور را بی‌ثبات سازند وهریک به سودخود از آن بهره‌برداری‌کنند .

اما این تلاش‌ها تاکنون راه به جایی نبرده است. هند باتعقیب پیگیرانه سیاست عدم‌تعهد ، با موضعگیری به سود تنش زدایی ، خلع سلاح و ، پشتیبانی‌ازپیشنهادهای اتحادشوروی درموردحفظ صلح و امنیت درخلیج فارس و اقیانوس هند ، بادوستی با کشورهای سوسیالیستی‌و حمایت ازمبارزهٔ خلق‌های تحت ستم ، بویژه مبارزهٔ عادلانهٔ خلق فلسطین ، نقش بسیارمثبتی درحفظ صلح جهانی ایفاء کرده ، سدی بزرگ‌در برابر سیاست جنگ و تجاوز آمریکا و توسعه‌طلبان پکنی دراقیانوس هند ایجاد نموده و تا اندازهٔ زیادی آزادی عمل را ازامپریالیست‌ها در منطقه سلب کرده است.

تجربهٔ هند بخوبی نشان‌میدهد که استقلال ملی کشورهای روبه رشد فقط درمبارزهٔ پیگیر و قاطع علیه امپریالیسم، با اجرای برنامهٔ اصلاحات بنیادی اجتماعی ـ اقتصادی بسودخلق و دوستی و همکاری با کلیهٔ نیروهای جبههٔ ضدامپریالیستی جهانی پایدار می‌ماند .

حزب کمونیست ...

بقیه‌ازصفحه۱۶

امروزی چنین موضعگیری چیزی جز ضربه‌ای سهمگین برمبارزهٔ خلق‌ها در راه صلح و تضعیف نیروی اصلی این مبارزه، یعنی کشورهای سوسیالیستی، درپهنهٔ بین‌المللی نمی‌تواند باشد. رهبران حزب کمونیست‌ایتالیاباحمله بسوسیالیسم راستین ، مارکسیسم‌ـ لنینیسم را نیز "کهنه" خوانده‌اند ".

سوسیالیسم زندگی یك سوم بشریت را دگرگون ساخته است

"پراودا" خاطرنشان‌ساخت :

"سوسیالیسم شش دهه ونیم‌است که درجهان وجود دارد. ولی در این دوران نسبتا کوتاه، سوسیالیسم توانسته است زندگی یک سوم بشریت را دگرگون سازد و بیشتر مسائل‌حیاتی را بسود زحمتکشان حل کند" .

"پراودا" تاکیدکرد :

"بخلاف آنچه رهبران حزب کمونیست ایتالیا می‌بینند ، دستاوردهای سوسیالیسم برای زحمتکشان همه کشورهای سرمایه‌داری جهان ، ازجمله ایتالیا ، دارای اهمیت مبرم‌است . برای‌نخستین باردرتاریخ ، سوسیالیسم حق یک افراد را نسبت به کار تامین کرده و آنها را ازبیکاری و ناایمنی آزاد ساخته است .

"پراودا" پرسید :

"آیا این برای طبقهٔ کارگرایتالیا نیز مهم نیست که ازبحران وبیکاری رنج می‌برد؟ مردم جهان می‌دانندکه سوسیالیسم زحمتکشان شهر و روستارا در کشورهای سوسیالیستی ازفقر، استثمار وسرکوب رهانیده است. سوسیالیسم برابری همهٔ گروه‌های قومي را تامین کرده است" .

"پراودا" نوشت :

"سوسیالیسم دمکراسی راستین را تضمین‌می‌کند ، بدین معنی که ، هرچه بیشتر از مردم در گردانیدن امور جامعه و کشور شرکت می‌جویند" .

ارگان کمیتهٔ مرکزی‌حزب‌کمونیست اتحادشوروی ، بعنوان مثال، یادآور شد :

"نهادهای حاکمیت در اتحاد شوروی ۲۳۰۰۰۰۰ فرد منتخب و بیش از ۳۰۰۰۰۰۰ فعال داوطلب را دربرمی‌گیرند . دوسوم اعضای منتخب زنان و مردانی هستند ، که در روند تولید درشهرها و روستاها کارمی‌کنند . ۱۴/۵ میلیون نفردیگر، بعنوان فعالان سندیکایی ، در رهبری تولید شرکت دارند . رهبران حزب کمونیست‌ایتالیا ، پس ازحمله به کشورهای سوسیالیستی ، شایسته دیدند که آموزش سترگ‌و تاریخی مارکسیسم‌ـ لنینیسم را مردودشمرند وآنرا "کهنه"بخوانند" .

موضعگیری "خاص" رهبری حزب کمونیست ایتالیا

"پراودا" خاطرنشان‌ساخت :

"درسالهای اخیر، رهبری‌حزب کمونیست ایتالیا در برابر مسائل گوناگون درزمینهٔ اوضاع بین‌المللی، جنبش جهانی کمونیستی وآزمون کشورهای سوسیالیستی موضعگیری‌هایی "خاص"اختیارکرده‌است . اکنون آشکار است، که این موضعگیری‌ها انحراف گام‌بگام از اصول انقلابی مارکسیسم ـ لنینیسم بوده است" .

بنوشتهٔ "پراودا" :

"(رهبران حزب کمونیست ایتالیا) این واقعیت را نادیده می‌انگارند، که این تئوری نزدیک به نیم قرن است که الهام‌بخش پیکار خلق‌ها در راه سوسیالیسم ودمکراسی بوده است. این موضعگیری کمکی است مستقیم به امپریالیسم ، که دهه‌هاست برای تضعیف سوسیالیسم کوشش می‌ورزد. این همه بسود نیروهای کمونیسم ستیز و مخالف با پیشرفت اجتماعی است" .

"پراودا" تفسیرخود را اینگونه پایان‌داد :

"جهان امروز جهان مبارزهٔ حاد با خطر فاجعهٔ هسته‌ایست. آینده روند انقلابی، و درواقع آیندهٔ بشریت ، بستگی دارد به نتیجهٔ این مبارزه ـ مبارزه‌ای که عامل اصلی آن کشورهای سوسیالیستی هستند" .

متحدان بنی‌صدر ـ سرمایه‌داری لیبرال ایران (۱۳)

لیبرال‌ها: پشتیبانی از بنی‌صدر تا لحظهٔ سقوط

یادآوری

در شماره‌های پیشین ، از شیوه‌های گوناگـون سرمایه‌داری لیبرال ایران ، این اصلی‌ترین متحد بنی‌صدر ، برای مسح انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی‌و مردمی ایران سخن گفتیم . اکنون به آخرین مرحله توطئهٔ جبهه‌متحد ضد انقلاب ـ یعنی‌اعلام رفراندوم ـ ونقش لیبرال‌ها درآن می‌پردازیم .

* * *

۱۴اسفند ۱۳۵۶ . کاشته‌جبهه‌متحد ضدانقلاب‌اکنون‌آماده‌ٔ دروبود اما ، همیشه‌آن‌هایی‌که بادمی‌کارند ، توفان درومی‌کنند ، توفانی‌که ترچه‌های‌پوک را از ریشه درآورد و رهبر مائوئیست مسلمان‌نمای جبههٔ‌متحد ضدانقلاب را ازطریق "توالت"هواپیما به‌گنداب سرمایه‌داری جهانی بازپس فرستادو سرمایه‌داری لیبرال را بیش از پیش رسوا کرد .

۱۴ اسفند ۱۳۵۹ سکوی پرش جبهه متحد ضدانقلاب به سوی کسب قدرت سیـاسی برای بستن دوباره ایران به عراده امپریالیسم جهانی، بود .جبهه متحد ضدانقلاب از قبل برای این‌روز تدارک دیده بود :

"ماجرای ۱۴ اسفند بعد از روز ۲۲ بهمن به برنامـه‌ریزی شـروع شد ." (اعتراف علی خیلیان ، عضو ، دفتر بنی‌صدر ـ کیهان ، ۱۷تیر۱۳۶۰)

و در این برنامه‌ریزی گروهک‌های زیرین شرکت داشتند :

"ازنهضت‌آزادی آقای‌رادنیابود ، ازجاما بود ، از مردم ایران بود ، از جبهه‌ملی بود ، از حزب ملت‌ایران . این‌ها راکاملامی‌شناختم ، ولی‌آن‌های دیگر را روی احساس که قبلا داشتم ، مطالبی‌که می‌گفتند و برخوردهای‌قبل متوجه‌شدم که‌این‌ها ازسازمان‌های‌چپ (آمریکایی)ورنجبر ومنافقین بودند ، کهالبته درآن جلساتی هم که قبل از ۱۴اسفند شد ، این‌ها یک مطالبی را آن‌جا (دفتربنی‌صدر) عنوان کردند ، نظرشان‌تامین‌شد وپشتیبانی خودشان را از ۱۴ اسفند اعلام کردند ، یعنی همکاری خودشان را رسما اعلام‌کردند وشرکت‌هم‌کردند ونظرشان هم تامین شد . " (همان‌جا)

و شاهددیگری هم هست . **منوچهر مسعودی ،** عضوسابق جبهه‌ملی‌ومشاور حقوقی بنی‌صدر ، می‌گوید :

"قبل از ۱۴ اسفند از جبهه ملی ، حزب‌ملت‌ایران نهضت‌آزادی ،جاما بازار ، مراجعه داشتند که درمورد۱۴ اسفند یک‌هماهنگی ویک‌همسانی‌برای برگـزاری آن روز به وجود بیاورند . جلسه اول دونفر از آقایان جبهه‌ملی آمدند . که با رئیس دفتر هم صحبت کردند و من وارد شدم (صحبت) در این‌بود که برای‌آن‌روز۱۴اسفند آقای سنجابی هم سخنرانی کنند که آقای رئیس دفتر یادآور شدند که‌اگرآقای سنجابی هم بخواهند سخنرانی‌کنند وبعد هم‌آقای‌بازرگان ، امکان ندارد . ولی ما حالا صحبت می‌کنیم ببینیم که‌آقای‌بنی‌صدرچه‌می‌گویند " (کیهان ۱۷ تیر ۱۳۶۰)

اما ظاهرا وقتی با "بزرگتـرین اندیشه جهان معاصر" صحبت شد ، ایشان با سخنرانی بازرگان‌وسنجابی مخالفت کرده و خودشان زمام اموررا به‌دست گرفته بودند !

و به‌این‌ترتیب روز ۱۴اسفند رسید (از نحوه تدارک این‌مراسم وشرکت‌ـ کنندگان در آن پیش از این سخـن گفته‌ایم . رجوع‌کنیدبه "اتحاد مردم" ـ شماره ۹۴) و با فرارسیدن این‌روز ، لیبرال‌ها . که در دوران شاه حتی از بردن اسم **دکترمصدق** هم خودداری می‌کردند (به‌کتاب "احزاب بورژوازی ملّی ایران" ، نوشته رسول مهربان ، مراجعه‌کنید) ، بار دیگر زیرنام **دکتر مصدق** پناه گرفتند ، تا بارهم ایران‌را به‌آغوش آمریکا بیندازند .

ازحوادث ۱۴اسفند ۶۰ در دانشگاه تهران همگان‌مطلعند . اکنون‌به‌مواضع لیبرالهابعدازاین‌حوادث‌می‌پردازیم .

به‌دنبال وقایع ۱۴اسفند دانشگاه ، **"نهضت‌آزادی"** اعلامیه‌ای صادرکرد که به‌ترسیم موضع‌گیری سرمایـه‌داری لیبرال ایران درقبال اوضاع آن روز ، کمک قابل توجهی می‌کند . در ایـن اعلامیه ازجمله آمده بود :

" ... **نهضت آزادی ایران ضمن تقبیح چنین‌اعمال‌زشتی که‌حتی‌رئیس جمهورمنتخب‌مردم را مجبوربه‌بازگویی وقایعی‌درحاشیه‌سخنرانی‌می‌سازد . . . اعلام می‌دارد که عنـاصر مخـرب و فاسدی‌که قصدآشوب‌وبلوا را داشتند جز ایادی‌آگاه یاناآگاه‌استعمارجهانی وهیزم‌کشان وحامیان‌فرهنگ‌استبدادی نبوده و نیستند . . .** " (۱۷اسفند ۵۹ـ میزان)

پس از آن نیز تامدتی "میزان" به توجیه حوادث دانشگاه برخاست‌ومثلا از زبان " **. . . یک‌خواننده . .** " (۱۸ اسفند ۵۹ ـ میزان) و . . به‌دفاع از اقدامات **بنی‌صدر** پرداخت .

آری ، لیبرال‌ها دل به **بنی‌صدر** و ارباب بنی‌صدر سپرده بودند و قصد ایستادگی داشتند . چندروزبعد نیز ، هنگام طـرح ماده واحـده مربـوط به اختیارات‌نخست‌وزیر درتعیین‌وزیران درمجلس شورای اسلامی ،لیبرال‌هایک بار دیگر ، درکنار مائوئیسـت‌هـای مسلمان‌نما ، **"احمد"این بنی‌صدر** در مجلس، این "قصـد" را بـه نمـایش گذاردند :

" . . **علی‌رغم موافقت میان‌رئیس جمهور و نخست‌وزیر . . یک‌بار دیگر ماده‌واحده‌مربوط به‌اختیارات نخست وزیر در تعیین وزیران . در دستورکار مجلس قرارگرفت و یک‌بار دیگرعلاقه‌ـ مندان به قانون اساسی را متـوحش ساخت . . .** " (۱۹ اسفنـد ۱۳۵۹ـ میزان)

روز ۲۰ اسفند ۵۹ نیز لیبـرال‌ها " . . . **در اعتراض به لایحه اختیار نخست‌وزیر برای سرپرستی وزارت ـ خانه‌های بی‌وزیر . . .** " (میزان) از مجلس خارج‌شدند وجلسه‌رااز اکثریت انداختند . جنگ آشکار می‌شد :

" . . .**مقاومت‌دلیرانه نمایندگانی که‌دیروز برزیرپاگذاشتن قانون‌اساسی صحه‌نگذاشتند وبه‌جای این‌که‌خاموش نشسته و نهادن اولین خشت‌های‌کج در جمهوری‌اسلامی‌را نظاره‌کنند . . . خاطره مبارزات مـدرس بزرگ را در اذهان زنده می‌کند . نمایندگان قهرمانی که در برابر این اقدامات ایستاده‌اند ، به‌زودی شاهدروزهای تاریکی خواهند بود که ازاستقلال‌جز آرزویـی و از آزادی جز سکه‌ای و از جمهوری اسـلامی جز حرفی باقی نماند . . .** " (۲۱ اسفند ۵۹ ـ میزان ـ از سرمقاله "دورنمای آینده")

در این مقاله هم‌چنین به تلویح حکومت جمهوری اسلامی ایران بـا شکل‌گیری حکومت هیتلر مقایسه‌شده و بر "منادیان‌آزادی" (بخوان :آزادی غارت)تکلیف‌مقاومت‌شده‌بود . بنی‌ـ صدریون نیز به همین نتیجـه‌گیـری رسیده بودند :

" . . . **این‌امر (دادن‌طرح مزبور) علاوه‌بر خطرهای دیگر ، میزان را که رای ملت است ، بی‌اعتبار می‌سازد و خطر را متوجه اساس جمهوری می ـ گرداند . . .** " (۱۹اسفند ۵۹ ـ انقلاب اسلامی)

وچنین‌بودکه‌لیبرالهای "مبارز !" که در دوران اعلام موجودیت "جبهه ملی دوم" حتی نامه سرگشاده نمی ـ نوشتند ، تامبادا "**ایجاد ناراحتی و نارضایتی کند . . .** " (از صفحه ۵۱ ۵۹ ـ کیهان ـ سخنان ریگان رئیس جمهور آمریکا)

برای اجرای این‌نقشه ، حتی‌مبارزه مسلحانه‌علیه‌انقلاب وجمهوری‌اسلامی ایران هم توجیه شد :

" . . . **درهرجا و هرزمان که جلوی آزادی و عدالت گرفته‌و زبان‌ها بسته و قلم‌ها شکسته‌شود . . وبه‌طورخلاصه مبارزه پارلمانی ممنوع باشد ، چنان محیطی ، محیط ظلم وفساداست . . . تحریم و تعطیل مبارزه کار را . . به مبارزه مسلحانه و آشوب داخلی می‌ـ کشاند . . .** " (۱۹ اردیبهشت ۶۰ ـ میزان)

و این تهدید بی‌پشتوانه هم‌نبود . اعضای جبهه متحد ضدانقلاب در هر دو زمینه ، سیاسی و نظامی ، مدت‌ها بود که کار را شروع کرده بودند . در ـ



کتاب "احزاب بورژوازی‌ملی‌ایران" . . .) و از شاه می‌خواستندکه" . . . **اجازه دهند جبهه‌ملی نامزدهای‌خود را در جراید . .معرفی نماید . . .** " (همان‌جاـ نقل ازمهندس‌بازرگان) ، حالا یک‌باره فریاد می‌زنندکه :

" . . . **یکسال و نیم‌بی‌تقوایی و بی‌سیاستی و بی‌دیانتی و قمار بسی خطرناک باسرنوشت‌یک‌میلیارد مسلمان جهان کافیست . . .** " (۲۳اسفند ۵۹ـ میزان)

و بعد این‌که : " . . . **مردم بـاید بدانند که استبداد در شرایط خاص سیاسی واجتماعی‌ایران پس‌از پیروزی انقلاب اسـلامی ، نمی‌تـواند به‌طور ناگهانی‌وبرق‌آساحضورپیداکند ، بلکه به‌تناسب زمان و شرایط موجود پاشیوه خزندوگام به‌گام به‌سوی‌هدف‌نهایی خود ، که احراز سلطه همه‌جانبه در چارچوب حزب و گروه واحد است ، حرکت می‌نماید . .** " (۶ اردیبهشت ۶۰ ـ میزان)

و برای جلوگیری از شکل‌گیری این "استبداد" چه باید کرد ؟

" . . .**ما از همه اقشار متعهد . . . می‌خواهیم‌که . . دربرابر این‌قانون‌ـ شکنی‌ها ، که‌زمینه‌سازاستبدادواختناق است ، با سرسختی ایستادگی نموده و زبان به‌اعتراض بگشایند . . .** " (همان جا)

"صدای آزاد !" **اویسی** هم همین را می‌گفت :

" . . . **به‌پاخیزید وطومار این‌رژیم (جمهوری اسلامی ایران) را درهـم نوردیـد و نـابود کنید . .** " (۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۰)

گروهک‌چینی ـ آمریکایی **رنجبران**" هم همین را می‌گفت :

" . . . **باتشکل‌توده‌هاواتحادنیروـ های هوادار ، نیروی انقلابی توده‌ها را از قوه به‌فعل درآوریم ، مستبدین‌و انقیادطلبان‌را ازسرراه‌برداریم . .** " (رنجبر ، ۱۵۴)

و "مهم‌تر ازهمه" ، **ریگان** هم همین را می‌گفت :

" . . . **برقراری رابطه با ایران وقتی ممکن است ، که عناصر میانه‌روتری در ایران روی کار آیند .** " (۲۲ دی

گیری در اصفهان ، قائم‌شهر ، قزوین ، تهران و . . . از سویی و سخنرانی و مقاله‌نویسی و اوبستراکسیون درمجلس و تحریکات پشت‌پرده از سوی دیگر . و آخر هم این رهنمود که :

" . . .**مثل این‌که در برابر چنین تسلط‌ها و انحراف‌ها انقلاب باید از سرگرفته شود . .** " (همان‌جا)

وخلاصه‌آن‌که درشوره‌زار ضدانقلاب تخم بحران آمریکاساخته ، سربرمی ـ آورد و کرکس‌ها و کفتارها سهم‌خویش را بومی‌کشیدند . وچنین‌بودکه‌جبهه متحد ضدانقلاب در برهه‌ای از زمان به‌جمع‌بند عملکردهای‌خودپرداخت و سخنگوی این "جبهه" عاقبت ، در جهت اجرای دستور ریگان ، روز ۳۰ اردیبهشت ۶۰حرف آخر را زد :

" . . . **سالم‌ترین راه بدون‌بحران این‌است‌که همه‌موافقت‌بکنند به‌مردم مراجعه کنیم و با رای عمومی آن چه بایدبشود ، بشود . . . مردمندکه‌باید راضی باشند . اگر راضیند ، که‌ماحرفی نداریم . اگر ناراضیند ، کـه در این صورت من گمان نمی‌کنم که مردمی‌که نارضایتی خودشان را درزمان رژیم سابق** نشان‌دادند ، حالاازاین‌چیزها بترسند . . . " (۳۰ اردیبهشت ۶۰ـ انقلاب‌اسلامی ـ ازمصاحبه‌بنی‌صدر)

کی‌برود؟
مجلس، دولت ...
کی‌بماند؟ ـ بنی‌صدر!

این‌خبر ، فردای آن‌روز ، تیتر اول روزنامه "**میزان**" ، ارگان سرمایه‌داری لیبرال ایران ، بود :

"**رئیس‌جمهور پیشنهاد کرد :برای حل‌مسائل کشور به‌آراء عمومی مراجعه کنیم .** " (۳۱ اردیبهشت ۶۰)

وسه‌روزبعد ، ۳خرداد۶۰ ، "**نهضت آزادی**" باانتشار بیانیه‌ای‌تحت‌عنوان "**کی‌برود؟**" رسما به‌حمایت ازموضع‌ـ گیری **ابوالحسن بنی‌صدر** پرداخت و رای خود را علیه حاکمیت انقلابی و قاعدتا به‌نفع "**دولت میانه‌رو**" ، به صندوق ضدانقلاب ریخت :

" . . . **همان‌طور که در مصاحبه۳۰ اردیبهشت آقای رئیس‌جمهور آمده ، کشور در یک بن‌بست سیاسی گرفتار است . این بن‌بست که همان‌اختلاف یا مناقشه آقای بنـی‌صدر با دولت و متولیان است ، چهره‌های وحشتناک مختلف‌دارد . . . هزاران‌تمهیدوتمنا و تعهد به‌کار رفت ، تا اختلافات‌حل شود . . . که هیچ‌یک . . . بجایی‌نرسید . . . اگر براین جریان موج وسیع ناـ رضایتی‌های گوناگون عمومی را اضافه کنیم . . . مصیبت دوچندان می‌شود . . . وظیفه‌ما . . . این است که . . . واقعیات را ببینیم . . . و آن‌چه‌را که حق‌وخیر است ، انتخاب‌نماییم . . .** " (میزان)

تا این‌جا که روشن است ، " . . . **اما کی برود ؟ . . .** " (همان‌جا)

" . . . **۱ـ ملت نابود شود . ۲ـ یکی از طرفین دعوا یا هردوی آن‌ها کنار روند . مسلما راه‌حل اول مورد قبول هیچ‌کس نیست . . . می‌ماندراه حل دوم . . .** " (همان‌جا)

لیبرال‌ها با "**متولیان انقلاب**" که رابطه خوبی نداشتند . می‌ماند **بنی‌صدر** ، که از خودشان بود . پس چه‌کس‌می‌ماند ؟ **روسا و وزرای دولت میانه‌روی ریگان !**

ولی اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، در جلسه علنی روز ۴خرداد ۱۳۶۰ ، به‌درستی‌گفتندکه :

" . . . **اینهاسیستم ریاست‌جمهوری آمریکارامی‌خواهند . . .** " (روزنامه‌ها)

و نماینـده مردم مشهد ، **محمد خامنه‌ای** ، چهره "**این‌ها**" و نقشه‌هاـ یشان را بازهم روشن‌تر کرد :

" . . . **طرحی‌بودکه‌بریزند وعده‌ای از نمایندگان را بزنند و بعدا این‌طور تبلیغ‌کنند که مردم‌این‌مجلس‌رانمی ـ خواهند و آن‌ها که چنین انگیزه‌ای را تعقیب می‌کنند ، نه اینست که می ـ خواهندقانون‌اساسی‌رااقامه‌کنند . .** " (از همان‌جلسه علنی مجلس)

آری ، این‌ها نمی‌خواستند "قانون اساسی‌را اقامه‌کنند ، "بلکه‌می‌خواستند قانون‌اساسی‌را ازمحتوی‌ضداستبدادی ضدامپریالیستی‌ومردمی‌آن تهی‌کنند . وظیفه آن‌ها پیاده‌کردن خط‌آمریکادر ایران‌بود ـ خط‌وابستگی‌مجدد ایران به امپـریالیسم جهانی به سـرکردگی آمریکا ، خطی که استقلال را "**قائم ـ بالذات**"نمی‌دانست ، خطی‌که‌طرفدار "**جامعه باز مانند ممالک دموکـراسی غربی . . .** " بود ، خطی که "**سه‌سه بار به نه‌بار غلط**" کرد ، که ادای انقلاب کردن را درآورد ، خطی که برخی از نقطه‌های‌آن ، جاسوس‌ها وتوطئه‌گران وابسته به‌آمریکا بودند ، خطی که‌برای سرمایه‌داران همه‌چیز و برای کارگران هیچ‌چیزنمی‌خواست ، خطی‌که‌بهترین امید آمریکا بود :

" . . . **بهترین امید . . . نهضت آزادی است و رهبران میانه‌رو که‌سعی دارند خمینی را متقاعد کنند که . . . زیاد سخت نگیرد . . .** " (اسناد لانه جاسوسی آمریکا ـ افشاگری شماره ۳ـ صفحه ۳۶)

خطی که تاریخ حکم شکست آن را صادر کرده است . **و امام خمینی** ،رهبر انقلاب و بنیان‌گزار جمهوری اسلامی ایران ، چه نیکو گفتند که :

" . . . **این‌معناهارااز گوش‌هایتان بیرون کنید آقایان که این‌مردم دیگر از جمهوری اسلامی کنار رفتند . خیر شما کنار رفتید . . شما به بن‌بست رسیدید . . .** " (۷ خرداد ۶۰ ،نطق امام‌خمینی ـ روزنامه‌ها)

خطی که از روزی که تخت سلطنت زیرپای شاه لرزید ، آماده مسح‌انقلاب شدو **امام خمینی** ، بعدازفرار**بنی‌صدر** ،

بقیه‌درصفحه ۸

اتحاد مردم

شماره ۱۱۴ دوره سوم دوشنبه ۱۲ بهمن ماه ۱۳۶۰

ترکیه - پایگاه ضد انقلابیون فراری ایران (۳)

وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی ترکیه به کشورهای امپریالیستی

* آمریکائی‌ها در "عملیات نورآبی" علیه ایران ازیکی از پایگاه‌های خود درترکیه استفاده کردند.
* نمایندگان پارلمان ترکیه از ۱۰۰ صفحه قرار داد نظامی با آمریکا، سه متمم و چهار پروتکل، تنها ۶ صفحه از این سند ننگین وابستگی را رویت کردند.
* دولت آمریکا برپایه قرارداد دوجانبه نظامی با ترکیه "حق" آنرا یافت که درترکیه مداخله مستقیم بکند.

* ترکیه ۴۰ درصد خاک قبرس را بطور غیر قانونی اشغال کرده است.
* ترکیه: "آخرین هواپیمابرمادر ایالات متحده آمریکا در منطقه."
* کشورهای امپریالیستی تنها دریکسال ۵۰/۳ میلیارد دلار به ترکیه کمک کردند.
* آمریکا (خارج ازچارچوب "ناتو") در ترکیه ۶۱ پایگاه نظامی دارد.
* بمب‌افکن‌ها وموشک‌های ایالات متحده آمریکا در ترکیه مناطق اتحاد شوروی را به‌شعاع مسکو و دریاچه آرال زیر پوشش خود دارند.
* دولت ترکیه حق کنترل فعالیت‌های نظامی آمریکا را درخاک ترکیه ندارد.

ترکیه‌عضو پیمان "ناتو" است و باایالات متحده آمریکا وجمهوری فدرال آلمان قرارداد نظامی دو جانبه دارد. این‌کشورمی‌کوشد، تاهرچه‌سریع تر به عضویت کامل "**جامعه اقتصادی اروپا**" درآید.

مسئله‌قبرس ومشاجره درباره دریای اژه مناسبات ترکیه رابا قبرس بسیار تیره ساخته‌است. ترکیه در تابستان ۱۳۵۳ (ژوئیه - اوت ۱۹۷۴) بااستناد به "حقوق" خود بعنوان "دولت‌ضامن" قبرس و به بهانه‌جلوگیری ازانضمام قبرس به‌یونان، پس از کودتائی علیه ماکاریوس، وبه‌دستاویز پشتیبانی‌ازسکنه ترک این جزیره، به مداخله نظامی علیه‌قبرس دست زد و درحدود ۴۰% خاک آنرا به‌اشغال‌خود درآورد.

براثرتغییرتوازن قوا درصحنهٔ بین‌المللی بسود جبهه‌ضدامپریالیستی وزیرفشار تضادهای فزایندهٔ نظام سرمایه‌داری، دولت‌های‌گوناگون ترکیه از اوایل دهه ۶۰ (۱۹۶۳) به احیای نسبی مناسبات‌خود بااتحاد شوروی و با کشورهای بالکان وعربی همت‌گماشتند.

امادرسالهای اخیر، وبویژه پس از انقلابهای ایران‌وافغانستان‌سیاست خارجی ترکیه‌نمایشگر وابستگی فزایندهٔ سیاسی، اقتصادی‌ونظامی ترکیه‌به کشورهای امپریالیستی بوده‌است.

نقش فزایندهٔ ترکیه برای آمریکا پس ازانقلاب ایران

پس ازانقلاب ۲۲ بهمن، فروپاشی "پیمان‌سنتو"، برچیده‌شدن پایگاه‌های جاسوسی الکترونیک آمریکا علیه‌اتحاد شوروی درایران واخراج‌کارشناسان نظامی ایالات متحده آمریکا، حلقه‌ای مهم درزنجیره‌محاصرهٔ امپریالیستی کشورهای سوسیالیستی ازهم گسست. استراتژهای نظامی امپریالیسم آمریکا برای پرکردن این "**خلا**" به‌تقویت ترکیه بعنوان "**پاسگاه‌خط مقدم ناتو**" پرداختند. دراین زمینه‌از ترکیه همچنین بمثابه "**آخرین‌هواپیمابرمادر ایالات‌متحده‌آمریکادر منطقه**" نام برده‌شده است. (نشریه "تکنیک‌نظامی" (آلمان‌غربی)، مه ۱۹۸۰، ص ۱۲۰)

کمک‌اقتصادی ونظامی‌کشورهای امپریالیستی به‌ترکیه درسال ۱۹۸۰ با ۵۰/۳ میلیارد دلار ایالات متحدهٔ آمریکا به اوج خود رسید.

باعضویت‌ترکیه‌در "**ناتو**" بخش اعظم تجهیزات‌نظامی این‌کشور زیر فرماندهی کل این‌پیمان تجاوزکارانه قرارگرفته‌است. فزون‌براین و خارج از چارچوب "**ناتو**"، ایالات متحدهٔ آمریکا درترکیه ۶۱ پایگاه‌نظامی و ۵۰۰۰ سرباز دارد. یک‌سوم تجهیزات نظامی‌نیروهای‌مسلح آمریکا درمنطقه‌خاورمیانه‌در ترکیه‌واقع است. این‌تجهیزات به سه دسته‌تقسیم می‌شود:

۱- پایگاه‌های رزمی، هوائی، دریائی وموشکی (ازجمله‌هسته‌ای)؛
۲- ایستگاه‌های مراقبت الکترونیکی؛
۳- پایگاه‌های‌مخابراتی؛
۴- پایگاه‌های آموزشی‌وآذوقه رسانی.

جزئیات استفاده از این تجهیزات درقرار دادهای نظامی سالهای ۱۹۵۲، ۱۹۶۹ و ۱۹۸۰ میان آمریکاوترکیه آمده‌است (کنعان اورن، سرکودتاچی ترکیه درمذاکرات قرارداد ۱۹۸۰ شرکت داشت).

مهمترین پایگاه های نظامی آمریکا درترکیه‌عبارتست از: اینجرلیک (Incirlik)سینوپ (Sinop)، پیرنیچلیک (Pirniclic)، قلباشی (Golbashi)، اسکندرون (Iskenderuon)، یومورتالیک (Yumurtalikant)وازمیر (Izmir).

ازاین‌پایگاه‌های‌نظامی قراراست ازیکسو علیه‌اتحاد شوروی‌وازسوی دیگر علیه‌جنبش‌های آزادیبخش منطقه استفاده شود.

بمب‌افکن‌هاوموشکهای ایالات متحده‌آمریکادرترکیه، مناطق اتحاد شوروی‌رابه‌شعاع مسکو و دریاچه‌آرال‌زیر پوشش‌خوددارند.

چندروزپیش ازاعلام صوری "دکترین کارتر" - که درآن منطقهٔ نفت خیز خاورمیانه بعنوان "حریم منافع ایالات متحدهٔ آمریکا اعلام شد - "اینترناشنال‌هرالد تریبیون" نوشت‌که ترکیه "پایگاه ۳۰% دستگاههای الکترونیک ایالات متحدهٔ آمریکا علیه اتحاد شوروی" شده‌است.

بگفته "تونج‌کانات" (Tunck anat)، افسرپیشین‌دایره جاسوسی وسناتور سابق ترکیه:

"درپایگاه‌هوائی "این‌جیرلیک." جت‌های شکاری مجهز به‌بمب های اتمی وئیدروژنی نیروی هوائی استراتژیک ایالات‌متحدهٔ آمریکا مستقراست. علاوه براین، دراینجااسکادران جت‌های شکاری ویژهٔ دفاع ازخود پایگاه قرار دارد. در این پایگاه همچنین پرسنل آمریکائی برای پشتیبانی لجستیکی و نگهداشت هواپیماها کارمی‌کند. هرچندمقامات رسمی ترکیه منکرآن‌هستندکه هواپیماهای مستقر در این پایگاه‌بتوانند بدون‌اجازه دولت‌ترکیه برهمسایگان‌ما حمله‌برند، ولی‌واقعیت آنست که، بهیچ روی نمی‌توان برپروازهواپیماها ازاین پایگاه نظارت داشت. امروزه امکان دارد که‌هواپیماهای شکاری از "اینجیرلیک" بلندشوندوپس ازحمله به‌هدفی درهزارکیلومتری، به‌این پایگاه یا پایگاه دیگری بازگردند، بدون آن که مقامات ترکیه بتوانندازآن‌جلوگیری کنند، زیراکه‌آنها از هرگونه‌حق فرماندهی‌وستادی بی‌بهره‌اند.

نقش ترکیه درعملیات "نورآبی" علیه ایران

برپایه‌قراردادنظامی (مارس) ۱۹۸۰ میان آمریکا وترکیه، در "این جیرلیک" تنهاپرسنل آمریکائی حق کنترل هواپیماهای ایالات‌متحده را دارد، هرچه‌باشد دراین‌پایگاه دو اسکادران تاکتیکی‌گردان تاکتیکی ۴۰۱ نیروی هوائی ایالات‌متحده آمریکا بمنظور "**پشتیبانی ازهدف‌های دفاعی‌ناتو**" مستقراست. دراین‌قرارداد موادسری‌نیز هست، که‌حتی‌پارلمان ترکیه ازآن اطلاع‌نیافت (نمایندگان پارلمان از ۱۰۰ صفحه‌قرارداد، سه متمم‌وچهارپروتکل‌مکمل، تنها ۶ صفحهٔ ازاین سندننگین وابستگی را رویت کردند) وبموجب آنهامیسیون های نظامی ایالات‌متحدهٔ آمریکا می‌توانند "**حیطهٔ فعالیت**" خود رابه‌میل خود گسترش دهند. این‌موادبویژه‌مداخلات نظامی‌آمریکا رادرمناطق نفت‌خیزخاورمیانه ونزدیک دربرمی‌گیرد. بنوشته "نیواستیتمن" (بریتانیا):

"**بموجب‌این‌قرارداد، ایالات متحده‌آمریکا خواهدتوانست خارج از مرزهای جغرافیائی‌قراردادی "ناتو" نیز به عملیات نظامی‌دست بزند**".

یادآور می‌شویم که، آمریکائی ها درتهاجم خود به لبنان (در سال ۱۹۵۸) ودر "**عملیات نورآبی**" علیه ایران (درسال ۱۹۸۰) ازپایگاه "اینجرلیک" استفاده‌کردند.

امابرپایه‌پیمان دوجانبه‌ای، هم که‌ایالات‌متحده آمریکا در سال ۱۳۳۰، (همزمان باایران‌وپاکستان) باترکیه امضاکرد، دولت‌آمریکا "**حق**" آن را یافت که، درصورت لزوم، به‌مداخلهٔ نظامی مستقیم در ترکیه بپردازد.

روزنامه "**جمهوریت**" درتاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ درگزارشی از یکی‌از نشست‌های کمیسیون‌دفاع پارلمان ترکیه‌نوشت:

"**فاروق شاهین، نماینده وزارت خارجه، بواقعیتی که‌دولتهای‌ترکیه تا کنون‌منکرآن‌می‌شدند، بطورمستقیم اذعان کرد. وی‌اعلام داشت که به سئوال یکی‌ازنمایندگان، که‌آیا چنین حقی برای‌ایالات‌متحده‌آمریکا وجود دارد، نمی‌تواندپاسخ‌مثبت یامنفی بدهد**".

البته تاکنون ایالات‌متحدهٔ آمریکااحتیاجی نداشته‌است که، با استناد به‌قرارداد دوجانبه‌نظامی، به مداخله‌مستقیم درترکیه مبادرت‌ورزد چه "پنتاگون" پیوسته توانسته‌است که هدف‌خود را درآنجا از طریق‌کودتاهای نظامی‌اعمال‌کند. چنانکه **احسان صبری**، یکی‌ازوزیران خارجهٔ پیشین ترکیه، درباره‌کودتای "سیا" ساخته ده سال پیش درترکیه نوشت:

"**برای آمریکائی‌ها مهم نیست‌که درکشورهای‌دیگردولتی دمکراتیک، شوونیست وحتی‌فاشیست حکومت کند. برای آنها فقط این مهم‌است که این‌دولت تاچه‌اندازه وابسته به ایالات‌متحده آمریکاودست‌نشانده‌آن باشد**".

کودتای ۲۱ شهریور ۵۹ ترکیه‌بار دیگراین‌حقیقت رابثبوت رسانید.

پایان

مهمترین رویدادهای تاریخ ترکیه

درحدود ۵۵۰ - پیدایش امپراتوری باستانی ترکیه‌در مغولستان.
۱۲۹۹ - تلاشی پادشاهی سلجوقی به ۱۰ امیرنشین ازجمله امیر نشین عثمانی.
۱۴۳۵ (۲۹ مه) - ترکها قسطنطنیه را به‌تصرف‌خود درمی‌آورند.
سده‌های ۱۶/۱۵ - گسترش امپراتوری عثمانی تا الجزایر ومجارستان.
سده‌های ۱۹/۱۷ - فروپاشی وتلاشی امپراتوری عثمانی.
۱۹۰۸ - "انقلاب ترکیه جوان".
۱۹۲۳ - ۱۹۱۹ انقلاب آزادی‌بخش ملی به‌رهبری کمال آتاتورک.
۱۹۲۳ - تشکیل جمهوری ترکیه از سوی آتاتورک.
۱۹۲۰ (۱۰ سپتامبر) - پایه‌گذاری "حزب‌کمونیست‌ترکیه".
۱۹۲۳ (۲۹ اکتبر) - ترکیه بعنوان جمهوری‌اعلام‌می‌شود.
۱۹۳۸ - مرگ آتاتورک‌وآغازریاست‌جمهوری‌عصمت‌اینونو.
۱۹۴۵ - ترکیه به‌عضویت سازمان ملل‌متحد درمی‌آید.

۱۹۵۲ - ترکیه به‌عضویت "ناتو" درمی‌آید.
۱۹۵۲ - ترکیه به‌عضویت "پیمان بغداد" (بعدها "سنتو") درمی‌آید.
۱۹۶۰ (۲۷ مه) - سرنگونی دولت مندرس و "کمیته وحدت‌ملی" به رهبری ژنرال گورسل که‌زمام‌اموررابدست‌می‌گیرد.
۱۹۶۱ - واگذاری حکومت به عدنان‌مندرس.
۱۹۶۳ - ترکیه عضو وابسته "جامعه اقتصادی اروپا" می‌شود.
۱۹۷۱ (مارس) - نظامیان دولت دمیرل راوادار به‌کناره‌گیری‌میکنند و دولت اریم‌را به‌روی‌کارمی‌آورند.
۱۹۷۴ - انتخابات پارلمانی و تشکیل دولت ائتلافی برهبری بولنت اجویت مداخله ترکیه در قبرس.
۱۹۷۵ - تشکیل دولت ائتلافی "جبهه ناسیونالیستی" به رهبری دمیرل. (ائتلاف احزاب‌محافظه‌کار و فاشیستی).
۱۹۷۸ - تشکیل دولت ائتلافی برهبری اجویت واعلام وضع جنگ دریک‌سوم کشور.
۱۹۷۹ - تشکیل دولت اقلیت‌دمیرل.
۱۹۸۰ (۱۲ سپتامبر) - کودتای نظامی کنعان‌اورن.

متحدان...

بقیه از صفحه ۷

آن‌را چنین افشاءکردند:

"قضیه شخص، افراد نبود، قضیه همان جریان بود که با اصل اساس مخالفت باشد. قضیه دفتر هم‌آهنگی در سراسر کشور یک‌قضیه من‌باب‌اتفاق و عادی‌نبود. قضیه‌مخالفت بادولت اسلامی (است) و هرروز درهرگفتاری و درهرنوشته‌ای حمله به‌دولت به‌این که این دولت کاری از او برنمی‌آید. قضیه‌این‌نیست که‌مجلس، یک مجلس غیرکارایی‌استو ازاشخاص غیرمطلع تشکل پیدا کرده. مسائل این‌نیست. مسئله‌این‌نیست‌که قوه‌قضاییه به‌دست انحصارطلبان افتاده است. مسائل اصلی آن‌ها، این‌ها نیست. مسئله آمریکاست و اسلام. جریان، جریان آمریکایی درمقابل اسلام (است). از همان اول، از همان‌وقتی‌که احساس این‌شد که‌شاه‌بایدبرود، ازهمان‌وقت بختیار می‌آید و بختیار از یک گروه ملی‌گرا (بود). من‌باب احتیاط هم آن‌ها می‌گویند که دیگر او از حزب‌ما و از جبهه نیست. این‌احتیاطی‌بود که اگر او کنار رفت، باز جبهه ملی در کار باشد... همان‌وقت که من در پاریس بودم، این جریان شروع شد. همان‌وقت هم می‌خواستند که شاه را نگه‌دارند، به‌اسم این‌که او سلطنت کند نه حکومت... همان وقت هم می‌خواستند که بختیار را بیاورند و با ماآشتی بدهند..

این‌جریان از آول یک جریانی منسجم‌شده و برنامه‌ریزی‌شده درکار بود و ما درست توجه‌بهش نداشتیم. کم‌کم هی‌مطالب معلوم شد. کم‌کم خودشان‌را لودادند ورسیدبه‌این‌جا که من هرچه جدیت کردم‌که نرسد، به‌این‌جا رسید. نه از باب این‌که به این‌ها اعتمادی داشتم، از جهات دیگری که به‌خود آقایان گفتم.

حالا رسیده جریان به این‌جا که از حفظ شاه و بعدش بختیار وبعدش شورای‌سلطنت وبعدش حذف‌جمهوری اسلامی که با آن مخالفت می‌شد و بعدش مجلس خبرگان و بعدش‌مجلس شورای اسلامی و بعدش دولت وبعدش قوهٔ قضایی که‌باهمه‌مخالفت‌می‌شد."

(سخنان امام‌خمینی در دیدار با خانوادهٔ‌شهدای دفترحزب‌جمهوری اسلامی - ۱۳ تیر ۱۳۶۰)

و هدف اصلی و واقعی این جریان منجسم‌و بابرنامه‌چه‌بود؟ امام‌خمینی در همان سخنرانی به‌صراحت تمام گفتند:

"**می‌خواستند که‌ما را از استقلال بیرون بیاورند و به دامن آمریکا بیندازند.**"

و این‌خط، باسقوط بنی‌صدرخوش‌بختانه یکبار دیگر شکست‌خورد.

با سقوط بنی‌صدر در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، خطی که از روز لرزیدن تخت سلطنت زیرپای شاه، تلاش می‌کرد، تا ایران را هم‌چنان در اسارت آمریکا نگاه‌دارد، بازهم، به‌برکت درایت و قاطعیت **امام‌خمینی** و در توفان "مرگ برآمریکا"ی توده‌ها درهم شکست. اما متاسفانه نابود نشد. بنی‌صدر فرار کرد، اما لیبرال‌ها و هم‌خطان آن‌ها در لباس‌های رنگارنگ ماندند. به‌قول **امام‌خمینی**:

"**تفاله‌های آمریکا، این تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم، الان هم هستند.**"

آری، لیبرال‌ها، که‌تاآخرین‌لحظه سقوط **بنی‌صدر** به او وفادار ماندند، هنوز هم خط او را دنبال می‌کنند **خط مسخ انقلاب!**

(ادامه دارد)

«لایحه قانونی تشکیل شورای اسلامی کارکنان ...» و آئین‌نامه‌های آن ناقض حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان است (۵)

ضرورت لغو قوانین و آئین‌نامه‌های ناقض حقوق صنفی و شورائی کارگران و تصویب و اجرای قانون انقلابی کار

وزارت کار و امور اجتماعی آزموده را مجدداً می آزماید

اقدام وزارت کار و امور اجتماعی، که در صدد برآمده باتکیه بر مصوبهٔ بنی صدری شورای انقلاب وآئین‌نامه‌های تنظیمی وتصویبی شورایعالی کار، نظارت و کنترل خود را بر سازمان‌های صنفی کارگران وزحمتکشان برقرارکند و حق تشکل آزاد ومستقل صنفی را از آنان سلب نماید. بظاهر اقدامی بسود انقلاب وبه‌نفع کارگران وزحمتکشان جلوه داده میشود. لیکن واقعیت امر اینست که این اقدام هم بزیان انقلاب وهم بزیان کارگران وزحمتکشان است.

محروم داشتن کارگران وزحمتکشان ازتشکل آزاد ومستقل صنفی تحت عنوان ایجاد "شورا" بزیان انقلاب است. تجربه ایجاد سازمان‌های صنفی دولتی یانیمه‌دولتی درهیچ‌کشوری، منجمله درکشورما ایران، موفق نبوده‌است. مگر رژیم سلطنتی وابسته ازاین تجربه چه بدست‌آورد، که‌حالا مسئولین وزارت کار وامور اجتماعی میخواهند همان تجربه را تکرار کنند؟

دستگاه‌تبلیغاتی شاه ادعامی‌کرد که‌یک‌میلیون‌ونیم نفر و یا حتی تعداد بیشتر ی از کارگران وزحمت‌کشان زیر پوشش‌سندیکاهای از بالا تشکیل شده آریامهری‌هستند. ولی‌آیا طبقهٔ‌کارگرایران‌بدنبال آن‌سندیکا‌های فرمایشی و سازمان‌های کارگری ساختگی رفت؟ یا اینکه به‌آنها پشت بازد وسندیکاهای قلابی و فرمایشی ساواکزده را به زبالـه دان تاریخ فرستاد؟

چرا وزارت کار وامور اجتماعی میخواهد آن‌تجربه ناموفق ضدکارگری راباردیگر به‌اجرابگذارد؟ آیا مسئولین هیچ‌فکرکرده‌اندکه‌دخالت‌های آنها درتشکل‌های‌صنفی، یعنی‌بی‌اعتمادی به‌کارگران وزحمتکشان، واینکه این‌امر به‌پیوند بین آنهاوحاکمیت انقلابی ضربه‌میرساند؟ این‌رفتار شایسته‌طبقه کارگری‌نیست‌که با صداقت تمـام در انقلاب شرکت‌کرده وبیشترین سهم فداکاریها را درمبارزه‌علیه‌امپریالیسم وضدانقلاب‌بعهده داشته‌ودارد، چرا مسئولین‌وزارت کار، در باره این مسائل تامل‌نمیکنند؟

تجربه‌محروم داشتن‌کارگران و زحمتکشان از تشکل‌های‌آزادومستقل صنفی، ولوتحت عنوان "شورا" هـم باشد، بزیان‌توده‌کارگران وزحمتکشان است. وزارت‌کار و امور اجتماعی‌وقتی بخواهد خودرا قیم طبقهٔ‌کارگـر قرار دهد، وبجای میدان‌دادن‌به ابتکـار میلیونهازحمتکش از پائین، از بالا برایشان‌سازمان‌بسازد، کاری‌ازدستش برنخواهد آمد.

سازمان‌های وزارت کار و امور احتماعی‌هرقدرعریض‌وطویل‌هـم باشند، نمیتوانندجای‌خالی‌سازمان‌هـای صنفـی کـارگـران وزحمتکشان را درصدها هزار کارگـاه و کارخانه، موسسه واداره خصوصی و دولتی، تولیدی و خدماتی پرکنند. این‌فقط خود کارگران وزحمتکشان هر کارگاه وصنف، هرکارخانـه و اداره هستند، که‌میتوانند، باتکیه بر تشکل آزادومستقل صنفی خـود، قدرت عظیمی راکه، هم درخدمت انقلاب باشد وهم حل‌مسائل ومشکلات صنفی ـاجتماعی آنان را تسهیل‌نماید، به وجود آورند. امروز میلیونها کارگر و زحمتکش ایرانی درصدها هزار کارگاه وکارخانه، موسسه‌و اداره، در رشته‌های گوناگون‌صنعتی، ساختمـانی، کشاورزی، بازرگانی، حمل ونقـل و دیگر خدمات مشغول بکارهستنـد. اینان احتیاج به دفاع از منافع صنفی ـاجتماعی خود در برابر سرمایـه‌داران، اعم از کارفرمایان کارگاه های بزرگ یا کوچک دارند.

در برابر کارگران وزحمتکشـا ن صدها مسئله‌صنفی‌ـاجتماعی‌حل‌نشده نظیر روز وساعت کار، تعطیل و مرخصی هفتگی وسالانه، دستمزدکم وهزینهٔ گران‌زندگی، فقدان بیمه‌بیکاری، پیری ازکارافتادگی، سوانح‌وامثـال آن. محرومیت ازبهداشت، سواد و آموزش حرفه‌ای وعلمی، مسئلهٔ‌ایاب و ذهاب ومسکن، رعایت‌ایمنی وبهداشت‌محیط کار، بازرسی واجرای مقررات و قوانین درکارگاه‌ها ونظائر این امور قراردارد. وزارت‌کار وامور احتماعی نه نیرو و نه توان آن‌را دارد، و نه اصلا میتوانـد بجای کارگران وزحمتکشان به حل این مسائل بپردازد. ولی تشکل‌های‌آزادو مستقل صنفی‌کارگران میتوانندموفقانه به‌حل این‌مسائل بپردازند.

امپریالیسم‌ونواستعمار، با کمک سرمایه‌داری محیل وآزمند وغارتگـر ایران، دهها سال‌است که طبقه‌کارگـر کشور ما راازبرخورداری از دمکراسی‌و آزادی فعالیت تشکل‌های صنفی‌محروم داشته‌وبدست‌رژیم‌های دست‌نشاندهٔ طاغوتی، مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران را دراین‌زمینه‌ها غرقه به خون ساخته‌اند. پس از پیـروزی انقلاب بـزرگ اسلامی، ضدامپریالیستی و مردمی ایران، که طبقهٔ‌کارگر ایـران عظیم‌ترین نقش را درپیروزی آن‌ایفاء نموده، تامین وتضمین‌آزادی فعالیت‌های‌صنفی‌ـاجتماعی‌کارگران ورعایـت کامل‌حقوق‌آنان درایجادتشکـل ها ی صنفی، مانند آب وهوا برای زندگی و تنفس انسان، هم برای کارگران، هم برای انقلاب، ضروراست.

باتامین‌وتضمین‌آزادی‌واستقلا ل فعالیت‌های‌صنفی‌ـ احتماعی‌کارگرا ن وزحمتکشان، بایدبه‌آنهافرصت‌داد، تا از زیربارفرهنگ‌طاغوتی‌وامپریالیستی برده‌پرور ـهمانطورکه‌آقای‌مهندس‌میر حسین‌موسوی نخست وزیر درنطق خود درنمازجمعه ۸ آبان ماه ۶۰اشاره‌کرد ـ خارج‌شوند وبه فرهنگ آزادبیخـش کارگری، که‌احیاءکنندهٔ‌شخصیت‌انسانی میلیونهاکارگر وزحمتکش زجـر دیده‌و ستم‌کشیدهٔ‌کشورماست، دست‌یابند.

چراوزارت‌کار وامور احتماعی‌بادخالت‌های‌آشکار و زیرپرده‌خود سعی بـر آن دارد، تامانع از دسترسی کارگـران و زحمتکشان‌ایران‌به‌تشکل‌آزادوصنفی‌شود، تشکلی که‌ازکارگر زیرستم واحیانا "نا‌آگاه دیروز، انسانی آزاد، آگاه، مبارزو انقلابی‌امروز رامیسازدوبایدبسازد؟

"استدلال" مسئولین وزارت کار وامور احتماعی در جلوگیری ازتشکـل آزاد ومستقل صنفی‌کارگران و تبرئـهٔ دخالت خود دراین کار میتوانـد این باشدکه، گویا رهبری سازمان‌های صنفی میتواند بدست عناصر نابـاب وضد‌انقلابی وطاغوتی‌های گذشته بیفتد.

این دیگر عذر بدتر از گناه و در عین حال توهین به طبقهٔ‌کارگری است که‌در شرایط پس‌از پیروزی انقلاب، نه‌فقـط ازانقلاب مانندمردمک چشم‌حفـاظت کرده‌ومیکند، بلکه به هیچ نوع‌انحرافی ازخط‌اصلی ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب راه‌نداده‌است، کارگـران در صفوف خود نه‌فقط دست‌رد به سینهٔ طاغوتی‌ها وضدانقلابیون گذاشتند، که بامنحرفین چپ‌نما نیز به مبارزه جد ی پرداختند. نگرانی‌های‌مسئولین وزارت کار واموراحتماعی‌در مورد طبقهٔ کارگر ایران وحرکت آزاد ومستقل صنفـی ـ سیاسی آن، بی‌پایه‌است. باید به‌طبقهٔ کارگراعتماد داشت. بی‌اعتمـادی به طبقهٔ‌کارگر ایران، بی‌اعتمادی به کل انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی‌ومردمی میهن‌ماست.

اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی و تعهدات بین المللی وزارت کار و امور اجتماعی

وزارت کار وامور احتماعی‌نه‌تنها ازجهت رعایت حقوق صنفی وشورائی، که‌قانون اساسی جمهوری اسلامی‌ایران برای‌کارگران‌وزحمتکشـان به رسمیت شناخته، بلکه‌همچنین ازجهت‌تعهدات بین‌المللی خود در قبال سازمان ها ی جهانی کارگران وزحمتکشان مجاز بـه دخالت در امورتشکل‌های‌صنفی‌کارگران وزحمتکشان‌نیست. دولت جمهـور ی اسلامی ایران‌مقاوله‌نامه‌هاوتوصیه‌ها و اعلامیه‌های جهانی تضمین‌کننده‌حقوق صنفی کارگران وزحمتکشان رابه رسمیت شناخته‌است. وزارت کار واموراحتماعی مجازنیست که به بهانه آئین‌نامه‌ها و اساسنامه‌های مصوبه خود، که برخلا ف اصول قانون‌اساسی‌نیزهست، به‌دخالت در امور تشکل صنفی کارگران وزحمت‌کشان بپردازد.

اعلامیهٔ‌جهانی حقوق‌سندیکائی مصوبهٔ۱۳۵۷، مستند به‌منشور حقوق سندیکائی زحمتکشان مصوبهٔ ۱۳۳۳ و مقاوله‌نامه‌های شمارهٔ ۷۸، ۹۸، ۱۱۱، ۱۳۵، ۱۴۱ "سازمان بین‌المللی کار"، که دولت‌ایران آنرا به‌رسمیت می شناسد و مسئولین وزارت کار واموراحتماعی در دوران پس‌از انقلاب چندین بـاردر جلسات آن‌شرکت‌کرده‌اند، آزادی و استقلال سازمان‌های صنفی کارگران و زحمتکشان را بعنوان اصول خدشه نا‌پذیر اعلام میدارد ودخالت دولت ها درکار این سازمان‌ها را تحـت هیچ عنوانی جایزنمیشمارد.

اعلامیهٔ‌جهانی حقوق‌سندیکائی مقرر میدارد:

"زحمتکشان، ازجمله کارمندان دولت، حق‌دارند، بـدون‌کسب‌اجازه گردهم‌آیند. سندیکاتشکیل‌دهند. بـه سازمان‌های‌سندیکائی‌موجود بپیوندند بدون‌اجازه‌وکنترل‌مقامات‌دولتی‌وکار‌فرمایان‌درهرگونه‌فعالیت‌سندیکائـی شرکت‌نمایند. اعضای سندیکـاها آزادانه اساسنامـهٔ سنـدیکا ی خـودرا تنظیم میکننـد و طـرز کار و فعالیت‌های سندیکا را، بـدو ن دخالت وکنترل‌مقامات دولتی وکار‌فرمایان، سازمان می دهند. اعضا ی سندیکاحق‌دارند، طبق اساسنـامه، رهبران‌سندیکا را انتخاب‌کننـد و به عضویت ارگان‌های رهبری سندیکائی انتخاب‌شوند." (رجوع شود به مواد ۱تا ۵ "اعلامیهٔ‌جهانـی حقـوق سندیکائی"، هفته‌نامه "اتحاد"، شماره ۱۲۲، ۵ آبان‌۱۳۶۰).

درمواد دیگر همین اعلامیه به تصریح‌گفته میشود:

"سازمان‌های سندیکائـی حق دارند به‌نمایندگی زحمتکشان، برطبق اساسنامه‌ای که‌خودآنان‌آزادانه تنظیم وتصویب‌کرده‌اند، بدون‌دخالـت یا کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان، فعالیت نمایند. سندیکاهـا شخصیت حقوقی‌دارند."

"سازمان‌های سندیکائی حـق دارند طرز انتخاب رهبران وارگان‌های‌اجرائی‌خودرا آزادانه‌تعیین‌کنند، ادارهٔ امور داخلی خود را سـازما ن دهند و برنامهٔ عمل خودرا تدویـن نمایند."

"ادارهٔ‌امور مالی سندیکا فقـط حق سندیکاست و مقامات‌دولتی وکار‌فرمایان‌حق‌دخالت وکنترل‌آنراندارند. اموال‌ودارائی‌سندیکا رابه‌هیچ‌عنوا ن نمیتوان‌مصادره‌کرد." (مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲)

ماده‌ٔ ۱۴، ۱۶ و ۱۷ اعلامیه به سندیکاها‌حق‌میدهد:

"بدون کسب اجازه از مقامات دولتی کنفرانس، کنگره، گردهمایی، تظاهرات، ازآنجمله‌تظاهرات‌خیابانی تشکیل‌دهند."

"اماکن ثابتی را که درخـور فعالیت آنهاست، ازمقامات دولتی به دست‌آورند وخودشان‌منحصرا آنهارا اداره‌کرده، مورداستفاده قراردهند".

"برمبنای حرفه، صنعت، محـل استان وکشور فدراسیون تشکیل‌دهندو یابه‌فدراسیون‌های موجود بپیوندند."

"سازمان‌های سندیکائـی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت بـا سازمان‌های‌سندیکائی‌منطقه‌ای، بین‌المللی‌وسازمان‌های سندیکائی‌کشور‌های دیگر هیئت‌های نمایندگی‌مبادله کنندوباآنها ارتباط برقرار سازنـد." (ماده۶۰)

"سازمان‌های سندیکائی حـق دارند به‌سازمان‌سندیکائی‌منطقه‌ای یا بین‌المللی مطلوب خودبپیوندند." (ماده۵۷).

در ۷۶ماده‌ٔاعلامیهٔ‌جهـانی حقوق‌سندیکائی، ضمـن آنکـه حق پرداختن به‌دفاع از منافع صنفـی ـ اجتماعی زحمتکشان درهمهٔ‌زمینه‌ها، اعم از مسائل کار و زندگی، آموزشی‌و فرهنگی، انعقاد قرارداد دسته‌جمعی و بازرسی، نظارت بر استخدام‌واخراج ازکار، مشارکت‌در ضوابط ترفیـع و افزایش‌دستمزدها، سـازمـان دهی فعالیت‌های ورزشی وهنری و ده هـا مورد دیگر، به‌تشکل‌های‌صنفـی‌داده شده، همچنین‌حقوق سندیکاها در امر مشارکت در اداره ونظارت بر تولید اجتماعي نیز به‌رسمیت شناخته شده است.

"زحمتکشان و سـازمـان هـای سندیکائی آنها حق‌دارند در گزینش، اجرا ونظارت بر برنامه‌های تـوسعـه اقتصادی واحتماعی دمکراتیک داشته باشند."

"سازمان‌های سندیکائـی حق دارند بهنگام تدوین سیاسـت ها ی صنعتی، اصلاحات‌ارضی، تنسیق‌سر‌زمین وحمایت‌از محیط‌زیست طـر ف مشورت قرارگیرند، تابتوانند ازمنافع زحمتکشان دفاع‌کنند."

"دولت‌ها باید مقررات الزام‌آوری برای کارفرمایان ومقامات‌دولتی، به‌منظور تضمین برخورداری واقعـی سازمان‌های سندیکائی از حق نظارت دمکراتیک بر ادارهٔ‌امور... بویـژه مشارکت در نظارت بر نوسـازی و بهبود تولید و برتصمیم‌گیری در هـر مسئله‌ای که مربوط به تغییر مالکیـت موسسه وتغییرات‌کیفیت فنی تولیـد باشد،... وضع کنند." (مواد ۳۴، ۳۵ و۵۶).

وبالاخره اعلامیهٔ‌جهانی حقوق سندیکائی مبتنی بر مصونیت محل‌کار سندیکاها ومکالمات‌تلفنی مکاتبات آنها ممنوعیت تعلیق ویا انحلال سندیکا‌ها از طریق قانونی یا اداری، تضمین حق‌گردهمائی‌سندیکائی ازطریق‌ممنوع ساختن‌مداخلهٔ‌دولتی (اعم‌ازاداری، پلیسی یانظامی) وکارفرمایان، در هر امری‌که‌بافعالیت سازمان‌های سندیکا‌ئی‌مربوط باشد (مجامع، انتخابـا ت، گردهمائی) ونظایر آنست (مواد ۳۲و ۳۱)

"دولت‌ها نبایدازطریق‌قوانین ودرعمل در مقابـل روند وحدت سندیکائی، در هرسطحی که زحمت‌کشان مایل باشند، مانع ایجادکنند." (ماده۳۰)

این‌حقوق و مواد را مقایسه‌کنید بامداخلات‌آشکاری که‌وزارت کار وامور اجتماعي، تحت عنـوان "تدوین‌و تصویب‌آئین‌نامه واساسنامه‌های‌شورای اسلامی‌کارکنان وصنوف"، به استنـاد مصوبهٔ‌بنی‌صدری شورای‌انقلاب، برای خودبرسمیت شناخته‌است. ما مـوا رد مختلف ومتعدد این مداخلات راضمن بررسی آنها آشکار ساختیم.

قانون‌اساسی جمهوری اسلامی ایران واعلامیهٔ‌جهـانی حقـوق سندیکائی مقرر میدارد: **فعالیت‌صنفی آزاداست‌وکارگران‌وزحمتکشان، ازجمله کارمندان‌دولت، حق‌دارندآزادانه و بدون‌کسب اجازه گردهم‌آیند، سندیکا تشکیل‌دهند، آزادانه‌به‌تنظیم‌وتصویب اساسنامه سندیکای‌خود بپردازنـد، انتخابات‌آزادسندیکائی داشته‌باشند.**

وزارت کار وامور احتمـاعـی تحت‌عنوان "تدوین‌آئین‌نامه‌هـا ی شورائی"، بخود حق میدهدکه در کا ر تشکل صنفی زحمتکشان دخالت‌کند، برای‌آنهااساسنامه‌بنویسـد، در انتخابات آنها دخالت‌نماید وبه این دخالت‌ها زیر نام "شورا" مشروعیت قانونی ببخشد.

اعلامیهٔ‌جهانی حقوق‌سندیکائی مقرر میدارد:

"امور مالی سندیکاها، گردهمائی آنها در سطوح‌مختلف وارتباط داخلی وبین‌المللی شان‌کارخود‌تشکلهای‌صنفی است‌وکسی‌حق‌دخالت‌درآن‌راندارد."

وزارت کار وامور اجتماعی، تحت عنوان "آئین‌نامه‌های‌شورائی "ازتشکل‌های‌کارگری‌میخواهدکه:

"گزارش‌یکماهه کارخود را به انضمام گزارش مالی به‌آن بدهند" و **"ارتباط وائتلاف والحاق با هـر گونه تشکیلات داخلی وبین‌المللی "را به جلب موافقت‌قبلی وکتبی‌واحدکارواموراجتماعی "موکول‌نمایند، والا منحل خواهندشد.** (بند ۱۰ مادهٔ ۳۸ـ "اساسنامهٔ شورای‌اسلامی‌کارکنان").

اعلامیهٔ‌جهانی‌حقوق سندیکائی که‌تمام مواد‌آن با قانون‌اساسی جمهوری اسلامی‌ایران انطباق کامل‌دارد، مبتنی برمصونیت سندیکاها وممنوعیت تعلیق ویاانحلال آنها از طریق قانـونی یا اداری است.

وزارت‌کار واموراجتماعی، تحت عنوان "آئین‌نامه واساسنامه‌های‌شورائی" نه‌تنها چنین مصونیتی را نقض‌میکند، بلکه علنا "ناظر برانحلال‌آنهاست. در ماده ۳۷ "اساسنامه شورای اسلامـی کارکنان" وبند ۲آن عینا "چنین‌نوشته است:

"ماده ۳۷ـ شورا در موارد زیـر منحل‌میشود. ۲ـ درصورت صـدور رای قطعی از طرف وزارت کار واموراجتماعی بعلت تخلف شورا از قانون و مقـرارت مربوطه."

جالب اینکه "استنکاف از اجرای

بقیه‌درصفحه ۱۲

بمناسبت پنجمین سالگرد تأسیس حزب انقلاب تانزانیا (۱۴ بهمن ۶۰ / ۵ فوریه ۸۲)

تانزانیا

برای حفظ استقلال و تأمین پیشرفت خود

با دشواریهای داخلی و دسیسه‌های امپریالیسم روبروست

* برپایهٔ برنامهٔ ۲۰ ساله تحول اقتصادی و اجتماعی تانزانیا، قراراست که درآمد سرانهٔ مردم تا پایان سدهٔ بیستم ۲/۵ برابر شود.
* دولت تانزانیا در راه غلبه برمیراث شوم استعمارکوشش‌های فراوانی بکار می‌برد.
* جولیوس نیرره: هدف "حزب انقلاب" ایجاد جامعه‌ایست مرکب از شهروندان برابرحقوق.
* ۲۰ درصد بزرگسالان تانزانیا در "حزب انقلاب" ویا یکی ازسازمانهای توده‌ای وابسته به آن عضویت دارند.
* چگونه "صندوق بین‌المللی پول" می‌خواهد، در ازای "کمک" به تانزانیا، شرایط امپریالیستی خود را برآن کشور تحمیل کند.

نام رسمی United Republic of Tanzania

"جمهوری متحد تانزانیا"

Jámhuri Ya Muungano Wa Tanzania

سرزمین و سکنه

تانزانیا کشوری است فدرال درآفریقای خاوری.

وسعت: ۹۴۵۰۸۷ کیلومترمربع،

جمعیت: ۱۷/۵ میلیون نفر= ۱۹ نفر درکیلومترمربع ــ ازجمله در جزیره‌های زنگبار (۱۶۵۸ کیلومترمربع) و پمبا (۹۸۴ کیلومترمربع) ۴۰۰۰۰۰ نفر؛

پایتخت: دارالسلام (۸۶۰۰۰۰ نفر)؛ **زبان رسمی:** سواحلی؛ **پول:** شیلینگ تانزانیا (TSK)= ۱۰۰سنت، ۱دلار ایالات‌متحده آمریکا= ۸/۲ شیلینگ.

تقسیم اداری: تانزانیا از نظر اداری به ۲۵ منطقه (۲۰ منطقه در خشکی و ۵ منطقه در زنگبار و پمبا) تقسیم می‌شود. ۹۸/۵ درصد سکنه تانزانیا آفریقایی هستند و درحدود ۱۲۰ قبیله را دربرمی‌گیرند. دراین کشور، فزون براین، ۹۰۰۰۰ هندی، ۲۲۰۰۰ اروپایی و ۲۵۰۰۰ عرب زندگی می‌کنند.

مذهب: ۳۰ درصد مسلمان، ۲۵ درصد مسیحی (دوسوم آنهاکاتولیک) وبقیه پیروان مذاهب قبیله‌ای. علاوه براین باید از اقلیتی هندو نام‌برد.

مهم‌ترین شهرها: زنگبار (۷۰۰۰۰ نفر)، آروشا (۳۳۰۰۰)، دودوما (۲۰۰۰۰) و موشی و مبیا.

اقتصاد

اوضاع عمومی: تانزانیا کشوری است کشاورزی و رشد نیافته. علیرغم کوششهای فراوان دولت، هنوزساختار استعماری اقتصاد از میان نرفته‌است. دولت تلاش می‌ورزد، تا با دولتی کردن صنعت‌و بازرگانی و ایجاد کارخانه‌های جدید، نفوذ خود را گسترش بخشد و از وابستگی کشور به بازار جهانی سرمایه‌داری بکاهد.

برپایهٔ برنامهٔ پنجسالهٔ سوم (۱۹۷۷/۷۸ تا ۱۹۸۱/۸۲) توسعه اقتصادی واجتماعی تانزانیا، قرار است فرآورده ناویژهٔ اجتماعی این کشور سالانه به طورمیانگین ۶ درصد افزایش یابدــ ازجمله در کشاورزی: ۵/۱ درصد، معادن: ۹/۳ درصد، صنایع تبدیلی: ۹/۵ درصد، برق رسانی و آبرسانی: ۱۰/۳ درصد، ترابری ومخابرات: ۶/۵ درصد و ساختمان: ۶/۴ درصد. دراین مدت هزینه‌های دولت برابر با ۲۵ میلیارد شیلینگ خواهد بود.

۵۰ درصد هزینه‌های برنامهٔ پنج سالهٔ سوم را (مانند دو برنامهٔ نخستین) سرمایهٔ خارجی تامین خواهد کرد. درسالهای ۷۵- ۱۹۷۱ ۷۰ درصد منابع مالی تانزانیاازخارج برپایهٔقراردادهای دولتی، ۲۰درصد از سوی سازمان‌های مالی بین‌المللی (بویژه "بانک جهانی") و ۱۰درصد بوسیلهٔ شرکت‌های خصوصی تامین شد. •مهم‌ترین شریکان بازرگانی خارجی تانزانیا از جهان‌سرمایه‌داری درعین‌حال بخش اعظم اعتبارهای خارجی این کشور را دراختیار آن می‌گذارند. درسال ۱۹۷۸ بازپرداخت اعتبارات خارجی‌تانزانیا برابر با ۱/۶ میلیارد دلار ایالات متحده‌بود. مجموع این بازپرداخت ها درسال ۱۹۷۶، ۴/۳ درصدارزش صادرات تانزانیا را تشکیل‌میداد.

تانزانیا در تابستان سال ۱۳۶۰ (ژوئیهٔ ۱۹۸۱) برنامهٔ ۲۰ سالهٔ تحول اقتصادی واجتماعی خود را آغازکرد. برپایهٔ این برنامه، قرار است که فرآورده ناویژهٔ اجتماعی کشور سه برابر شود. درآمد سرانهٔ مردم تاسال ۲۰۰۰، ۲۵۰ درصد افزایش خواهد یافت.

درسال ۱۹۷۶ درکشاورزی‌تانزانیا ۹۰ درصد زحمتکشان شاغل بودند. در همین سال سهم فرآورده‌های کشاورزی در صادرات تانزانیا ۸۰% و درفرآورده ناویژهٔ اجتماعی ۳۹/۵ درصد بود. صنعت ۹/۳ درصد فرآورده ناویژهٔ اجتماعی را تامین می‌کرد. درسال ۱۹۷۸ رشداقتصادی تانزانیا برابر با ۵/۶ درصد بود. آمار رسمی تانزانیا شماره کارگران مزدگیر بخش قاره‌ای این کشور رادر سال ۱۹۷۸، ۵۳۲۰۰۰ ذکرکرد.

دولت تانزانیا کوشش فراوان بکاربرد، تا روستانشینان تانزانیا را، که شماره آنها درحدود ۱۴ میلیون است ودر سراسر کشور پراکنده بودند، دردهات بزرگتری گردآورد. باصطلاح ("روستاهای کارگروهی") "UJAMAA" در اواخر سال ۱۳۵۹، شمارهٔ اینگونه دهات در حدود ۸۱۰۰ بود. تشکیل این‌دهات یکی ازشرایط‌رشداقتصادی ــ اجتماعی سریع‌تر روستاهای‌تانزانیا را پدید آورد.

سهم زنگبار و پمبا در فرآوردهٔ ناویژهٔ اجتماعی کمتر از ۵ درصد، ولی به نسبت جمعیت از بخش قاره‌ای تانزانیا بیشتر است.

صنعت: معادن تانزانیا هنوزدارای اهمیت چندانی نیست. درسال ۱۹۷۶ استخراج معادن (بویژه‌الماس) برابر با ۱۸۴/۴ میلیون شیلینگ‌بود.

صنایع تبدیلی تانزانیا بیشتر رشته‌های تبدیل فرآورده‌های کشاورزی و تولید کالاهای مصرفی است. دارالسلام دارای پالایشگاهی به ظرفیت سالانه ۸۶۰۰۰۰ تن است. قراراست که گنجایش سالانهٔ این پالایشگاه به ۱/۷۵ میلیون تن‌افزایش یابد.

درسال ۱۹۶۷ سرمایهٔ خارجی، بویژه سرمایهٔ خصوصی بریتانیایی، ۷۵ درصد تولید صنعتی را دربر می‌گرفت. درسال ۱۹۷۵، ۵۲درصد تولید صنایع تبدیلی را زیرنظارت خود داشت. دولت تانزانیا درزمینه کالاهای مصرفی تولید کنندگان خصوصی خرده‌پا را تشویق می‌کند. تانزانیا همچنین می‌کوشد، تا تولید خانگی را جانشین وارداتساز د، در زمینه مهم‌ترین کالاهای مصرفی به خودکفایی دست یابد، درجهٔتبدیل مواد خام وارداتی را بالاببرد، کارخانه‌های صنعتی درسراسر کشور پراکنده شود و کار برای شماره‌بیشتری از مردم فراهم‌گردد.

دولت تانزانیا سه سال پیش (۱۹۷۸) برنامه‌ای ۲۰ ساله را برای ایجاد صنعت، بویژه رشته‌های شیمی و آهن‌گدازی، تصویب کرد. دولت این کشور همچنین برای گسترش رشته نساجی اهمیت خاص قائل است، که تا چهارده سال پیش اصلاخبری از آن‌نبود. رشته نساجی تانزانیاشش سال پیش ۸ کارخانه را با گنجایش سالانه ۸۴ میلیون مترمربع پارچه در برمی‌گرفت. سه سال بعد (۱۹۷۸) تانزانیا قراردادی با جمهوری دمکراتیک آلمان ولهستان بست، که برپایهٔ آن یک مجتمع نساجی درمبیا تاسیس یافت. قراربود (تا سال ۱۹۸۰) درحدود ۶۰ درصد پنبهٔ تانزانیا در داخل کشور تبدیل شود (دربارهٔ دستیابی به این هدف گزارشی در دست نیست).

تولید صنعت انرژی تانزانیا (در سال ۱۹۷۷ و بدون زنگبار) ۶۱۲ میلیون کیلووات ساعت بود.

سه سال پیش (۱۹۷۸) ۱۰۰۰۰۰ زحمتکش درصنایع تانزانیا، ازجمله درمعادن، کارمی‌کردند.

کشاورزی: تنها از ۲۰ درصد سرزمین تانزانیا (۱۹ میلیون‌هکتار) درکشاورزی بهره‌گرفته می‌شود.

کشاورزی تانزانیا ۸۰ درصدارزش صادرات این‌کشور را تامین می‌کند (۱۹۷۸): قهوه (۴۴۶۰۰ تن)، چای (۱۶۶۰۰ تن)، تنباکو (۱۸۲۰۰ تن)، سیسال (۱۰۴۸۰۰ تن) و غیره. درحدود ۸۰۰۰ هکتار از کشتزارهای تانزانیا (۱ درصد مساحت کل‌کشتزارها) در دست خارجیان است. قسمت اعظم بقیه را دولت برای ۹۹ سال اجاره‌داده است. تانزانیا (در سال ۱۹۷۸) ۱۹۹۵۰۰ تن ذرت، ۲۴۶۰۰ تن برنج، ۱۳۹۰۰ تن ارزن، ۲۳۰۰۰ تن لوبیا و ۳۸۸۰۰ تن مانیوک تولید می‌کرد. زنگبار ازنظر صادرات میخک پس از ماداگاسکار درجهان درمقام دوم قراردارد (درسال ۱۹۷۸: ۶۰۰۰ تن، یعنی ۶۵ درصد تولیدجهانی).

در زمستان ۱۳۴۲ (ژانویهٔ ۱۹۶۴) پس ازسرنگونی سلطان زنگبار، همهٔ مزارع خصوصی این جزیره مصادره و میان دهقانان بی‌زمین تقسیم‌شد. درسال ۱۹۷۸ برای زنگبار برای نخستین‌بار یک برنامهٔ سه سالهٔ اقتصادی اعلام کردید. برپایه این برنامه، قرارشد که فرآورده ناویژهٔ زنگبار سالانه درحدود ۱۵ درصد افزایش یابد. برنامهٔ نامبرده، فزون براین، گسترش تولید خواربار (ذرت، ارزن، لوبیا، برنج) و فرآورده‌های صادراتی را پیش بینی کرد. بدین منظور، زنگبار ۵۴۶ میلیون شیلینگ، خود در اختیار گذاشت و ۴۹۴ میلیون شیلینگ دیگر از بخش قاره‌ای تانزانیا و کشورهای خارجی دریافت داشت.

درسال ۱۹۷۶، در تانزانیا ۱۵۰۰۰۰ تن ماهی درآبهای‌شیرین و ۳۰۰۰۰ تن در دریا صیدشد. در همین سال، شمارهٔ دام تانزانیا به شرح زیر بود: اسب: ۱۶۰ هزار، گاو ۱۴/۴ میلیون، خوک: ۲۴هزار، بز: ۴/۶ میلیون، گوسفند: ۲/۹ میلیون و طیور: ۲۲ میلیون.

اوضاع مالی: درتانزانیا بانکها، شرکت‌های بیمه و دیگر نهادهای مالی ملی‌شده‌اند. بانک مرکزی و ناشر اسکناس کشور "بنک آوتانزانیا" (Bank of Tanzania) نام دارد. تانزانیا عضو "صندوق‌بین‌المللی پول" است.

بازرگانی خارجی: تانزانیا باکسری مزمن ترازنامهٔ بازرگانی خارجی روبروست. عوامل مهم این پدیده عبارتست از وابستگی به‌واردات مواد غذایی وسرمایهٔ خارجی و افزایش قیمت‌ها در بازار جهانی‌سرمایه‌داری. درسالهای ۷۵- ۱۹۶۷ صادرات تانزانیا ۴۷/۴ درصد افزایش یافت (سالیانه ۵ درصد)، درصورتیکه افزایش واردات ۲۸۹ درصد بود (سالیانه ۱۴/۵ درصد). نیمی از درآمدهای تانزانیا از بابت‌صادرات صرف خرید نفت ازخارج می‌شود.

درسال ۱۹۷۶ مهمترین فرآورده‌های صادراتی تانزانیا عبارت بوداز (به‌میلیون‌شیلینگ): قهوه (۱۲۸۲/۷)، پنبه (۶۲۷/۴)، ادویه، بویژه‌میخک (۲۸۲/۸)، سیسال (۲۴۰/۴)، کاشو (۲۱۰/۱) و الماس (۱۲۵/۱).

واردات تانزانیا درهمین سال به شرح زیربود (به میلیون شیلینگ): ماشین‌آلات‌وتجهیزات (۱۶۶۳/۷)، نفت وفرآورده‌های نفتی (۸۶۰/۲)، موادخوراکی (۳۳۵/۲)، مواد شیمیایی (۴۷۳/۹) و منسوجات (۲۰۵/۷).

درسال ۱۹۷۶ ترکیب صادرات تانزانیا چنین بود: "جامعه‌اقتصادی اروپا": ۳۸ درصد، کشورهای آفریقایی: ۴ درصد. مهمترین‌وارد کنندگان کالاهای تانزانیا عبارت بودنداز: جمهوری فدرال آلمان: ۱۴/۹ درصد، بریتانیا: ۱۴/۳درصد، ایالات متحده‌آمریکا: ۱۰/۱ درصد، سنگاپور: ۷/۴ درصد وایتالیا: ۶/۷ درصد. این ترکیب برای صادرکنندگان کالا به تانزانیا چنین بود: بریتانیا: ۱۳/۴درصد، ایران: ۱۳ درصد، جمهوری فدرال‌آلمان: ۱۰/۲ درصد، ژاپن: ۹ درصد وچین: ۷/۴ درصد.

وضع زحمتکشان

درسال ۱۹۸۰ فرآورده ناویژهٔ اجتماعی سرانهٔ مردم تانزانیا درحدود ۳۰۰ دلار ایالات متحدهٔ آمریکا بود. یکی از علل افزایش کند این پیکره، افزایش شتابان جمعیت است. در دوران پس از استقلال، اختلاف میان حداقل و حداکثر دستمزدها از ۱ به ۴۰ در سال ۱۹۶۰، از ۱ به ۲۰ در ۱۹۶۷ و ۱ به ۶ درسال ۱۹۸۰ رسید. شاخص قیمت کالاهای مصرفی، درسالهای ۷۸

بقیه‌درصفحه ۱۱

مهم‌ترین رویدادها در تاریخ تانزانیا

۱۴۹۸- "واسکودا گاما" به‌ساحل تانزانیای امروزی میرسد وزنگبار به بزرگترین بندر گسیل برده در آمریقای خاوری بدل می‌شود.

۱۸۶۱- زنگبار از عمان جدا و مستقل می‌شود.

۱۸۸۴- آغاز استعمار آلمان.

۱۸۹۰ تا ۱۹۱۸- تانزانیا و (بخش قاره‌ای)، مستعمرهٔ آلمان است و "آسیای خاوری آلمان" نام‌دارد (ازجمله سرزمین‌های امروزی "رواندا" و "بوروندی").

۱۸۹۰- جزایر زنگبار و پمبا "تحت‌الحمایه"بریتانیا می‌شوند.

۱۸۹۰ تا ۱۹۰۵- رستاخیز مردم علیه استعمارگران آلمانی بگونه‌ای خونبار درهم شکسته می‌شود.

۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷- استعمارگران آلمانی قیام بزرگ "مابی- مابی" را سرکوب می‌کنند.

۱۹۱۹- جامعهٔ ملل "تانگانیکا را به بریتانیا" می‌سپرد. درواقع، تانگانیکا مستعمرهٔ بریتانیا می‌شود.

۱۹۲۲- بریتانیا برده‌داری را ممنوع می‌کند.

۱۹۴۶- "سازمان ملل متحد" تانگانیکا را برای "قیمومت" به‌بریتانیا می‌سپرد.

۱۹۵۴ (۷ ژوئیه)- پایه‌گذاری "اتحادیه ملی ــ آفریقایی تانگانیکا" ("تانو").

۱۹۶۱ (۱ مه)- تانگانیکا به خودگردانی داخلی دست می‌یابد.

۱۹۶۱ (۹ دسامبر)- روز استقلال تانگانیکا (جشن ملی).

۱۹۶۱ (۱۴ دسامبر)- تانگانیکا به عضویت سازمان ملل متحد درمی‌آید.

۱۹۶۲ (۹ دسامبر)- تانگانیکا جمهوری می‌شود.

۱۹۶۳ (۱۰ دسامبر)- استقلال زنگبار.

۱۹۶۴ (۱۲ ژانویه)- سرنگونی سلطان زنگبار و اعلام تاسیس "جمهوری خلق زنگبار".

۱۹۶۴ (۲۶ آوریل)- وحدت تانگانیکا و زنگبار وتشکیل "جمهوری‌متحد تانگانیکا".

۱۹۶۴ (۲۹ اکتبر)- تغییر نام به تانزانیا.

۱۹۷۲ (۷ آوریل)- قتل عبید کرومه، معاون اول رئیس جمهوردرزنگبار

۱۹۷۲ (دسامبر)- نخستین کنگرهٔ "حزب آفریقایی- شیرازی" پس از سرنگونی سلطان.

۱۹۷۷ (۵ فوریه)- تاسیس "حزب انقلاب" پس از وحدت "اتحادیهٔ ملی- آفریقایی تانگانیکا" و "حزب آفریقایی- شیرازی".

۱۹۷۷ (۲۶ آوریل)- نخستین قانون اساسی تانزانیا به مرحلهٔ اجرا درمی‌آید.

۱۹۷۷ (۱۴ اکتبر)- قانون اساسی زنگبار و پمبا، که برپایهٔ آن این جزایر در چارچوب تانزانیا خودگردانی می‌یابند، به مرحلهٔ اجرادر می‌آید.

تانزانیا...

بقیه‌ازصفحه ۱۰

ـ ۱۹۷۰، ۲۴۹/۷ بود (برای مواد خوراکی : ۲۹۷/۷) .

آموزش وپرورش وبهداری

دولت تانزانیا در راهٔ غلبه بر میراث شوم استعمار کوششهای فراوانی بکارمیبرد. درسال ۱۹۷۰ درحدود ۷۰ درصد مردم این کشور بیسواد بودند . در سال ۱۹۷۷ آموزش هفت‌ساله‌ابتدایی اجباری اعلام شد و ۹۸ درصدکودکان تانزانیا به مدرسه راه یافتند . دولت تانزانیا هدف خود را ریشه‌کن کردن بیسوادی تاپایان سال ۱۹۸۱ اعلام داشته بود . برپایه برآوردی، اکنون تنها ۲۰ درصد مردم تانزانیا بی‌سوادند . از دستیابی تانزانیا به استقلال تاکنون، شماره دانش‌آموزان دبیرستانی سه‌برابر شده است .

دارالسلام سیزده سال است (از سال ۱۹۶۸)، که دارای دانشگاه است ; دراین دانشگاه ۳۰۰۰دانشجو تحصیل می‌کنند . در زنگبار آموزش و پرورش رایگان است .

درسال ۱۹۷۵ انتظار عمرتانزانیایی‌ها ۴۱ سال بود . تانزانیا درهمین سال درازای هر ۱۸۴۸۲ نفر یکپزشک دراختیار داشت . پنج سال پیش (۱۹۷۶)همه‌بیمارستان‌هاو نهادهای پزشکی تانزانیا ملی شد .

حاکمیت رئیس جمهور تانزانیا **"موالیمو جولیوس ک. نیرره"** **Mwalimu Julius K·Nyerere** نام‌دارد ، که همچنین صدر"حزب انقلاب"است . وی پیش از این رئیس جمهور تانگانیکا بود . معاون رئیس جمهور، معاون "حزب انقلاب" و صدر"شورای انقلاب زنگبار" **"عبود جومبه موینی"** (**Aboud Jumbe Mwinyi**) است . بالاترین نهاد حاکمیت تانزانیا "مجلس ملی"است ، که ۲۲۸ نماینده انتخابی و پاره‌ای اعضای انتصابی (ازسوی‌رئیس‌جمهور) رادربرمی‌گیرد . درتانزانیا هرپنج سال یکبار انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی برگزارمی‌شود .

دولت مرکزی، که مقر آن در دارالسلام است(ولي قرار است به زودی به "دودوما" انتقال یابد)، رهبری مسائل بنیادی سیاست‌کشور را در زمینه داخلی واقتصادی بعهده دارد . این دولت همچنین سیاست دفاعی و خارجی تانزانیا را هماهنگی می‌بخشد . دولت مرکزی‌ازنمایندگان اجزاء مختلف کشور تشکیل می شود .

در زنگبار همچنین دولت محلی خود گردانی حکومت میکند ، که "شورای انقلاب" نام دارد و دارای ۳۲ عضو است . این دولت بویژه به مسائل اقتصادی، بهداری‌وآموزش وپرورش جزایر زنگبار و پمبا میپردازد. بالاترین نهاد زنگبار "شورای نمایندگان" است، که هرپنج سال یکبار انتخاب میگردد . اعضای "شورای انقلاب" درعین حال‌عضو "مجلس ملی"هستند . درقانون اساسی تانزانیا ، که در ۶ اردیبهشت ۱۳۵۶ به‌تصویب رسید،(۲۶ آوریل ۱۹۷۷) ، نقش رهبری حزب درجامعه و دستگاه دولتی تسجیل شده است . زنگبارنیزدارای قانون‌اساسی‌خویشتن است .

احزاب سیاسی

وسازمانهای اجتماعی

تانزانیا دآرای نظام یک حزبی است . در ۱۶ بهمن ۱۳۵۵ (۵فوریه ۱۹۷۷) برپایهٔ وحدت "اتحادیهٔ ملي‌ـ آفریقایی تانگانیکا" ("تانو") و "حزب آفریقایی‌ـ شیرازی‌زنگبار" ("ا.اس.پی") "حزب انقلاب" (**Chama Cha Mapinduzi - CCM**) پایه‌گذاری شد . صدر حزب **"نیرره"** است . برنامه حزب براساس "بیانیهٔ آروشا"ی"تانو" (۱۶ بهمن ۵/۱۳۴۵ فوریه ۱۹۶۷) مبتنی است ، که درآن سمتگیری سوسیالیستی تانزانیا تسجیل شده است . سه سال پیش در حدود ۱/۵ میلیون نفر در"حزب انقلاب" عضویت داشتند .

"حزب انقلاب" تانزانیا برنامه خویش را پیکار قاطعانه درراه‌استقلال اقتصادی تانزانیا خوانده است . به گفتهٔ **"جولیوس نیرره"** ، صدرحزب ، هدف"حزب انقلاب" تانزانیاایجاد **"جامعه‌ایست ، که همهٔ افراد آن برابرحقوقند ."**

اکنون ۲۰ درصد بزرگسالان تانزانیا در "حزب انقلاب" ویا یکی ازسازمانهای توده‌ای وابسته به آن عضویت دارند . ازجمله این سازمان‌های توده‌ای عبارتند از: "فدراسیون تعاونی‌ها" ("واشیریکا") "سازمان زنان" ، "سازمان پدران و مادران" ("وازازی") و "اتحادیهٔ کارگران و کارمندان" ("جوواتا") .

گوشه‌ای از اوضاع کنونی تانزانیا

ارتجاع داخلی وخارجی‌تانزانیا در دوران گذشته، با بهره‌برداری از وضع اقتصادی‌ـ مالی دشوار تانزانیا، هرچه بیشتر به حمله به مشی‌اجتماعی ـ اقتصادی این کشور دست زده‌اند . اما علت اصلی این دشواریها را باید درتاثیر بحران اقتصادی سرمایه‌داری جهانی براقتصاد تانزانیا جستجوکرد.

چنانکه **"جمال"** ، وزیر دارایی تانزانیا، درجریان بحث دربارهٔ بودجه ۱۹۸۱/۸۲ در پارلمان اظهار داشت ، کسری بودجه سال۱۹۸۰/۸۱ بیش از یک میلیارد شیلینگ بیشتر از سال پیشین بود . به‌گفتهٔ او، دولت تانزانیا عمدا بر"بقای اقتصادی‌تاکید می‌ورزد" . هزینهٔ پروژه‌های‌عمرانی از ۴۳ درصد درسال ۱۹۸۰/۸۱ به ۳۵ درصد درسال ۱۹۸۱/۸۲ کاهش یافته‌است . انتظارمیرود که نرخ تورم به بیش از ۲۱ درصد برسد . درحالی که درسال ۱۹۷۲ تانزانیا ۱۰ درصد درآمد ارزی خود را برای وارد کردن نفت بکارمیبرد ، این درصد درسال آینده به ۶۰ افزایش خواهد یافت . درسال گذشته، بعلت نامساعدبودن هوا ، دولت تانزانیا درحدود ۷۰۰ میلیون شیلینگ صرف خرید مواد غذایی ازخارج کرد .

"نیرره" ، رئیس جمهور تانزانیا ، درسخنرانی در "روز دهقان" در تابستان ۱۳۶۰ (ژوئیهٔ ۱۹۸۱)! از مودم آن کشور خواست ، تا ازهر گونه کوششی برای‌چیره‌شدن بر دشواریهای کنونی دریغ نورزند . وی به آنها هشدار داد که فریب شایعه پراکنی را نخورند . **"نیرره"** تاکید کرد که دولت او با قاطعیت به مقابله باکسانی خواهد پرداخت، که در راه پیشرفت تانزانیا سنگ بیاندازند . رئیس جمهور تانزانیا فاش ساخت که "صندوق بین‌المللی پول" اعطای ۲۸۰ میلیون دلار اعتبار به تانزانیا رامشروط به‌کاهش دادن ارزش شیلینگ، انحلال‌اداره نظارت برقیمت‌ها و اعتمادبیشتر به "نیروهای بازار" کرده است . **"نیرره"** گفت که به این **"پیشنهادهای احمقانه"** وقعی گذاشته نخواهد شد . زیرا که هدف آنها **"رواداشتن ستم بر نداران"** است .

تانزانیا مي‌خواهد ، بجای آن، درچارچوب "برنامهٔ ملی نوسازی" تا پایان سال ۱۹۸۲ تولیدفرآورده‌های کشاورزی را برای صدور افزایش دهد و صادرات خود را به ۶میلیارد شیلینگ برساند . به گفتهٔ **"نیرره"** تانزانیا امیدوار است که ۶میلیارد شیلینگ دیگر از منابع خارجی دریافت دارد و بدینسان **"حداقل نیازمندیهای خود را برای سال آینده(۱۹۸۲)"** بدست آورد .

رئیس جمهور تانزانیا اعلام‌داشت که، ازطریق سیستم‌جدید قیمت گذاری، دهقانان خرده‌پا به افزایش تولید موادخوراکی ، چون‌ذرت و ارزن، تشویق خواهند شد . وی هشدار داد که نباید بیش ازاندازه تولیدکنندگانی خصوصی را ترغیب کرد ، ولی یادآور گردید که دولت او اشکال سرمایه‌داری خصوصی را ممنوع نخواهد ساخت .

"علی کیگو ما مالیما" ، یکی از مسئولان بلندپایهٔ وزارت اقتصاد و برنامه‌ریزی، درمصاحبه‌ای با روزنامه تانزانیایی "دیلی نیوز" ، گفت که درآینده به گسترهٔ تولیدی اقتصاد اولویت داده خواهد شد .

بگفتهٔ **"مالیما"** دولت قصد دارد که منابع مالی خود را بطور برابر دراختیار تولیدکنندگان محصولات کشاورزی صادراتی و موادغذایی قراردهد .

قراراست که ، ازیکسو، دهقانان بهای بیشتری درازای محصولات خود دریافت دارند و ، ازسوی دیگر، در دوران برداشت محصول از امکانات بهتری در زمینهٔ ترابری بهره‌مند شوند . ازجمله دیگر برنامه های دولت در گستره کشاورزی عبارتست از: توجه بیشتر به"روستاهای کارگروهی" ، تقسیم کشور به مناطق گوناگون برحسب شرایط جوی و حاصلخیزی زمین، گسترش‌شبکه‌های آبرسانی و مبارزه کارآتربا خشکسالی .

سیاست‌خارجی

دولت تانزانیا از سیاست عدم تعهد پیروی میکند . این‌کشور در"سازمان ملل متحد" و "سازمان وحدت آفریقا" عضویت دارد وعضو وابسته "جامعهٔ‌اقتصادی اروپا" است . تانزانیا خواهان ازمیان رفتن بازمانده‌های نظام استعماری امپریالیسم است و با سیاست نژاد پرستی آفریقای جنوبی مبارزه میکند .

جهادسازندگی...

بقیه‌ازصفحه ۱

از دولت خواستندکه "جهادسازندگی" رابعنوان "مجری‌سیاست‌های جمهوری اسلامی" در روستاها و مناطق عشایری تقویت‌نماید ، بودجهٔ آنرا افزایش‌دهد وامکانات‌ارگان‌های دیگر باهمین‌وظایف رابه "جهادسازندگی" انتقال دهد .

در قطعنامه ، در موردمسئله‌اساسی زمین آمده‌بود :

" ۹ـخط مشی‌اقتصادی جهاد سازندگی تابعی ازسیاست‌های دولت جمهوری‌اسلامی‌است ، لذا انتظارداریم دولت‌هرچه‌سریعتر‌تکلیف‌نظام‌اقتصادی جامعه رابخصوص دربخش کشاورزی مشخص‌نموده و ازآنجا که برنامه‌ریزی و توزیع عادلانه خدمات در روستاها مستلزم حل اصولي مسئلهٔ زمین است ، ازمجلس‌شورای‌اسلامی خواستاریم لوایح مناسب رابا استفاده از حکم تفویضی‌امام تصویب‌نماید . " (اطلاعات ، ۳بهمن ۶۰)

تاریخ کوتاه ،ولی پربار جهاد سازندگی" با تاریخ انقلاب اسلامی ایران ،پیوند ناگسستنی‌دارد .این‌نهاد انقلابی ومردمی نیز ، مانند " سپاه پاسداران‌انقلاب‌اسلامی " ،از بطن انقلاب متولد شد و درخدمت‌به‌انقلاب رشدکرد وهمچون سپاه ودیگرنهادهای انقلابی ،محبت واعتماد مردم را برانگیخت و در قلوب آنهاجای گرفت .

ازبدو پیروزی‌انقلاب ،گروهی از مسلمانان‌جوان پرشور و انقلابی ،که صمیمانه‌به‌خط امام‌خمینی معتقدبودند ، راه‌روستاها را در پیش‌گرفتند وبا تحمل مشقات فراوان ،خبر انقلاب وآزادی‌رابه روستاهای دورافتاده‌وستم دیده‌بردند ، برای‌دهقانان‌محروم و زجرکشیده‌برق و راه‌کشیدند ،چاه‌زدند ،حمام‌وغسالخانه درست‌کردند ،افسانه‌بودن"ابدیت‌جورو ستم بزرگ‌مالک" را برای آنها توضیح دادند وضرورت مبارزه‌برای شکستن طلسم این افسانه را یادآورشدند .

جنگ که آغاز شد ،جهادگران به جبهه‌های جنگ عازم‌شدند ،راه‌کشیدند‌ه سنگرساختند وبسیاری از آنها‌به‌خاک و خون‌غلطیدند ،ولی‌از راه‌محرومان‌قدمی پس‌نکشیدند‌و. . .

"جهادسازندگی "اکنون درمیان روستاهای سراسر کشور نامی آشنا و نیک است .برای دهقان‌زحمتکش نام "جهاد" مفهوم مشکل‌گشائی ،همدردی‌ویاری‌دارد. بیهوده‌نیست که‌رئیس‌مجلس در ملاقات خود با اعضای شوراهای مرکزی "جهاد سازندگی " استان‌های سراسرکشورگفت :

"ما فکر میکنیم که شما باید به خدمتتان‌بیفزائید‌ودولت‌هم بایدبیشتر ازگذشته‌به‌شماامکانات‌بدهد ،زیرا همهٔ روستاهای محروم وجنگ‌زدگان‌درانتظار شماهستند وبعد از جنگ‌بازسازی‌مناطق جنگ‌زده را شماباید بعهده‌بگیرید و با یاری‌ملت در اسرع وقت‌در سازندگی‌آن مناطق‌تلاش‌کنید ."(کیهان ـ ۴ بهمن ۶۰)

رئیس مجلس شورای‌اسلامی در همین‌ملاقات گفت :

"هنوز انقلاب حداقل ده‌سال به کارنیروهای‌مردمی خالص وبدون پیچ و خم‌های فکری و اداری نیاز دارد و چه بهتر از اینکه شمابا این‌همه‌تجربه‌مانند گذشته‌وحتی بیش‌ازپیش‌دا‌وطلب این‌کار باشید و در فکر جذب نیروهای‌جدید باشید . . . کسی‌که حضورش آنقدر ضروری است و بدون هیچ توقع و پاداشتی برای رضای خدا کارمیکند ، نباید نگران‌آینده این نهاد باشد . "

اما ،علیرغم این تاکید روشن برنقش پراهمیت "جهادسازندگی" و ضرورت حضور هرچه‌فعال‌تر آن در مناطق محروم‌کشور ،نگرانی معینی نسبت‌به‌آیندهٔ این نهاد انقلابی و مردمی ،در میان‌شرکت‌کنندگان در سمینار اخیر "جهاد سازندگی" وجود داشت .این‌نگرانی بارها، توسط مسئولین "جهادسازندگی" ،در دیدار بامقامات‌جمهوری‌اسلامی‌ایران مطرح گردید .سئوالاتی از قبیل" برادران میخواهند بدانند آیندهٔ جهادچگونه خواهدبود ؟" وپاسخهائی از قبیل "به عقیدهٔ من (نخست‌وزیر) در جمهوری اسلامی هیچ‌نهادی‌منحل‌نخواهدشد " یا "زمانی میتوانیم از "مرگ جهاد" سخن‌بگوئیم که‌نیازها درجامعه از بین رفته‌باشد " (نخست‌وزیر ، ،کیهان ۴ بهمن ۶۰) ،هرچند تاکیدی بر وجود ودوام "جهادسازندگی" ،بعنوان یک نهادهم‌مردمی و هم‌انقلابی‌بود ، اما خود طرح‌سئوالات‌راجع به‌وجودیاعدم وجود "جهاد "واشارات‌متعدد درباره احتمال "انحلال" یا عدم "انحلال" "جهادسازندگی" ،نگرانی‌ها را موجه می‌ساخت .

بیشک مسئلهٔ هماهنگی میان فعالیت‌های "جهادسازندگی" و دیگر ارگان‌های جمهوری‌اسلامی‌ایران در روستاها ،مسئلهٔ مهمی‌است .اما این هماهنگی باید درجهت صحیح ، در جهت منافع مردم محروم ،در جهت قانونی وانقلابی وبراساس‌تفاهم اکید میان‌ارگان‌هاانجام‌پذیرد .

خدمات "جهادسازندگی"فراموش نشدنی‌است .این‌خدمات باید ادامه یابد .میلیونها دهقان و روستائی محروم‌وجنگ‌زده به آن نیازدارند . "جهادسازندگی" و وزارت کشاورزی باید براساس منافع این‌تودهٔ زحمت‌کش، برنامه‌های خودراهماهنگ سازند وبراساس تفاهم ،نیروهای‌خودرا روی هم بریزند ،ویرانی‌ها رابازسازی‌کنند وجوروستم را از صحنهٔ روستاهای‌کشور حذف نمایند .

حل عادلانه‌وانقلابی مسئلهٔ زمین ،که‌هم‌خواست‌میلیونها دهقان بی زمین‌وکم‌زمین ،هم‌خواست‌مسئولین "جهادسازندگی" وهم‌خواست‌مسئولین وزارت‌کشاورزی‌است ،یکدنیا کار در روستاهای کشور برای افزایش باروری زمین ،کمک‌به‌بهبود وضع دهقانان و افزایش‌میزان‌محصول‌و. . .پدیدخواهد آورد .این‌کارعظیم رابابد باهمیاری ، همکاری ودلسوزی انجام‌داد .

موفقیت بیش‌ازپیش"جهاد سازندگی"را درخدمت به‌محرومان و زحمتکشان ،بویژه در روستاها ،آرزومندیم .

تفسیروقایع...

بقیه‌ازصفحه ۵

درمذاکرات هیگ وگرومیکو، دخالت آمریکا درامور داخلی لهستان قاطعانه رد شد

از همان نخستین روزهائی که ریگان به‌حکومت رسید ،اعلام کرد که مسابقهٔ تسلیحاتی را باشدت ادامه خواهد داد . برنامه دولت‌ریگان در مورد موشک‌نشانی در اروپای غربی ، تولید بمب‌نوترونی واظهارات بدون مسئولیت اعضای دولت او دربارهٔ امکان "جنگ محدودهسته‌ای"وغیره، موجی ازاعتراض ونفرت در سراسر جهان وبه‌ویژه دراروپا برانگیخت . ریگان ودارو دسته‌اش ،که از همه سو در زیر فشار توده‌های مردم قرارگرفته بودند ،حاضر شدند مذاکره با اتحاد شوروی را بر سرمسئله‌کاهش‌تسلیحات هسته‌ای آغازکنند ، لیکن از همان ابتدامعلوم بودکه در پشت پرده این مذاکرات ،هدف‌های دیگری را دنبال میکنند ونشستن آنها برسرمیزمذاکره تنهابرای فریب‌افکار عمومی وادامهٔ سیاستهای خویش‌است . دیدارآندره گرومیکو وزیر امور خارجه شوروی با هیگ‌وزیرامورخارجه‌امریکادر ژنو بایستی‌به بحث دربارهٔاین‌مسئله مهم‌اختصاص‌می‌یافت .

لازم به‌ذکر نیست که جلوگیری ازیک جنگ‌هسته‌ای ،که‌میتواند‌تمدن بشری را به‌نابودی بکشاند ، از چه اهمیت بزرگی برخوردار است .آندره گرومیکو قبل ازعزیمت به ژنو اعلام کردکه دولت شوروی‌آماده‌است‌درباره تمام‌مسائل مربوط به‌جلوگیری ازجنگ با دولت ایالات‌متحده امریکا وارد مذاکره‌جدی‌شود .تلاش‌ناشیانه هیگ برای واردکردن "مسئلهٔ‌لهستان" در دستور روز مذاکره ،چنانکه انتظارمی رفت ،باواکنش قاطع وصریح گرومیکو مواجه‌شد .آندره‌گرومیکو بحث در پیرامون مسائل داخلی لهستان را مداخله دراموریک کشورمستقل نامید و آنراقاطعانه‌ردکرد .هیگ برای مذاکرهٔ جدی به‌ژنو نیامده‌بود و بالنتیجه مذاکرات به‌اتخاذ هیچ‌تصمیمی که‌برفع خطر جنگ وکاهش‌مسابقه تسلیحاتی کمک‌کند نیانجامید .هیگ‌حتی‌ازتعیین موعد برای ازسر گیری گفتگو دربارهٔ محدودکردن سلاح‌های هسته‌ای طفره رفت .

آندره‌گرومیکو سپس درمصاحبه‌ای گفت که واشنگتون با ارتباط دادن دومسئله‌ایکه به‌هیچ‌وجه باهم ربطی ندارند ، یعنی محدودساختن‌تسلیحات هسته‌ای وحوادث‌لهستان ، مسئولیت کامل‌پیامدهای سیاست‌خودرا بعهده میگیرد .وزیرخارجه شوروی افزود که ایالات‌متحده امریکا باید ازمداخله‌در اموراخلی جمهوری‌خلق لهستان ،که مدتهاست باشکال‌گوناگون صورت‌می‌گیرد ،بکلی دست بردارد .

بدینسان امپریالیسم امریکا ،که مداخلات توطئه‌گرانه‌اش‌در لهستان باشکست روبرو شده ،برای تبدیل حوادث لهستان به یک "مسئلهٔ‌بین‌المللی" و درنتیجه توجیه‌دخالت‌خود نیز باشکست روبرو شد .

لایحه قانونی ...

بقیه از صفحه ۹

آراء هیئت حل اختلاف وشورایعالی کار درموارد مربوطه، که در هر دوی آنها نمایندگان کارفرمایان نیز حضوردارند، وهمچنین "**ممانعت ازارسال گزارش وسیله شورا . . . برای . . . واحد کارو امور اجتماعی**" ونظائرآن، جزء این تخلف ها بشمارآمده است.

وبالاخره، اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی، که دولت ایران نیز آن را پذیرفته و خودرا موظف به اجرای آن میداند، حاکیست که:

" **دولت‌هانباید از طریق قوانین و درعمل درمقابل روندوحدت سندیکائی، درهرسطحی که زحمتکشان مایل باشند، مانع ایجادکنند.** "

آن وقت وزارت کارو اموراجتماعی، تحت عنوان "تدوین آئین نامه واساس‌نامه‌های شورائی"، نه فقط تشکیلاتی را که بنظر مسئولین وزارت کار مفیداست، بجای سندیکا و شورا به کارگران وزحمت‌کشان تحمیل میکند، بلکه رسما اعلام میدارد ومینویسدکه:

"**درواحدهائیکه شورا تشکیل میشود، جمعیت‌های صنفی دیگررسمیت نخواهد داشت.**" (ماده ۳۶) "آئین‌نامه شورای اسلامی کارکنان واحد های تولیدی ــ صنعتی ــ کشاورزی وخدماتی" وماده ۲۸ "آئین‌نامه شورای اسلامی کارکنان صنوف").

ما دیگر به ماده ۱۴ "لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی" بنی صدری اشاره نمیکنیم، که برحق قانونی زحمت‌کشان بزرگترین وسابقه‌دارترین رشته‌های صنعتی کشور، نظیر صنایع نفت، فولاد، مس و . . . یک قلم خط بطلان کشیده وتشکیل شوراهای آنهارا" **منوط به تصویب هیئت وزیران**" دانسته است!

ضرورت لغو قوانین وآئین نامه‌های ناقض حقوق صنفی وشورایی کارگران و تصویب واجرای قانون کارانقلابی

باتوضیحاتی که دادیم، آیا میتوان گفت که لایحه قانونی بنی صدری شورای انقلاب وآئین نامه‌ها واساسنامه‌هائی که به استناد آن تنظیم شده، مورد قبول و موافقت زحمتکشان است؟

پاسخ این سئوال روشن است مقررات وآئین نامه‌هائی که اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران واعلامیه جهانی حقوق سندیکائی کارگران را نقض میکند وزیر پا میگذارد، نمیتوانــد موردقبول کارگران وزحمتکشان باشد.

کارگران وزحمتکشان ایران پابرجاترین نیروی انقلاب بزرگ اسلامی ضد امپریالیستی ومردمی ایران هستند. کارگران باتمام نیرو و ابراز حداعلای فداکاری، از انقلاب وتعمیق و گسترش آن دفاع میکنند. بهمین جهت آن ها مصرانه خواهان شناسائی ورعایت حقوق صنفی وشورائی خود هستند.

ولی کارگران وزحمتکشان ایران متاسفانه ناظرآن هستند که برفعالیت‌های وزارت کار واموراجتماعی، صرفنظر ازنیات مسئولین آن، همان معیارها و برداشت‌های زمان طاغوت، که محروم داشتن کارگران ازاستفاده ازحق تشکل آزاد ومستقل صنفی را وظیفه خود میدانست وبخود اجازه میداد که در تشکل‌های صنفی دخالت کندوحتی برای کارگران سندیکا بسازد، حاکم است. گوئی اصولا انقلابی نشده ورژیم طاغوتی سرنگون نگشته است. والا پذیرفتنی وباور کردنی نیست که، وزارت کار و امور اجتماعی دوران پیروزی انقلاب به خود اجازه دهد که آشکاراوگاه پنهانی حقوق صنفی وشورائی کارگران رازیرپابگذارد. وزارت کارواموراجتماعی باجرای قوانین وآئین نامه‌هائی پرداخته، که ناقض اصول قانون اساسی ودیگرحقوق شناخته شده تشکل‌های کارگری است.

کارگران وزحمتکشان ایران، با مراجعات مکرر به وزارت کار و امور اجتماعی، شناسائی حقوق صنفی وشورائی خودرا، چنانکه درقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منعکس است، خواستار شده‌اند. آنها بدفعات ضرورت تهیه لایحه قانون انقلابی کار را، با شرکت نمایندگان کارگران، به مسئولین متذکر شده‌اند، ولی متاسفانه طی سه سال پس از پیروزی انقلاب، هنوز نتیجه‌ای به دست نیاورده‌اند.

قانون مترقی وانقلابی جدیدکار باید بیانگر پیروزی انقلابی باشد که، به گفته **امام خمینی**، به مستضعفین نظر دارد. قانون جدیدکار باید بازتاب حقوق اعطائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف، بویژه حقوق صنفی وشورائی، بکارگران و زحمتکشان باشد.

اکنون که **امام خمینی**، رهبر انقلاب وبنیانگذارجمهوری اسلامی ایران، با اعتماد به مجلس شورای اسلامی، اختیارات لازم را برای وضع قوانین بسود زحمتکشان به آن تفویض کرده‌اند، امید است که مجلس شورای اسلامی تنظیم وتصویب قانون انقلابی کار را در دستور کارخود قرار دهد. این قانون بایدهم بر تامین استقلال وآزادی تشکل‌های صنفی طبقه کارگر مبتنی باشد، وهم پیوند انقلابی بین طبقه کارگر وحاکمیت انقلابی را بسود استواری جمهوری اسلامی ایران، پیروزی کامل انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ونیل به هدفهای استقلال طلبانه، آزادیخواهانه وپیشرفت اجتماعی ــ اقتصادی جامعه انقلابی ایران تحکیم کند.

کارگران وزحمتکشان ایران انتظار دارندکه دولت ومسئولین صدیق و انقلابی وزارت کار واموراجتماعی از بذل کمک ومساعدت به تدوین وتصویب قانون انقلابی کار، با یاری گرفتن از خود کارگران، دریغ نکنند.

کارگران وزحمتکشان ایران برای تصویب قانون انقلابی کاروتحقق حقوق صنفی وشورائی خود، با تکیه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ــ که این حقوق رابرسمیت شناخته است ــ به مبارزه ادامه خواهند داد.

خبرخوش...

بقیه از صفحه ۱

امام خمینی رهبر انقلاب وبنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران از "**مستضعفین**" گفتندواز "**عید**" آنهاکه باید بیاید. رئیس جمهورخامنه‌ای، برای جوانان "جهادسازندگی" توضیح دادکه چقدرامام خمینی به ظلم فئودال هاواقف است وچگونه خواهان رفع ستم از دهقانان ستمکش است. رئیس جمهور ازاصلاحات ارضی به مثابه یک "**فریضه حتمی**" صحبت کردوگفت که اگر انجام نشود، یکی از پایه‌های انقلاب و جمهوری اسلامی سست خواهد شد. رئیس مجلس ازضرورت پرداختن به مسئله وحل آن سخن گفت.

وبااین سخنان، فضای میهن ما، به‌ویژه در دهات، که سخت نسبت به این موضعگیری‌ها حساس است، جان تازه ای گرفت. همه، دراین اظهارات، علامت خوشی ونویدجانبخشی را پس ازماه ها سکوت وسردی دیدند. و واقعا هم اندیشه گرمای تحولات ژرف بر سرمای زمستانی سه سال تاخیر در اجرای اصلاحات ارضی و دوسال تاخیردراجرای قانون مصوبه شورای انقلاب چیره شد. این اندیشه بیهوده نبود. بدنبال آن تحولی که "**اتحادمردم**" با امیدواری تعهدآوری از آن یادکرد، درواقع نیز پشت سرهم وقایعی روی داد، وقایعی که امیدواریم تا این نوشته به چاپخانه سپرده شود وحروف‌چینی و چاپ شودو انتشار یابد، باشتاب فزاینده‌ای تداوم منطقی خودرا پیداکند. صمیمانه امیدواریم که وقتی خوانندگان "**اتحادمردم**" این نوشته را میخوانند، اخبار آن "کهنه" شده باشد، یعنی باز هم تصمیمات تازه وتدابیر جدید وقاطع‌تری بدنبال آمده باشد، که ما فرصت انعکاس آنرانداشته‌ایم.

جمعه هفته گذشته، **آیت اله مشکینی** امام جمعه قم، که خودیکی از سه فقیه تائیدکننده قانون مصوبه شورای انقلاب است، درخطبه نماز مسئله آنهائی که صدهکتار و دویست هکتار زمین دارند (بزرگ مالکان) وآنهاکه در همسایگی اش، نفری نیم هکتاردارند (کم زمینها) ونقش ولایت فقیه راتوضیح داد وگفت:

"**این مسئله، اسم شریفش شد بند "ج"، بندجیمی که به‌داخل بند افتاده! این بند "ج" ما، که بندجیم شده است، معلوم نیست به‌این زودی ازمجلس شورای اسلامی نجات پیداکند. اگرتوانست ازآن مجلس خلاص شودوازآن دربهشت و کانال بهشت بتواند رد شود وذبح شرعی نشود، آنوقت مطلب درستی خواهدبود.**"

بدنبال این طرح مجدد وآشکار مسئله، دراین دونماز جمعه ودر سایر خطبه‌ها و منابر، درباره لزوم حل مسئله مالکیت زمین، روز دوشنبه ۵ بهمن ۶۰، نامه ۱۳۲ نماینده مجلس درپشتیبانی از سخنان **آیت اله مشکینی وحجت الاسلام هاشمی رفسنجانی** انتشار یافت. دراین نامه که عین آنرا زیب صفحات "**اتحادمردم**" میسازیم، گفته میشود:

"**سخنان امام جمعه موقت تهران مبنی برحل مشکل مالکیت و گسترش قسط اسلامی، به‌نفع مستضعفین، بر اساس موازین اسلامی و همچنین فرمایشات فقیه عالیقدر آیت اله مشکینی مبنی برحل زمین‌داری وتصویب بند "ج" قانون اصلاحات ارضی اسلامی مورد تائید وپشتیبانی اینجانبان نمایندگان مجلس شورای اسلامی میباشدوباصراحت یادآورمیشویم حل مشکل زمین یکی از فرائض مجلس بوده وآمادگی خود را برای مشارکت دراین حرکت اسلامی و مردمی اعلام میداریم.**"

۱۳۲ امضای زیر این نامه، موید حرکتی است که به‌اعلی‌ترین درجه دارای اهمیت انقلابی است. همه این واقعیات به یکدوران یورش بزرگ‌مالکان و اعوان وانصار آنان پایان میدهد و به رهنمودهای **امام خمینی** و یاران نزدیک وشاگردان وفادار او و پیروان صدیق خط امام تحققی شایسته وزنده میبخشد.

۱۳۲ نفر میتوانند همان هسته اصلی اکثریت قاطعی را در مجلس تشکیل دهند که، با تکیه به فرمان امام وبراساس احکام ثانویه هرگونه مانعی را بتوانندازپیش پابردارند.

اشاره آقای **هاشمی رفسنجانی** به اینکه دربعضی موارد بین مجلس وشورای نگهبان توافق نیست وضرورت حل این مشکل وجود داردو تکیه مکرر بعضی ازنمایندگان به اینکه مجلس هنوز نتوانسته است از فرمان امام و تفویض اختیارات استفاده لازم رابنماید، در حالیکه این امر کاملا ضرورت یافته است، وبالاخره اشاره روشن آقای **مشکینی**، نشان میدهدکه پیروان صدیق خط امام وانقلابیونیکه به رسالت‌های انقلاب وفادارند، نه تنها قانون اصلاحات ارضی ومضمون بند "ج" آن، یعنی واگذاری اراضی بزرگ مالکان به دهقانان بی‌زمین وکم زمین‌را، ازمجلس خواهند گذراند، بلکه نخواهند گذاشت که در وسط راه "**ذبح شرعی شود**"، یعنی به‌بهانه‌های مکتبی واستنادهای شرعی جلوی اساس مسئله که همانا، الغای بزرگ مالکی است، گرفته شود.

تصویب یک قانون مثله شده و نیم بند، قانونی که حق را به‌حق دار نرساند، قانونی که به‌این یا به‌آن شکل بزرگ‌مالکی رانگه‌دارد، قانونی که مرغوبترین زمینهارا در دست غارت‌گران متنفذ بگذارد وقطعات بی بار و سنگلاخ را به‌عده‌ای از دهقانان بدهد وخلاصه کلاه شرعی سر مردم بگذارد، قانونی نیست که شایسته انقلاب باشدو مسائل را واقعا حل کند وبه خواست‌های حقه میلیونها دهقان و ضرورت جامعه ماپاسخ‌گوید. میهن انقلابی ما نیاز به‌قانونی دارد که‌به‌هیچ صورتی "**ذبح شرعی**" نشود و یکی ازاهداف اصلی انقلاب اسلامی ایران، یعنی الغاء بزرگ مالکی و زمین‌دار کردن کلیه دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین‌را تحقق‌بخشد، تا راه برای سایر اقدامات بازشود. موضعگیری‌های مسئولترین‌مقامات، مسئول در برابر انقلاب و جامعه وتاریخ، نشان می‌دهد که‌میتوان امید داشت که‌چنین قانونی ازتصویب بگذرد وهرچه زودتر به‌مرحله عمل واجرا درآید.

درهمان روز دوشنبه پنجم بهمن ۶۰، این خبر مهم انتشار یافت که، در جلسه کمیسیون کشاورزی و عمران روستائی، باحضور معاون وزارت کشاورزی، تتمه طرح اصلاحات ارضی درشوراول تصویب و آماده تقدیم به‌مجلس شد. همه مردم انقلابی ماوهمه دهقانان به حق و با بی صبری منتظرند، تامتن طرح تصویب شده انتشاریابد وآنها بدانند که جمهوری اسلامی ایران وقوه مقننه آن چگونه بدستور **امام خمینی** "**عید**" را برای مستضعفان به‌ارمغان میآورد و چگونه مسئله مالکیت‌های بزرگ وزورگوئی‌ـ های فئودال‌هاوخوانین جای خودرا به نظام شایسته انقلاب می دهد و چگونه گفته رئیس جمهور، که تصویب این لایحه "**فریضه حتمی**" است، جامه عمل میپوشد وچگونه سخن **آیت الله مشکینی** که "**ولی امر باید متصدی مالکیت شود واموال را تقسیم کند و مانع از اضرار بشود**"، به‌تحقق می‌پیوندند. مردم ایران ودهقانان با دلی شاد وقلبی آکنده ازامید منتظر حل مثبت وسریع این مسئله هستند.

روز سه‌شنبه ششم بهمن ۶۰، سخنان وزیر کشاورزی انتشار یافت، که‌جادارد آنراهم، نه‌فقط برای ثبت درتاریخ وبرای قضاوت خوانندگان، بلکه برای نشان‌دادن جهتی که دولت‌مردان مسئول وعلاقمند به‌جمهوری و متعهددربرابر انقلاب درپیش گرفته‌اند عینا به جا ست برسانیم. وزیر کشاورزی گفت:

"**مسئله زمین، مسئله بسیار مهمی است. مسئله‌ای نیست که مسئله وزارت کشاورزی باشد. مسئله تمام جامعه ماست. . . مااجرای اصلاحات ارضی اسلامی را جزء اولین ماده برنامه نوزده‌گانه گنجانیدیم، چراکه معتقدیم تامسئله زمین ومالکیت زمین حل نشود برنامه‌ریزی روی کشاورزی با اشکالات مواجه‌میشود و دربعضی موارد ناممکن به‌نظر میرسد.**"

آقای **سلامتی** وزیرکشاورزی اضافه کرد:

"**بدلیل اهمیت مسئله، حضرت آیت اله‌مشکینی در نمازجمعه مجدد ا مسئله بند "ج" رامطرح کردندواحساس کردندکه‌شرایط مناسب‌تری مهیا شده است که‌این مسئله عنوان شود. ما با خوشحالی از عنوان حل چنین مسئله‌ای استقبال میکنیم و ازحضرت آیت اله مشکینی تشکرمیکنیم که با احساس مسئولیت بیشتری اجرای بند "ج" را عنوان‌کردند. خوشبختانه‌این مسئله درهیئت دولت منعکس شده وامیدواریم درآینده بسیار نزدیک با خبرهای بسیار خوش ومطلوبی دراین‌زمینه مواجه‌شویم.**"

اینک سخنها بار دیگرگفته شده ووعده‌هاتکرار گردیده وهمه‌مردم چشم انتظارند. آشکارا پس ازیکدوران فرود ونشیب مابامرحله تازه‌ای از اعتلا و فراز روبرو هستیم. تعرض متقابل نیروهای صدیق پیرو خط امام در این زمینه‌حساس وحیاتی، میرود تا به‌یکی ازنیازهای مبرم جامعه تحقق بخشد و درنتیجه پایه‌های جمهوری وانقلاب را مستحکم کند واین توصیه رئیس جمهور **خامنه‌ای** راعملی سازد که گفت: "**انقلاب بایدبه‌مردم چیزی بدهد**" و این توصیه آیت اله‌موسوی‌اردبیلی، رئیس دیوانعالی کشور، راعملی کند که گفت: "**نگذاریداین مستضعفان ازدست ما بروند.**"

برای رسیدن به‌این موقع وبرای دیدن این لحظه، نهادهای انقلابی، به ویژه "**جهادسازندگی**" و "**هیئت‌های هفت‌نفری**" و همچنین "**سپاه پاسداران**" دربسیاری نقاط سهم بزرگی داشته‌اند آنها بافعالیت وخواست مصرانه خویش، بادرک واقعیت‌های انقلاب و همراهی بادهقانان زحمتکش، به‌عنصر فعال وموثری در به‌کرسی نشستن این اصل اساسی بدل‌شدند.

وظیفه همه انقلابیون صدیق، همه‌کسانیکه نسبت به‌جمهوری وانقلاب درخودتعهد ومسئولیتی احساس می‌کنند، آنست که به‌تائید وتقویت این خط برخیزند. همانگونه که‌نمایندگان مجلس از **آیت اله‌مشکینی و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی** حمایت کردند، همانطورکه‌نهادها ازنمایندگان برجسته خط امام حمایت کردند و نمایندگان مجلس را دل‌قوی‌کردند، لازمست که همه دهقانان آگاه وحق‌طلب وهمه انقلابیون صدیق دراطراف واکناف کشور به‌میدان حمایت از این خط بیایند وبا طومار ونامه و امضا و مراجعه به‌مقامات وبه‌مجلس وبه‌ائمه جمعه وبه‌مراجع روحانی وکشوری، خواست مصرانه وپیگیر خود را در اجرای اصلاحات ارضی بنیادی، بدون آنکه نیم بندومثله‌شود، بدون آنکه "ذبح‌شرعی" شود و در اسرع اوقات، بدون آنکه بازهم به‌تاخیر افتد و دستخوش دسایس وتوطئه‌های "شیاطین" شود، اعلام دارند.

دربرابر نیروی اربابان وحامیان آنها، که‌عملا برخلاف خط انقلاب و تعمیق آن‌عمل میکنند، باید نیروی اجتماعی نیرومندی به‌حرکت درآید. هرفردانقلابی باید خودرا دراین‌کار‌ زارسهیم بداند وباحمایت ازموضع‌گیری‌های آقایان **خامنه‌ای وهاشمی و مشکینی وسلامتی** وازنامه جمعی ۱۳۲ نفر نماینده مجلس، نقش خودرا در پیش‌برد این‌گام تاریخی و این‌حرکت آینده ساز ایفاکند. بازهم امیدواریم تااین‌مقاله چاپ شود وبه رویت خوانندگان "**اتحادمردم**" برسد، بسیاری از رویدادهای مثبت و خبر‌های بسیار خوش ومطلوب، اخبارآنرا "کهنه" وناقص‌کرده‌باشد. به‌ویژه اگر همه‌انقلابیون دست‌بکارشوند و در اعلام‌حمایت وجلب پشتیبانی توده‌های دهقانان وانعکاس آن فعالانه بکوشند، آن "**آینده بسیار نزدیک**"، که‌وزیر کشاورزی قول‌داده‌است، هر چه زودتر فراخواهد رسید.



صنایع سنگین...

بقیه از صفحه ۱

استقلال ملی و پیشرفت اقتصادی چگونه مسخ و مخدوش ترسیم می شد و، در مقابل، کوره راههای منتهی به بن بست رکود و ورشکستگی همچون "شاه" راه شکوفائی اقتصادی در برابر مردم ما قرار می گرفت. رژیم خائن پهلوی بنا به سرشت خود، که همانا ایجاد بهترین شرایط برای غارتگری امپریالیسم و در راس آن آمریکا بود، ازیک سو با ریختن ثروت‌های ملی، بویژه نفت، بکام امپریالیست‌ها هم نقش دلالی خود برای آنان و سیرابی انحصارات غارتگر سرمایه‌داری را ایفا می کرد، هم بگونه‌ای دیوانه‌وار درجهت نظامی کردن همه شئون کشور، از جمله اقتصاد، چهارنعل می تاخت. از سوی دیگر شاه ملعون می کوشید، تا ایران را به بهشت سرمایه‌گذاران خارجی و در واقع به سفره گسترده‌ای تبدیل کند که با طبخ انواع اغذیه دلپذیر از کیسه توده‌های مردم و با نیروی کار خود مردم محروم، جهان بحران زده امپریالیستی را تامین کند. بااین منظور "اصلاحات شاهانه!" راه را برای تزریق سرمایه های امپریالیستی به اقصی نقاط میهن ما باز کرد. صنایع مونتاژ قارچوار عرصه های گوناگون را اشغال کردند، تا با بهره‌گیری از نیروی کار ارزان و تسهیلات گمرکی و مواد نیم ساخته رایگان، گاوصندوق های انحصارات را پرکنند و ضمن غارت منابع طبیعی واستثمار لجام گسیخته زحمتکشان ایران، بر بازارهای فروش خویش بیافزایند. دراین رهگذر اقتصاد بحران زده میهن ما، اعم از صنعت و کشاورزی، درآستانه نابودی قرار گرفت. "تمدن بزرگ شاهانه!" دقیقا چنین مضمونی داشت.

در برابر چنین سیاست خائنانه‌ای بودکه توده‌های محروم به مبارزه برخاستند ورژیم ناگزیر شد، ضمن سرکوب بی امان آرمان‌های استقلال طلبانه وعدالت جویانه زحمتکشان، با قلب واقعیت ها تصویرکاذبی از رونق و شکوفائی وضع اقتصادی ارائه دهد و با بوق وکرنا و بدروغ از پیشرفت همه جانبه سخن گوید و همه دستگاه های تبلیغاتی خویش را برای پخش این دروغ بمدد گیرد. اما، علیرغم عملکرد غارتگرانه و خائنانه نظام پیشین، ضرورت‌های رشد اقتصادی، این جا و آن جا، منجر به پیدائی بعضی جلوه‌های استقرار بنیادهای راستین اقتصادی می شد، و چنان که معلوم است، باخرابکاری های امپریالیست‌ها روبرومی گردید. از آن جمله است صنایع فولاد ایران، که همواره درمعرض سنگ اندازیها و اشکال تراشی های آنان قرار داشت.

خوشبختانه انقلاب اسلامی ایران اساس سیاست‌های شاهانه را در هم ریخت و زمینه ساز تجدید نظرهای اصولی درجهت نیل به استقلال واقعی شد. اما این بار نیز لیبرال‌ها با استدلال: "چون وابسته بوده‌ایم، ناچار باید وابسته بمانیم"، به هیاهو برخاستند. عوام فریبی های لیبرال‌ها در این جهت بسیار پندآموز و نمونه‌وار است. امیر انتظام، این جاسوس رسوای "سیا"، بعنوان سخنگوی دولت سازش "گام به گام" با امپریالیسم آمریکا، بکرات می گفت که:

پروسس ذوب آهن غیر اقتصادی وغیرمتداول "است!

وزیرکار وقت نیز این بزرگترین واحد کارگری کشور را تهدید به تعطیل می کرد. وزیر اقتصاد وقت نیز به هروسیله می کوشید، تا ذوب آهن را "فاقد ارزش" اعلام کند.

بنی صدر محل احداث ذوب آهن را "مطالعه نشده" و "غلط" اعلام کرد و دلیل آن را "ورود سنگ آهن از هندوستان" دانست! درحالی که، بنا به گفته "شورای کارکنان مرکزی ذوب آهن" این سنگ آهن از ناحیه یزد تامین می شود!

رئیس دولت موقت "گام به گام" نیز صنایع فولادرا زیانبخش میدانست.

این همه جنجال بدان سبب بودکه راه برای بازگرداندن آمریکا از پنجره هموار شود. دومین وزیرکارنیز، بجای تاکید برضرورت دگرگونی بنیادی در ساخت اقتصادی وبنیه صنعتی کشور، از "ایجاد تعاونی ها بوسیله دیپلمه های بیکار" سخن می گفت، تعاونی هائی که قاعدتاً می بایست سلول‌های صنایع آینده میهن ما بحساب آیند!

چنین استدلال می شد که گویا تکیه برصنایع سنگین و برنامه ریزی در این راستا ما را ناگزیر از آن خواهد کرد که دست وابستگی بسوی "قدرتهای بزرگ" درازکنیم و ازجهت سرمایه واعتبار، از نظر تکنولوژی وبرنامه‌ریزی و از جهت راه‌اندازی محتاج دیگران شویم، و این روند گویا معادل ریشه‌گیری وتثبیت وابستگی ها خواهد بود!

خوشبختانه، علیرغم شانتاژ طرفداران سرمایه‌داری بزرگ وابسته به امپریالیسم و باوجود کوهی ازمقاله ها و انبوهی ازنظرات انحرافی دراین زمینه، هم اکنون این گرایش مثبت در میان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران جای خودرا بازکرده است که، بایداولویت را به تقویت وگسترش صنایع سنگین داد. ازجمله، بگفته آقای هاشمی وزیرصنایع:

"بخش دولتی هم اکنون به سرمایه گذاری در امورتولیدی مشغول است و دربودجه سال آینده کشورتوجه خاصی به پروژه‌های صنعتی، ازجمله صنایع فولاد اهواز، مبارکه، ذوب آهن اصفهان، صنایع مس، پتروشیمی، ماشین سازی، تراکتورسازی، کشتی سازی و دیگر صنایع اساسی صورت گرفته و توسعه آنها در دستور قرارگرفته است".

وزیرصنایع همچنین می افزاید:

"دولت دربخش صنایع اصلی و اساسی سرمایه گذاری کافی می کند و همچنین درموردکارخانجات موجود نوسازی صورت می گیرد".

وزیر صنایع تاکید می کند که امکانات دولتی اختصاص داده شده به امرتوسعه صنایع سنگین عملا "حتی می تواند ازمبلغ پیش بینی شده دربودجه دولت افزون‌تر باشد"، به شرطی که در عمل رشد صنایع چنین ایجاب کند، و این که: "دست ما برای این گونه سرمایه گذاریها درصورت لزوم بازاست".

وسرانجام جان کلام دراینجاست که، بگفته وزیرصنایع:

"دولت صنایع اساسی و مادر را باید پایه‌گذاری کندوشرط لازم وکافی برای رسیدن به استقلال صنعتی پایه گذاری همین صنایع است".

تنها یک مقایسه ساده کافی است تا راهی راکه ازنظرات پیشین تا برخورد اصولی امروز پیموده شده، دربیابیم. وزیراسبق، که ازطرح "تعاونی های تولیدی" جانبداری می کرد، می گفت:

"عده‌ای ازافرادکه سرمایه جزئی دارند ودارای تخصص ومعلومات‌اند، ولی فاقد سرمایه هستند، بااینها بانک و دولت کمک می کنند و به آنها سرمایه می دهند تا بروند دنبال کارهای عمرانی وتولیدی و کشور را از وابستگی نجات دهند". واضافه می کردکه: "این تعاونی ها امکان بهره‌کشی انسان ازانسان را بطورکلی ازبین می برد!"

چنانکه ملاحظه می شود، دراین نظرکمترین جائی برای عنایت به صنایع مادر نیست.

تجربه انقلابی خوشبختانه توانسته است آثار این بدآموزی‌ها راتا حدودزیادی محوکند. ارزش طرح ایجاد وزارت صنایع سنگین در واقع بخاطر آن است که، علیرغم این چاه‌سازی‌ها، که خطرات مهلکی برای دورنمای استقلال اقتصادی ایران انقلابی دربرداشت، نشانگریک چرخش بنیادی دراین زمینه است.

می دانیم که امکانات موجود را باید حفظ کرد، جهات منفی را کنار گذاشت و بایک طرح همه جانبه دست به کاردگرگونی ساخت صنعت شد. دراین کارکشورهای دوست انقلاب، باکمک‌های بیدریغ وبی کمترین چشمداشت همواره درکنارما خواهند بود. اگرژاپن امپریالیست ازتکمیل طرح پتروشیمی، علیرغم تعهدقبلی خویش، به انواع وسایل سرباز می زند، امری که با شرکت مهندسین، کارشناسان وکارگران ایرانی می تواند به انجام رسد. نمونه طرح های موفقی که بوسیله کشورهای سوسیالیستی از سالها پیش درصنایع فولاد وماشین سازی ایران موجوداست، بهترین شاهد این مدعاست که دوستان انقلاب به گونه‌ای عملی، مفید و سازنده دست کمک بسوی انقلاب ما درازکرده‌اند.

خوشبختانه میهن ما ازنظر ذخایر معدنی غنی است. ثروت سرشار نفت، معادن آهن ومس و... بهترین وثیقه تامین اعتبار ومواد اولیه برای گسترش صنایع است. نیروی سازنده کارشناسان وکارگران ما نیزهرمشکلی را از پیش پای برخواهد داشت. به این ترتیب، امکانات بسیارمساعدی پیش روی ماست. حساسیت لحظه نیزایجاب می کند که شالوده اشتغال فزاینده وراستین ازاین طریق فراهم می آیدوبه نیازهای عمومی جامعه، هم از این جهت و هم از بابت تأمین رشداقتصادی کشور، پاسخ داده شود.

شکست توطئه‌های امپریالیسم و بر رأس آن آمریکا علیه انقلاب، بمیزان زیادی مرهون توفیق در این حرکت است.

«موراتوریوم» چیست؟

لئونید برژنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست وصدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، در بیست وششمین کنگره این حزب پیشنهاد کردکه درباره "موراتوریومی در زمینه استقرارموشک‌های هسته‌ای میان برد جدید، بین کشورهای "ناتو" و اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی" توافق به عمل آید.

این پیشنهاد دارای اهمیت فراوان برای تامین صلح در اروپاست، زیرا که انباشت اینگونه سلاح‌ها دراروپا ازسوی "ناتو"، وضع خطرناکی را در این قاره پدیدآورده است، که باید به آن پایان داد.

دراین زمینه "موراتوریوم" بمعنای آنست که موشکهای هسته‌ای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و "ناتو"، از جمله موشک‌های هسته‌ای، که ایالات متحده آمریکا به خط مقدم جبهه انتقال داده است، چه ازنظر کیفی و چه ازنظر کمی درسطح کنونی انجماد یابد. پیشنهاد اتحاد شوروی این است که این "موراتوریوم" همزمان با شروع مذاکرات آغاز شود و تا عقدقراردادی درباره تحدید ویاتقلیل این گونه جنگ‌افزارها ادامه یابد.

"موراتوریوم" (ازریشه لاتین "مورا" بمعنای تاخیر و تعویق) درزبان سیاسی ـ دیپلوماتیک، یعنی خودداری از فعالیتی معین و یاچشم پوشی از حقی مشخص برای مدتی محدود. "موراتوریوم" می تواند یکسویه ازجانب یک کشور اعلام گردد و یاآن که برپایه توافق کشورهای گوناگون پدیدآید. "موراتوریوم" وسیله سیاسی سودمندی است برای تسهیل مذاکرات درباره مسائل پیچیده.

واژه "موراتوریوم" همچنین در اقتصاد مالی بکاربرده می شودومنظور از آن تعویق وظیفه پرداخت بدهکاراست به مدتی معین و یامنع پرداخت. نمونه بارز این گونه "موراتوریوم"، "موراتوریوم هوور" بود، که در سال ۱۹۳۱ پرداخت همه دیون وغرامتهای بین المللی رابه مدت یک سال به تعویق انداخت.

"موراتوریوم" درسیاست تنها در زمینه خلع سلاح بکاربرده می شوداتحاد شوروی که درصحنه بین المللی فعال ترین هوادارخلع سلاح بوده وهست، تاکنون چندین پیشنهاد "موراتوریوم" ارائه داشته است. برای نمونه پیشنهاد "موراتوریوم" ۱۹۷۷ لئونید برژنف مبنی برخودداری موقت ازآزمایش‌های هسته‌ای برای هدف‌های مسالمت آمیز درسراسرجهان باواکنش مثبت گسترده روبرو گشت.

سرگذشت رزم ورنج خلق قهرمان فلسطین (۱۱)

فلسطین از ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۶

(۱۹۴۷-۱۹۴۰)



فلسطینی هائی که پس از اشغال اردوگاه [illegible] کوچ می کنند، ولی به مبارزه برای استقلال و آزادی خود ادامه می دهند.

پس از انتشار "کتاب سفید"، که بر بنیان آن مهاجرت یهودیان به فلسطین محدود می گردید*، اعراب ابتدا آنرا مردود شمردند، ولی دیری نپائید که در رای خویش تجدیدنظر کردند وآنرا بعنوان شالوده گره‌گشائی مسئله فلسطین پذیرا شدند. بدین سان، "کتاب سفید" "مرحله نوینی را در سیاست بریتانیا گشود.

در ۹ اسفند ماه ۱۳۱۸ (۲۸ ماه فوریه ۱۹۴۰) در فلسطین برای انتقال زمین "قانون" جدیدی وضع گردید، که این سرزمین رابه سه منطقه تقسیم میکرد:

۱ـ منطقه "الف" ـ این منطقه $64\frac{1}{4}$ درصد از زمین‌های فلسطین را دربر می گرفت. دراین پهنه فروش زمین به یهودیان به کلی ممنوع گردید. املاک یهودیان در منطقه بیش از ۲/۹ درصد همه مساحت آن نبود.

۲ـ منطقه "ب" ـ این منطقه ۳۱/۶ درصد از خاک فلسطین رامی پوشاند ویهودیان، پس از دریافت اجارنامه ویژه‌ای از نماینده بریتانیا می توانستند زمین خریداری کنند. یهودیان در این گستره ۷ درصد از زمین‌ها را در دست داشتند.

۳ـ منطقه "پ" ـ این منطقه ۵ درصد کل زمین‌های فلسطین را در برمی گرفت. یهودیان در این فراخنا می توانستند آزادانه زمین خریداری کنند. یهودیان در این منطقه مالک ۴۸/۹ درصد زمین‌ها بودند.

دگرگونی در سیاست بریتانیا بذر شورشگری وآشوب‌کاری را در بین صهیونیست‌ها افشاند. صهیونیست‌ها که تا ۱۳۱۸ (۱۹۳۹) بخاطر همخوانی منافعشان با منافع محافل حاکمه بریتانیا در خاور میانه و نیز برتری بی رقیب امپریالیسم بریتانیا درآن دوران، مناسبات نزدیک و دوستانه‌ای بااستعمارگران بریتانیائی داشتند، این قانون را "**خیانتی به دوستی سنتی بریتانیا با صهیونیسم**" به حساب آوردند. از این رو صهیونیستها اعتصابات ونمایش های خیابانی براه‌انداختند. وبه ویرانگری و وحشت‌آفرینی دست زدند وبه پلیس ونیروهای مرزی بریتانیا یورش آوردند.

سردمداران صهیونیسم، که پیش ازاین به استقبال فاشیسم هیتلری شتافته‌بودند، بخاطر برانگیختن موج توانمند یهود ستیزی و کوچاندن یهودیان، مناسبات نهفته‌ای بافاشیست‌های هیتلری برقرار ساختند. دراین باره "هاینتزهوهنه" روزنامه‌نگار آلمانی نوشت:

"صهیونیست‌ها استقرارفاشیسم را درآلمان نه به‌مثابه یک مصیبت ملی، بلکه بعنوان فرصتی تاریخی وبی مانند در وصول به هدف‌های صهیونیستی خویش می دیدند".

دراین زمان، نازی ها دامنه یهودستیزی را به‌مدد "کوره‌های آدم‌سوزی" و "گتوها" گسترش دادند. هزاران تن راهی "اردوگاه‌های کار اجباری" یا "اردوگاه‌های بازآموزی" شدند و از آنجا به فلسطین اعزام گردیدند.

"**هوهنه**" تاکید می کند که:

"دارو دسته صهیونیستی که از جانب "هاگانا" حمایت میشد وعامل مورداعتماد "آیشمن"، یعنی "پولکس" جزء دستگاه رهبری آن بود، باسیاست جدید بریتانیا در مسئله فلسطین مخالفت می ورزید".

این سازمان "شبکه‌ای از عمال مورداعتماد را در اروپا بوجود آورد که کارشان اعزام یهودیان از راه قاچاق، به فلسطین بود. دارودسته "گولومب"* در انجام این کار، در قبول مساعدت "اس‌اس‌ها" نیزوسوسه وتردید بخود راه نمی داد".

در اسفند ماه ۱۳۱۸ (ماه مارس ۱۹۳۹) پس از راه‌یافتن دوتن از نمایندگان موساد، "**پینو گینز برگ**" و "**موشه اوارباخ**"، به رایش هیتلر، نخستین دسته جوانان یهودی آلمان باقطار مخصوص نازی‌ها از برلین به وین رفت وازآنجا به همراه گروهی دیگر بسوی سواحل فلسطین رهسپار شد و نهانکارانه به درون کوچ‌نشین های پراکنده صهیونیستی رفت. یک آمار شماره مهاجران این سال را ۱۶۴۰۵ وآمار دیگری ۲۷۵۶۱ می داند. ولی به هرحال شمار یهودیان سکنی گزیده در فلسطین، در این زمان به ۴۴۵۴۷ تن رسید.

در این روند، صهیونیست ها برای پیشبرد سیاست خائنانه خود و کوچاندن یهودیان دست به هرتبه‌کاری می آلودند. انفجار کشتی "**پاتریا**" نمونه روشنگر آنست:

هنگامیکه کشتی "پاتریا" دربندر "حیفا" لنگر انداخت، مقامات بریتانیایی، در اجرای قانون جدید مهاجرت، اجازه پیاده شدن به سرنشینان کشتی را ندادند و گفتند که کشتی را باسرنشینانش به‌جزیره موریس خواهند برد. دراین موقع دستگاه اطلاعاتی صهیونیستی تصمیم گرفت که باجاری‌کردن "**افسانه خودکشی جمعی**" و "**ترجیح مرگ**" "**برجدایی از وطن**" برسر زبانها، کشتی را باکلیه سرنشینانش نابود کند، تا با این اقدام مرگبار "**روح‌صهیونیسم**" را فروزان سازد ومحدودیت مسافرت به‌فلسطین لغو گردد.

ادامه دارد

*** کتاب سفید وعده می داد که ظرف پنج سال، ۷۵ هزار تن یهودی وارد فلسطین خواهند شد.**

*** "الیاهوگولومب" ازفرماندهان "هاگانا" + + سازمانی است که رهبران "هاگانا" "برپاکرده‌اند.**

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

کوآنهمه توصیهٔ از درد برخاستهٔ امام که بفکر مستضعفین باشید؟

- رئیس مجلس: فرصت‌مناسبی است که ازحربه‌قطع نفت، که‌مهمترین حربه‌مسلمانان است، علیه‌دشمن که‌به‌ما جنگ‌ودندان نشان می‌دهد، استفاده‌کنیم.
- نمایندهٔ لارستان: خریدوفروش زمین‌شهری‌ممنوع‌می‌شود. اجرای‌مصوبات‌شورای انقلاب متوقف می‌شود. بند "ج" و "د"، که‌امضاء شدهٔ سه‌مجتهد‌مسلم برمبنای‌اعمال‌ولایت‌وبا استفاده‌ازعناوین‌ثانویه‌است، خلاف شرع‌خوانده‌می‌شود. گویا شرعیات‌تنها همان‌است‌که‌اینگونه‌حضرات‌استنباط می‌کنند.
- وزیرمسکن: اگرقانون اراضی شهری به‌تصویب‌نرسد، وامهارانمی‌توانیم‌پرداخت‌کنیم
- بودجه‌سال ۶۱، باتاکید بر برنامه‌ریزی‌درازمدت‌درمقابله‌با توطئه‌های آمریکا، تقدیم‌مجلس‌شد.
- نماینده‌تبریز: امیدوارم‌مجلس مصوباتی داشته‌باشدکه‌توده‌ها لمس کنندومشکلاتشان‌برطرف‌گردد.
- نمایندهٔ آمل: تاوقتی‌مردم درصحنه‌اند، هیچ‌خطری‌انقلاب‌راتهدیدنمی‌کند.

مجلس شورای‌اسلامی در هفتهٔ گذشته‌چهارجلسه‌علنی داشت. دراین جلسات، که طی آن‌از جمله‌بودجه‌سال ۶۱ ازسوی نخست وزیر تقدیم محلس شد، عده‌ای ازنمایندگان خواستار اجرای‌هرچه‌زودتر اصلاحات‌ارضی و بویژه بند "ج" و "د" آن، تصویب لایحه اراضی شهری و مقابلهٔ قاطع مسئولین با گرانی، تورم و احتکار ونیز اقدامات بنیادی دیگر به‌سود محرومین ومستضعفین‌جامعه شدند. دراین‌جلسات نخست‌وزیر، رئیس‌مجلس‌وچند تن‌دیگراز نمایندگان‌توطئه‌های‌آمریکاوصهیونیسم علیه‌خلق‌های منطقه وبخصوص ایران راتشریح‌نمودند وبر مقابله دراز مدت‌و برنامه‌ریزی‌شده با این‌دشمنان اصلی همهٔ محرومان بپاخاسته جهان تاکید کردند. دراین‌جلسات‌همچنین لایحهٔ همکاری‌های شرکت شیلات جمهوری اسلامی‌ایران با شرکت شیلات‌جمهوری دمکراتیک خلق کره به‌تصویب رسید.

اولین جلسهٔ علنی‌مجلس‌شورای اسلامی درهفتهٔ‌گذشته روز یکشنبه ۴ بهمن ۶۰، تشکیل‌شد. درسخنان‌قبل‌از دستور این حلسه، موسوی تبریزی نماینده مردم‌تبریز با اشاره به‌سخنان آیت‌الله‌مشکینی و طرح اصلاحات‌ارضی تائید‌شده از سوی ایشان و ۲ تن از روحانیون‌بزرگ، بر "شرعی" بودن بند "ج" اصلاحات‌ارضی تاکید کرد و خواستاراجرای‌رهنمودهای‌آیت‌اله مشکینی‌در "تمام‌ابعاد" آن‌شد.

ناطق بعدی جلسه منوچهرمتکی بود که، بااشاره به‌تحریکات وتوطئه‌های‌کشورهای‌مرتجع منطقه وو‌ابستگان به‌آمریکا، تاکید کرد:

"آمریکا و تمام وابستگانش در تلاشند تا به‌نوعی این را (انقلاب ایران و تجربه‌ناشی‌از آن) به‌فراموشی بسپارند وتضادی راکه مردمشان با حکومت‌هایشان پیداکرده‌اند، به‌تضاد های برون‌مرزی بکشند. ولی (آنها) باید بدنبال دلیل تضادها درماهیت حکومت‌هایشان بگردند."

حمایت ازسوریه نبردبا آمریکا

آنگاه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی‌رئیس محلس طی‌سخنانی‌در ارتباط با "وتوی‌ناجوانمردانه پیشنهاد تنبیه‌اسرائیل از طرف امریکا" گفت:

"این مسئله درکشورهای‌اسلامی حالت‌خاصی رابوجودآورده است. عداوت وخصومت عمیق امریکا مشخص شده‌است. کسانی که‌میخواهند با آمریکا باشند، در تنگنا قرار گرفته‌اند. آنطور مسئله‌واضح وروشن‌است‌که‌زبانی برای دفاع ازخود ندارند... جمعی‌ازسران کشورهای‌عرب‌مسلمان، و درمقدم‌آنان کشور قهرمان سوریه، به‌حق پیشنهاد می‌کنندکه دنیای‌عرب‌واسلام، امریکا رامجازات‌کند. فرصت‌مناسبی است‌که ازحربه قطع نفت، که مهمترین حربهٔ مسلمانان است، علیه دشمن که به ما جنگ‌ودندان نشان‌می‌دهد، استفاده کنیم."

رئیس محلس با اشاره به اینکه "عده‌ای از محافظه‌کاران خودخواه عرب‌می‌گویندبا آمریکا باید دوستانه رفتارکنیم" واینکه‌گروهی ازکشور های مرتجع اعلام‌کرده‌اندکه "درهیچ‌برنامه خشنی‌علیه‌اسرائیل وآمریکادر این مقطع تاریخی وارد نمیشویم"، گفت:

"(اینها) بنا دارند کشور قهرمان سوریه را، که‌پیشنهاد دهنده این پیشنهاد‌تاریخی‌است، منزوی‌کنند ما از پیشنهاد سوریه‌برای‌تشکیل‌مجمع عمومی سازمان‌ملل‌متحد استقبال‌می‌کنیم. و از مسئولان وزارت خارجه میخواهیم فعالانه دراین جریان‌شرکت کنند ونگذارندکشورهای‌مترقی مسلمان تنها بمانند."

تقدیم بودجه سال ۶۱ به مجلس

آنگاه مهندس میرحسین‌موسوی نخست‌وزیر لایحه بودجه سال ۶۱ را تقدیم‌مجلس کرد ودرباره آن مطالب مشروحی را به‌آگاهی نمایندگان‌رساند (اظهارات نخست وزیر هنگام تقدیم بودجه سال ۶۱، جداگانه در شماره آینده "اتحادمردم" مورد بحث قرار خواهدگرفت).

آنگاه مجلس به کارخود ادامه داد وچند اصلاحیه در لایحه "دیوان عدالت‌اداری" را به‌تصویب رساند. دستوربعدی مجلس ادامه بحث‌درباره شوردوم لایحه "دیوان‌محاسبات" بود، که‌پس‌از بحث و بررسی، تعدادی از مواد آن‌به‌تصویب رسید. همچنین رئیس مجلس اعلام‌کرد که بدلیل‌عدم شرکت گلزاده غفوری‌درجلسه‌ای که به آن‌دعوت‌شده‌بود، وی از نمایندگی مجلس مستعفی شناخته‌می‌شود.

دومین‌جلسه علنی مجلس‌شورای اسلامی درهفتهٔ‌گذشته، روز ۶بهمن ۶۰ تشکیل‌شد. اولین ناطق قبل‌از دستور این‌جلسه علمی نماینده لارستان‌بود. ناطق ضمن اشاره به‌سخنان‌امام‌خمینی که‌گفتند: "آنکه ازهمه‌بیشترمسئولیتش راایفاکرده‌است، ملت‌است"، درباره رهنمودهای رهبر انقلاب‌واهمیت آن درپیشبرد انقلاب سخن‌گفت. وی‌متذکر شد:

"...می نگریم زمانی که‌مسئولین وقت (دولت‌موقت) ازحملات امام‌به استکبارجهانی و آمریکای جنایتکار‌دل آزرده بودند وگله‌مند از اظهاراتش‌در مورد مسائل داخلی‌واختیارات‌خویش را دسته‌کاردبی‌تیغ می‌خواندند. همان زمان امت باتمام توان‌رهنمودهای‌امام راموبه‌مو اجرامی‌نمود".

ناطق‌آنگاه‌درموردفعالیت‌پیروان سازش باآمریکا گفت:

"وآنگاه که مسئولین سازشکار دست‌دوستی برژینسکی را به گرمی فشردند وبدینوسیله چراغ سبزی‌به امریکای‌جنایتکار نشان‌دادندامت‌یک‌نواخت به‌صدادرآمد و خشمگینانه زبان به‌اعتراض‌گشودوزمانیکه‌فرزندان بیدار وهشیار امت، خشم‌وقهرانقلابی ستمدیدگان را در تصرف‌لانه جاسوسی تجلی بخشیدند، امام اقدامی‌مثبتش خواند، ولی مسئولین‌وقت‌آنرا خلاف شئون انقلاب دیدند و امت دیگربار به‌دنبال امامش باحمایت‌یکپارچه‌وبی‌دریغ خویش انقلابی بزرگتر ازانقلاب اول آفرید و پرستیژ آمریکارا به‌اعتراف خودشان درهم شکست."

کوآنهمه توصیهٔ از درد برخاستهٔ امام؟

ناطق آنگاه ضمن اشاره به فعالیت‌های مثمر ثمر مسئولین‌درجهت خدمت به مستضعفین ومحرومان جامعه ازمشکلاتی سخن‌گفت‌که "ناشی‌از عدم درک صحیح برخی ازمسئولین وقت از واقعیت دردهای جامعه‌می‌باشد". وی دراین‌زمینه به‌مشکل‌زمین‌ومسکن اشاره کردوگفت:

"دراین‌باره‌چه‌کرده‌ایم؟ خرید وفروش زمین شهری‌ممنوع می‌شود. اجرای مصوبات شورای‌انقلاب‌متوقف میشود. بند"ج"و"د"که‌امضاء شده ۳مجتهد مسلم، برمبنای اعمال ولایت و با استفاده ازعناوین ثانویه است خلاف شرع خوانده‌میشود. گویا شرعیات تنها همان‌است که اینگونه‌حضرات‌استنباط میکنند و استنباطات منتظری ها و بهشتی‌ها و مشکینی‌ها، شرعیت‌ندارد و درنتیجه‌مشکل زمین دچار گرهی‌کور می شود که‌قشر مستضعف جامعه را نا‌امید‌وملاء ومترفین رادلگرم وگنج‌های نامشروع راازدست‌انداز عدالت بیمه میکند. در مسئله مسکن روز بروزمال‌الاجاره‌ها افزایش سرسام‌آورمی‌یابد و بدنبال‌شرشد تورم‌وفشار سنگین آن بر اقشار کم‌درآمد و تهیدست اجتماع، یعنی همانها که انقلاب کردند وتحمل این‌همه رنج را بخاطر اسلام و مصالح انقلاب میکنند و دم برنمی‌آورند. اما شمااى فقهای عزیز، ای‌دولت‌مردان، شما مسئولین‌محترم، شمانبایدچنین مصائبی را برای مستضعفین تحمل‌کنید پس‌ازتفویض ولایت‌امام به‌مجلس، چند لایحه‌براین‌مبنا تصویب گردیده؟ و در نهایت‌آیادرست‌است که امام با این تفویض هیچ‌اختیار جدیدی به مجلس نداده؟ وتنهاحق قانون‌گذاری را مجددا متذکر شده‌است؟ کوآن همه توصیهٔ از دردبرخاسته‌امام که به فکر مستضعفین باشید؟"

نماینده لارستان افزود: "از مسکن و زمین که بگذریم، مستضعفین با گرانی سرسام‌آور ارزاق چه‌کنند؟ اگر به‌میدان‌های خرید و فروش وبازارها سری‌بزنیم و ازنزدیک‌نتیجه عدم کنترل قیمت‌ها وعدم برخورد قاطع با محتکرین وگرانفروشها را لمس‌کنیم، به یقین‌که‌برخوردمان بامسائل به‌گونه ای دیگر خواهدبود... ودیگر تنها به بنیادمسکن‌ها و هیئت‌های ۷نفره و دادگاه‌های انقلاب حمله‌ورنمیشویم و مصادره‌ها را بطورکلی بی‌مراجعه به پرونده های مربوطه محکوم نمیکنیم. چرابرخی‌ازسروران عزیز آنگونه به مالکیت‌های‌بزرگ‌کنونی می‌نگرند، که گویادرحکومت‌نبی‌اکرم‌وازطریق‌شرعی بدست‌آمده وازاقدام‌انقلابی‌بر پایهٔ موازین‌شرعی با اعمال‌ولایت‌پیشگیری می‌کنند؟"

در پایان سخنان قبل ازدستور مجلس به‌ادامه‌بررسی لایحه "دیوان محاسبات" پرداخت و پس‌ازبحث در مورد پیشنهادهای مختلف نمایندگان مواد دیگری از این لایحه رابه‌تصویب رساند.

سومین‌جلسه علنی‌مجلس‌شورای اسلامی، که‌اختصاص‌به‌پاسخگوئی سئوالات نمایندگان ازسوی مسئولین کشور داشت، بعدازظهر همین روز تشکیل شد وطی آن بهزادنبوی وزیر مشاوردراموراجرائی، عسگراولادی‌وزیر بازرگانی و گنابادی وزیر مسکن به سئوالات‌نمایندگان پاسخ گفتند.

دراین‌جلسه‌صمد شجاعیان ضمن اینکه‌اصل سهمیه‌بندی کالاها را موردتائید وستایش قرار داد، درباره‌ٔ علت وجود کالاهای سهمیه‌بندی‌شده دربازار سیاه سئوال‌کرد.

بهزادنبوی در پاسخ، سیستم کوپنی‌کردن‌کالاها، نحوهٔ‌نظارت بر توزیع آنها وجزئیات این اموررا‌تشریح کرد. ولی به‌علت‌اینکه پاسخ‌قانع‌کننده نبود، سئوال‌به‌کمیسیون بررسی سئوالات ارجاع‌گشت.

آنگاه‌سئوال قهرمان‌رحمانی نماینده تاکستان درموردعلت عدم تکمیل‌ساختمان‌سیلوی ۶۸ هزارتنی تاکستان مطرح‌شد.

وزیر بازرگانی درپاسخ‌خودگفت که‌باکمک متخصصین "جهادسازندگی" وآمادگی‌این‌نهادانقلابی، به مجرد مساعدشدن فصل کار، عملیات اتمام این‌سیلو دنبال خواهدشد.

سپس خانم اعظم طالقانی نمایندهٔ تهران دربارهٔ مشکل مسکن‌و اقدامات وزارت مسکن در زمینه رفع این‌مشکل وبخصوص در مورد پرداخت وام مسکن به‌اقشار مختلف سئوال‌کرد.

گنابادی وزیر مسکن در پاسخ تاکیدکرد که‌وزارت‌مسکن‌مصمم‌است که طی یک‌برنامه ۱۰ ساله، مشکل مسکن راتاحدود زیادی حل‌کند. وی آنگاه درمورد مشکلاتی که‌وزارت مسکن باآن روبروست سخن‌گفت‌واز جمله به "متوقف ماندن آئین‌نامه قانون لغو مالکیت اراضی شهری" بر اثر "فتوای محترم شورای‌نگهبان" ونیز به عدم تصویب "قانون اراضی‌شهری" و "بلاتکلیف بودن آن اشاره کرد وگفت:

"اینکه می‌گویم الان‌داریم وام پرداخت‌می‌کنیم وکارهائی که داریم می‌کنیم اگراین‌قانون (اراضی شهری) تصویب‌نشود، این‌وامهاراهم نمیتوانیم پرداخت‌کنیم".

وی همچنین‌گفت: "ازنظر زمین شهری که‌بخواهیم دراختیار مردم بگذاریم که‌خانه‌بسازند، وضع‌مابدتر ازقبل‌ازانقلاب‌است".

وزیر مسکن اضافه‌کرد. "به‌علت همین‌مشکلات‌اکنون درتهران زمینی نداریم که‌دراختیارکارگران‌ویادیگران بگذاریم."

سپس‌خانم طالقانی بااشاره به سخنان اخیر حجت‌الاسلام‌رفسنجانی وآیت‌الله‌مشکینی در خطبه‌های نماز جمعه تهران وقم گفت:

"آقایان‌فقهای‌شورای‌نگهبان‌یک مقداری باواقعیاتی که درجامعه وجود دارد از جهت‌مسکن بایدتوجه‌کنند."

چهارمین‌جلسه مجلس شورای اسلامی درهفتهٔ‌گذشته، روز پنج‌شنبه ۸بهمن ۶۰تشکیل‌شد. اولین ناطق قبل‌ازدستورعابدین‌زاده بود، که با تاکید بر روشن‌نشدن تکلیف اراضی شهری، از مجلس وشورای‌نگهبان‌علت راجویاشد. وی گفت:

"مجلس از اختیارات‌امام چه استفاده‌ای کرده‌است؟"

ناطق‌از وزارت مسکن و دولت خواست که‌برای حل مشکل مسکن برنامه‌های خود را تقدیم دارند و خطاب به‌دولت تاکیدکرد که بایدهر چه‌زودتر "لایحه اصل ۴۹و گزارش وضعیت بنیادمستضعفین" را تقدیم مجلس نماید.

تامردم در صحنه‌اند، خطری انقلاب راتهدید نمی‌کند

آنگاه نوروزی‌نمایندهٔ آمل صحنه‌های ایثاروفداکاری‌مردم‌قهرمان آمل‌علیه‌ضدانقلابیون رادرحوادث اخیر این شهر تشریح‌کرد. وی‌گفت‌که مزدوران‌امپریالیسم، "بی‌خبر از روحیات وخواسته‌های واقعی‌مردم"، نیمه‌شب، درحالیکه به‌انواع‌سلاح ها مسلح‌بودند، مراکز نظامی را مورد حمله قراردادند، لیکن‌مردم "بادست های‌خالی وسینه‌های باز" به‌مقابله شتافتند و "در کوتاهترین فرصت هزاران سنگر در گوشه وکنارشهرایجاد کردند... روستائیان وارد میدان شدند وبا بیل و کلنگ به مقابله پرداختند..."

ناطق ضمن‌تقدیر از عکس‌العمل ایثارگرانه، هوشیارانه‌وقاطع مردم آمل گفت:

"حماسه مقاومت دلیرانه مردم آمل به‌ضدانقلابیون سراسر کشور آموخت‌که بیهوده مشت بر سندان نکوبند"

وی‌درپایان‌سخنان‌خودتاکیدکرد:

"تاوقتی مردم درصحنه‌اند، هیچ‌خطری انقلاب‌را تهدیدنمیکند."

ناطق دیگر این‌جلسه انزابی نمایندهٔ مردم تبریز، با اشاره به مسئولیت سنگین مسئولین وبخصوص مجلس‌شورای اسلامی در قبال مستضعفین و "توقع" مردم ازآنان گفت: "امیدوارم مجلس‌هرچه زودتر مصوباتی داشته‌باشد که‌تودهٔ مردم لمس‌کند ومشکلاتشان برطرف‌گردد. ازجمله‌آنهاست‌موضوع زمین ومسکن، که‌باید سریعا، طبق مقررات اسلامی تکلیف مردم روشن‌شود."

آنگاه بحث در موردلایحهٔ "دیوان‌محاسبات" ادامه‌یافت و این لایحه به‌تصویب‌نهایی رسید. سپس حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی از سوی هیئت رئیسه مجلس پیشنهاد ارجاع‌بررسی طرح نظام بانکی‌کشوربه یک‌کمیسیون‌ویژه رامطرح و از آن دفاع کرد. رئیس مجلس درباره‌اهمیت این طرح‌گفت:

"(درحقیقت) تغییر سیاست بانکی‌کشور، یعنی تغییر کل‌اقتصاد کشور."

این‌پیشنهاد پس ازسخنان ۲تن ازنمایندگان‌بعنوان‌موافق ومخالف، به‌رای‌گذاشته شدوبه‌تصویب رسید. سپس شور دوم لایحه قراردادهمکاری میان شرکت صادراتی و تجهیزات عمومی‌کره‌دمکراتیک، باشرکت‌شیلات جنوب جمهوری‌اسلامی‌ایران‌دردستور قرارگرفت وپیشنهادهای مختلف نمایندگان درمورد‌مواداین لایحه به بحث گذاشته‌شد. در پایان‌اصل‌لایحه با اکثریت آراء نمایندگان‌به تصویب رسید.

در هفته‌ای که گذشت:

نخست‌وزیر: بودجه سال ۶۱ سرآغاز دفن آخرین نشانه‌های سلطه تراست‌ها و کارتل‌ها در ایران

هفتهٔ گذشته، مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر، بودجه سال ۱۳۶۱ را تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد.

نخست‌وزیر در سخنانی که هنگام تقدیم بودجه ایراد کرد، از جمله گفت که در سال آینده:

"برنامه‌ریزی بعنوان گوری برای دفن آخرین نشانه‌های حضور شرکت‌های چند ملیتی و دولت‌های سلطه‌گر و بیگانه که سرسپردهٔ منافع تراست‌ها و کارتل ها هستند، آغاز میشود و در این شرایط است که بودجهٔ سال ۱۳۶۱ بعنوان سرآغازی بر این مسیر طولانی تدوین می گردد.

نخست‌وزیر ضمن اعلام این که تجربه سالهای گذشته نشان داد که لیبرال‌های سیاسی و اقتصادی از قانونی حمایت می کنند که بتوانند امریکای رانده شده از دررا از پنجره به داخل کشور دوباره باز "آورند"، گفت:

"آن گونه که امام فرمودند، مادر مقابل امریکا ایستاده‌ایم و یک قدم هم عقب نخواهیم نشست.

نخست‌وزیر در بخش دیگری از سخنان خود گفت:

"وابستگی اقتصاد ما به خارج آنچنان ماهرانه راحی و برنامه ریزی شده بود که جهانخواران تصور می‌کردند که هرآینه ما ت زنجیر وابستگی سیاسی را بگسلد، به گونه‌ای خودکار و به دلیل وابستگی شدید در جز جز اقتصاد خود، بار به دامان قدرتهای غربی و شیاطین بزرگ خواهد افتاد و طوق وابستگی سیاسی را نیز بار دیگر بر گردن خواهد گذاشت".

نخست‌وزیر افزود: "ما دائم در شورای اقتصاد و در دولت به هم هشدار می‌دهیم که امریکا مخالف انقلاب است و توطئه‌های امریکا پایان نخواهد پذیرفت. و درنتیجه ما مجبور هستیم که برای روبروئی با هر مشکلی خود را آماده نگه داریم.

نخست‌وزیر در سخنان خود - از جمله دربارهٔ سیاست دولت در قبال بخش خصوصی گفت:

"در مجموع سیاست دولت در جهت سوق‌دادن سرمایه‌ها به سمت بخش تولیدی است.

آقای موسوی اضافه‌کرد: "مانمی‌توانیم ببینیم به‌قیمت ایجاد ایستگاه‌های زاید، از تولید تا مصرف، مردم مستضعف ما در زیر بار قیمت‌های گران‌خرد شوند. دولت‌نمی‌تواند در مقابل دلال‌بازی و احتکار سکوت‌کند و دست روی دست بگذارد. دولت باید به اندیشه مصالح عموم ملت باشد، نه طبقه‌خاص".

سخنان نخست‌وزیر، که شمه‌ای از آن ذکر شد، نشان‌دهنده آنست که دولت قصد دارد از نظر اقتصادی سیاستی را دنبال کند، که سمت‌گیری آن به‌سود مستضعفان وقطع ریشه‌های وابستگی به امپریالیسم باشد. ما هنگام بررسی بودجه، دراین‌باره به‌تفصیل سخن خواهیم گفت.

ضرورت پاکسازی عناصر نفوذی از کمیته‌ها

حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه ای رئیس جمهور، هفتهٔ گذشته با مسئولین کمیته‌های انقلاب اسلامی خراسان "دیدار وگفت‌وگو کرد. رئیس جمهور ضمن ستایش از نقش کمیته‌ها و تاکید براینکه:

"کمیته‌ها امروز نیز به همان میزان روز اول باقی است، چراکه دشمن با همان خطر هنوز وجود دارد" (کیهان- ۶ بهمن ۱۳۶۰) خواستار پاکسازی کمیته‌ها از عناصر نفوذی‌شد. رئیس جمهور گفت:

"شما مطمئن هستید که عوامل احتمالی نفوذی کمیته‌های خودرا خارج ساخته‌اید؟ ازهمین روست که باید این امر را جدی بگیرید. مهم‌ترین کار عناصر نفوذی این است که چهره کمیته‌ها را با رفتار زشت وناپسند ونفرت‌انگیزشان زشت جلوه دهند و مردم را درمقابل کمیته‌ها قرار دهند". (همانجا)

سخنان رئیس‌جمهور بار دیگر ضرورت حیاتی پاکسازی عناصر مخرب در یکی از نهادهای انقلاب را یادآوری کرد. اکنون نوبت عمل است.

انقلابی، ولی بانظم

هفتهٔ گذشته رئیس‌جمهور در دیدار با سرپرست واعضای شورایعالی اجرائی ومسئولین "جمعیت‌هلال‌احمر" براهمیت پیاده‌کردن قانون انقلاب با نظم تاکید کرد.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای از جمله گفت:

"برخی انقلابی بودن را با بی‌نظمی اشتباه می‌گیرند. انقلابی‌بودن، یعنی نظم غلط را بر هم زدن، نه ایجاد بی‌نظمی. در درون حرکت انقلابی نظم قراردارد." (کیهان - ۸بهمن ۱۳۶۰)

رئیس‌جمهور افزود: "عزیزترین قوانین انقلاب است و ازجمله قوانین انقلابی این است که انقلابیون پس از پیروزی، در ادارهٔ جامعه نسبت به آرمان‌های انقلاب بی‌تفاوت نباشند و بر روی آرمان‌های انقلابی معامله نکنند." (همانجا)

سخنان رئیس جمهور بیانگر این واقعیت است که ازسوئی نیروهائی درصدد آنند که با ایجاد بی‌نظمی زیر پوشش انقلابی‌نمائی قوانین را زیر پا بگذارند ودانسته ونادانسته در روند تثبیت انقلاب سنگ بیاندازد، وازسوی دیگر مقامات مسئول کشور همچنان بر استقرار نظم انقلابی درکشور پافشاری می‌کنند.

توده‌ها به توطئه ضد انقلاب در آمل با شعار «مرگ بر آمریکا» پاسخ دادند

هفتهٔ گذشته، در روز ننگین به اصطلاح انقلاب سفید، ضدانقلابیونی که مدتی‌است در جنگل‌های آمل مخفی شده‌اند، دست به توطئهٔ وسیعی‌زدند. نیمه‌شب ۶بهمن، بقایای گارد جاویدان، سلطنت‌طلبان، ساواکی‌ها، رنجبری‌ها، پیکاری‌ها، اقلیت ومجاهدین، مسلحانه به نهادهای انقلابی آمل حمله کردند. نیروهای انقلابی ومردم بلافاصله به مقابلهٔ آنها رفتند وبا دادن ۳۱ شهید توطئه را خنثی‌کردند. دراین حادثه ۳۴ ضدانقلابی کشته وتعدادی از آنها دستگیر شدند.

هزاران نفر از مردم قهرمان مازندران روزجمعه گذشته، در میان اندوه‌فراوان وفریادخروشان "مرگ بر آمریکا"، پیکر گلگون شهدای این توطئه راتشییع کردند. سخنرانان به‌درستی این‌توطئه را ناشی‌از دشمن‌اصلی امریکا دانستند و مردم در پایان مراسم به احترام شهدا یک‌دقیقه شعار "مرگ بر آمریکا" سردادند.

درهم شکستن توطئه‌ضد‌انقلابیون در آمل بار دیگر نشان‌داد که‌مردم ما متحد ویک‌پارچه علیه توطئه‌های امریکا وایادی داخلی‌اش می‌رزمند. این توطئه همچنین نشان‌داد که‌تلاش‌مذبوحانه‌ضدانقلاب، که برای دلگرم‌کردن بقایای شبکه‌های ضد‌انقلاب دست به‌این‌قبیل تهاجمات ماجراجویانه می‌زند، تاوقتی مردم متحد در صحنه‌هستند، به‌جائی‌نمی‌رسد.

بازهم مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن

سخنگوی دولت هفتهٔ گذشته‌در مصاحبه مطبوعاتی هفتگی خود به‌ژاپن اخطار کرد که اگر کنسرسیوم میتسوئی، ژاپن‌حاضر به‌پایان دادن ساختمان مجتمع نیمه‌تمام پتروشیمی در بندر امام‌خمینی نشود، ایران مفاد قرارداد رابه‌داوری‌ارجاع‌خواهدکرد و خود دست‌اندر کار پایان‌دادن به‌ساختمان مجتمع خواهد شد.

سخنان آقای احمد توکلی نشان دادکه هنوزهم مسئله‌سه‌ساله‌این‌مجتمع (به‌شماره‌گذشته "اتحادمردم" مراجعه کنید) پایان‌نگرفته‌است. سخنگوی دولت هم بدنبال وزیر نفت تائید کرد که‌ژاپنی‌ها هزینهٔ ایجاد مجتمع رااز "سیصد وپنجاه‌میلیون دلار" به "چهار میلیارد و دویست میلیون دلار" رسانده‌اند. آقای توکلی گفت‌که ژاپنی‌ها بعدازپیروزی‌انقلاب در ایران:

"چون می‌دانستند که پس از انقلاب آن‌غارتگریهای‌گذشته رانمی‌توانند ادامه‌دهند، برآن‌شدند تانمونه این‌کارخانه را در پادشاهی سعودی‌احداث کنند ودرنتیجه جهت‌منافع را ازسوی ایران‌برگردانند. بطوری که‌حتی هیچ گونه امکانی را به کارشناسان مانمی‌دادند." (کیهان-۷بهمن ۱۳۶۰)

براساس سخنان‌سخنگوی دولت جمهوری‌اسلامی‌ایران، با اینکه ما حاضرشدیم: "مسئولیت‌تمامی‌خسارات واردآمده‌به‌این‌مجتمع را تقبل‌کنیم، لیکن‌ژاپنی‌ها با تمام این وجود قبول نکرده‌اند." (همانجا)

ما بازهم تکرارمی‌کنیم که امپریالیست‌های ژاپنی‌تنها درصورتی که‌ایران به‌آنها اجازهٔ غارت بی‌حساب وکتاب‌بدهد، حاضر خواهندشد ۱۵درصد باقی‌مانده‌ازمجتمع پتروشیمی رابه اتمام‌برسانند. و این تازه درصورتی است‌که دولت امریکاهم موافق باشد. بنابراین‌منافع ایران دراین‌است‌که‌کار اتمام‌مجتمع رابه‌کشوری بسپارد که حاضر باشد، بدون‌قید وشرط سیاسی‌و بلافاصله، کار را شروع‌کند.

قدم‌مثبت دیگر در سیاست خارجی

هفتهٔ‌گذشته رضاعلوی‌طباطبائی سخنگوی وزارت امور خارجه، در مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات، در مورد روابط ایران‌با جمهوری‌دمکراتیک خلق‌یمن‌گفت:

"یمن‌جنوبی جزوکشورهائی‌است که‌جمهوری‌اسلامی‌ایران تا اوائل سال ۶۱روابط خودرا باآن در سطح‌سفارت برقرار خواهد کرد." (۶بهمن ۱۳۶۰)

این‌گام مثبتی‌در سیاست‌خارجی ضدامپریالیستی جمهوری‌اسلامی‌ایران است که باید آنرا با استقرار روابط با دیگر کشورهای انقلابی‌دوست‌ایران ازجمله‌ویتنام قهرمان، بازهم‌استوارتر کرد.

تروریست‌های اقتصادی به‌ترور ادامه می‌دهند

درهفته گذشته هم متاسفانه "تروریست‌های‌اقتصادی" به‌کار خود ادامه‌دادند و کشف چند فقره بزرگ کالای احتکار یافاسدشده نشان‌داد که این‌پایگاه‌های داخلی‌امپریالیسم درچه وسعتی به خرابکاری مشغولند.

سخنان حجت‌الاسلام ناظم‌زاده هم درمصاحبه باروزنامه "جمهوری اسلامی" دامنهٔ این "تروراقتصادی" راروشن‌ترکرد. سرپرست‌دادگاه امور صنفی ازجمله گفت:

"در خلال این‌یک سال واندی که‌ما دراینجا مشغول بودیم، توانستیم به‌دهها‌هزارشکایت‌رسیدگی کنیم و پروندهٔ هزاران متهم را رسیدگی نموده‌ایم ومیلیونها تومان‌پول‌مردم‌را گرفته‌وبه‌مردم یابه‌شاکی دولت‌داده‌ایم." (۴بهمن ۱۳۶۰)

حجت‌الاسلام ناظم‌زاده افزود:

"باید بگویم گاهی اوقات ما با متخلفینی برخورد می‌کنیم که سرشناس و بسیار عمده ومعروف هستندو به‌محض‌برخورد با چنین‌افرادی‌مواجه میشویم باجوسازی‌هائی علیه‌دادگاه ازطرف‌افرادی که خودرا بسیارحق به جانب‌نیز میدانند." (همانجا)

اخبار دیگری‌هم که‌درجراید منتشر شد، خبر از فعالیت وسیع "تروریست‌های‌اقتصادی" می‌داد.

آقای‌صمد شجاعیان نمایندهٔ مجلس شورای‌اسلامی، هنگام طرح سئوالات از وزیر مشاوردرجلسه علنی مجلس، ازجمله گفت:

"یک‌قوطی روغن‌نباتی ۵ کیلوئی در بازار آزاد حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ تومان فروخته‌میشود وقیمت‌یک گونی قند ۲۲۰۰ تومان‌است. در واقع‌یک کله‌قنددر بازار آزاد ۱۰۰ تومان‌عرضه‌میشود." (کیهان - ... بهمن ۱۳۶۰)

روزنامهٔ اطلاعات، در ۴بهمن خبر از کشف دومیلیون تومان کالای احتکار شده از سرمایه‌دار ونکی‌داد روزنامه کیهان هم روز بعد خبری را با عکس در صفحهٔ اول چاپ‌کرد، که از آتش‌زدن ۲۰۰ هزار تومان‌داروی‌کم‌یاب درشهرری پرده برمیداشت.

بحث دربارهٔ زیرساخت اقتصادی کشور ادامه دارد

این‌اخبار در حالی منتشرمی‌شود که بحث سه‌ساله دربارهٔ‌زیرساخت اقتصادی‌کشورهمچنان ادامه‌دارد.

سومین سمینار "جهادسازندگی سراسری، که‌اوایل هفتهٔ‌گذشته، به کار خود پایان‌داد، خواستار شد:

"انتظارداریم دولت‌هرچه‌سریعتر تکلیف نظام‌اقتصادی جامعه را به خصوص در بخش کشاورزی‌مشخص‌نموده و ازآنجاکه برنامه‌ریزی وتوزیع عادلانه خدمات در روستاها مستلزم‌حل‌اصولی مسئلهٔ زمین است، از مجلس شورای اسلامی خواستاریم لوایح مناسب را با استفاده از حکم تفویضی امام‌تصویب نماید." (اطلاعات -۳ بهمن ۱۳۶۰)

وزیر کار و سخنگوی دولت نیز اعلام‌کرد:

"برنامه ریزی کلی برای سراسر کشور قبل ازتدوین وتصویب زیرساخت اقتصادی‌کشورمشکل‌است؛ بهمین‌جهت کمیته‌های‌دهگانه زیر ساخت اقتصادی کشورتاآخر اسفندماه‌سال‌جاری‌طرح‌های زیرساخت اقتصادی راتهیه‌خواهندکرد، تاپس ازتصویب شورای‌اقتصاد و هیئت دولت، در اوایل اردیبهشت به‌مجلس شورای‌اسلامی تقدیم شود." (کیهان- ۳بهمن ۱۳۶۰)

اصلاحات ارضی سرانجام به‌مجلس می‌رود

هفته گذشته ۱۳۲ نماینده‌مجلس شورای‌اسلامی درنامه‌ای‌حمایت‌ومشارکت خود در حل مسئلهٔ مالکیت و زمین را اعلام‌کردند. درهمین حال اعلام شد:

"طرح‌اصلاحات‌ارضی در شور اول تصویب و برای بحث در کلیات تقدیم‌مجلس شد." (اطلاعات ۵بهمن ۱۳۶۰)

وبه‌این‌ترتیب، باتوجه به اینکه کمیسیون کشاورزی وعمران روستائی مجلس‌شورای اسلامی نیز این طرح را تصویب کرده‌است، این‌سئوال‌مطرح‌است که: کی‌طرح‌اصلاحات ارضی به مجلس میرود، تادرجلسه‌علنی‌مطرح و تصویب شود؟ همه‌مردم‌ایران‌درانتظارند.

استفاده از همهٔ نیروهای مدافع انقلاب

بعد از طرح و تصویب لوایح محوری‌در مجلس شورای‌اسلامی، بدون تردیدبرای اجرای قوانین انقلابی‌باید از وجود همهٔ نیروهای مدافع انقلاب استفاده کرد. برای این‌کار لازم‌است، چنانکه رهبر انقلاب‌وبنیانگذارجمهوری اسلامی‌ایران‌درسخنان اخیر خودگفته‌اند:

"سران‌قوم، روشنفکران و علما کشورهاتوجه کنندکه دشمن و دوست کیست و دشمن را بیرون کنندوبادوست دست‌اتحاددهند." (کیهان- ۵ بهمن ۱۳۶۰)

هفتهٔ گذشته، برخلاف برخورد غیر عاقلانه سخنگوی‌دولت درمصاحبه هفتگی به‌گروه‌ها واحزاب سیاسی‌مدافع انقلاب، شاهد دوبرخورد امید بخش بودیم:

آقای میرحسین موسوی‌نخست‌وزیر در دیدار با هیئت عالی نظارت‌برباز‌سازی‌وزارتخانه‌ها، با تاکیدبراین‌مطلب که ما‌باید کاری‌کنیم که‌بدست‌خودمان افراد راسوی ضدانقلاب برانیم، گفت:

اگر ما باآنها (متخصصین) بطور مطلوبی روبرو شویم، آنهاقادرخواهند بود برای استقلال اقتصادی کشورتلاش نمایند. پس‌نیروهای‌مذهبی واسلامی که نقاط کلیدی در دستشان است، باید این‌را درک‌کنند و ازآنها کار بخواهندو درمقابل منزلتی به‌آنها ببخشند. (جمهوری‌اسلامی-۸بهمن ۱۳۶۰)

آیت‌الله‌موسوی‌اردبیلی رئیس دیوانعالی‌کشور نیز درمصاحبه‌ای به خبرنگاران‌گفت:

"در یک وقت مصلحت ایجاب میکردکه‌یک‌برخورد نظامی‌وقضائی با گروهک‌ها داشته‌باشیم، ولی‌اکنون باید محیط را سالم سازی‌کرد." (کیهان - ۵بهمن ۱۳۶۰)

انتخاب روستازادگان برای دبیرستانهای کشاورزی

هفتهٔ گذشته "کمیسیون‌مشترک فرهنگ و تحقیقات وتعلیمات وکشاورزی" طرح‌پیشنهادی "گروه‌برنامه‌ریزی‌آموزش کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی" را در مورد نظام‌آموزش کشاورزی درجمهوری اسلامی به‌اطلاع اعضای‌این‌کمیسیون رساند. همچنین آقای دکتر حبیبی‌عضو "شورای‌ستاد انقلاب‌فرهنگی" و رئیس کمیسیون فرهنگ‌وتعلیمات‌وتحقیقات طی‌مصاحبه‌ای باخبرنگاران‌گفت.

"بنابراین گذاشته‌شده‌که‌متخصص کشاورزی باید مقاطع تحصیلی - دبیرستان‌کشاورزی - تحصیلات عالی بامقطعی بنام‌آموزشکدهٔ کشاورزی رابگذراند، وطبق این‌طرح‌دانش‌آموزانی که دردبیرستان‌های‌کشاورزی مشغول تحصیل میشوند، از میان روستازادگان انتخاب خواهند شد.

باتوجه به نیاز روزافزون‌کشوربه افرادمتخصص در رشته‌کشاورزی برای خدمت در روستاها، اجرای‌هرچه سریعتر طرح پیشنهادی "ستادانقلاب فرهنگی" امری ضروراست. همانطور که آقای دکتر حبیبی نیز گفته است، آموزش کشاورزی در درجهٔ اول باید به‌روستازادگان اختصاص داشته‌باشد، تا روستازادگان پس ازگذراندن دورهٔ عمومی تحصیل، در دبیرستان های کشاورزی‌آموزش‌لازم رابببینند و سپس در روستاهای خود مشغول کارشوند.

به‌نظر ما، آموزش های‌کشاورزی برای روستازادگان باید از دوره های دبیرستانی فراتررود، تا روستازادگان کم سواد، که‌مجبور به ترک تحصیل شده‌اند، بتوانندازآموزش بهره مند شوند. برای رسیدن‌به‌این‌هدف‌میتوان ازدوره‌های‌کوتاه‌مدت‌آموزشی‌استفاده کرد.

رهبران حزب کمونیست ایتالیا ـ پیوندهای خود را با پویندگان راه صلح و سوسیالیسم به‌فراموشی سپرده‌اند

روزیکشنبه ۴ بهمن ۶۰ (۲۵ ژانویه‌ٔ ۸۲) روزنامه‌ٔ "پراودا" ارگان کمیته‌ٔ مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی، موضعگیری رهبری حزب کمونیست ایتالیا را "مغایر با منافع صلح وسوسیالیسم" خواند و آنرا محکوم کرد.

"پراودا" نوشت:

"آخرین اسناد حزب کمونیست ایتالیا درهمه‌ٔ زمینه‌های بنیادی با سیاست اتحادشوروی، بخش عظیم جنبش کمونیستی و سراسر نهضت آزادی بخش جهان‌مغایرت دارد".

"پراودا" افزود:

"این چرخش رهبران حزب کمونیست ایتالیا نشان می‌دهد که آنها همه پیوندهای خود را با پویندگان راه صلح و سوسیالیسم در نزدیک به ۹۰ کشور جهان بفراموشی سپرده‌اند و با سوسیالیسم جهانی، این بزرگترین دستاورد پیشرفت اجتماعی جهانیان درسده‌ٔ بیستم، آشکارا به مخالفت برخاسته‌اند".

بهتان به‌کشورهای سوسیالیستی

بعقیده‌ٔ "پراودا":

"رهبران حزب کمونیست ایتالیا از رویدادهای لهستان بعنوان دستاویزی برای اعلام موضعگیری‌خود بهره می‌جویند. اما آنها به مسائلی می‌پردازند که از چارچوب این رویدادها بس فراتر می‌رود. این مسائل ازجمله گذار ازسرمایه‌داری به سوسیالیسم و برخورد با سوسیالیسم واقعا موجود را دربرمی‌گیرد. رهبران حزب کمونیست ایتالیا، بدون هیچ گونه استدلالی، تجربیات غنی‌مبارزه در راه سوسیالیسم و بازسازی سوسیالیستی را تا به امروز نادیده می‌گیرند و بجای آن ادعاهایی بلند پروازانه و تصوراتی مجرد درباره‌ٔ "راه جدیدی بسوی سوسیالیسم" را مطرح می‌سازند، که تصادفا با اپورتونیسم و رویزیونیسم همانندی بسیاری‌دارد ـ چیزی‌که‌جنبش کارگری درگذشته با آن روبرو شد. رهبران حزب کمونیست ایتالیا ظاهرا از ضرورت مبارزه در راه صلح سخن می‌گویند، ولی درعین‌حال به نیروی عمده این مبارزه، یعنی اتحاد شوروی و متحدان آن و جهان سوسیالیسم بهتان می‌زنند."

بنوشته‌ٔ "پراودا":

"رهبران حزب کمونیست ایتالیا، ازیکسو، از کوشش در راه‌صلح سخن می‌گویند و، ازسوی دیگر، به مهم‌ترین عنصر مبارزه در راه صلح، یعنی جامعه‌ٔ کشورهای سوسیالیستی ـ اتحاد شوروی و متحدان سوسیالیستی آن ـ بهتان می‌زنند.

"پراودا" افزود:

"حزب کمونیست ایتالیا درآخرین اسنادخود نقش کشورهای‌سوسیالیستی را درامرتحکیم صلح منکرمی‌شود و پیشرفتهایی را که‌دراین زمینه‌حاصل گردیده است، مرهون دیپلماسی اروپای غربی می‌خواند. درشرایط

بقیه‌درصفحه۶

توضیح

مقاله "اصلاحات ارضی دمکراتیک" درشماره آینده چاپ خواهد شد.

پشتیبانی «واشنگتن» از «تل‌آویو» در سازمان ملل متحد ادامه دارد

روز جمعه ۹ بهمن ۶۰ (۲۹ژانویه‌ٔ ۸۲) احلاس ویژه‌ٔ "محمع عمومی" سازمان‌ملل‌متحد برای بررسی "الحاق" بلندیهای‌حولان‌ازسوی‌اسرائیل‌بخاک خودگشایش یافت. این‌بلندیها راکه‌جزئی‌ازسرزمین‌سوریه به شمارمی‌رود، اسرائیل درحنگ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) به‌تصرف‌خود درآورد.

"شورای‌امنیت" سازمان‌ملل‌متحددر روز چهارشنبه ۷ بهمن۶۰ (۲۷ ژانویه ۸۲) با ۱۳ رای موافق این‌اجلاس رافراخواند. ایالات‌متحده‌آمریکاو بریتانیا به پیش نویس قطعنامه مربوطه رای ممتنع دادند.

درنشست "مجمع عمومی" که روز جمعه ۱۰ بهمن۶۰ (۲۹ ژانویه ۸۲) آغازشد، ۱۵۰ کشورشرکت‌کردند. نمایندگی‌کشورهای‌عرب با وزیران‌خارجه‌ٔ آنهابود.

چندی پیش، ایالات‌متحده‌آمریکاقطعنامه اعمال‌مجازات اسرائیل را بخاطر "الحاق" حولان به خاک خود در "شورای‌امنیت" وتوکرده‌بود.

درنشست ویژه‌ٔ "محمع عمومی" عبدالحلیم خدام، وزیرخارجه‌ٔ سوریه، خواهان‌مجازات‌اسرائیل، ازجمله اخراج آن ازسازمان‌ملل‌متحد، شد.

وزیرخارجه‌ٔ سوریه‌گفت که "لازمست به‌همه‌اشکال‌همکاری‌با اسرائیل پایان‌بخشید".

عبدالحلیم خدام ازکشورهای جهان‌خواست، تاآمریکا رابه‌قطع کمک‌های نظامی‌واقتصادی خودبه‌تجاوزکار وادار سازند.

بهنگام سخنرانی‌نماینده‌اسرائیل، هیئت‌های‌نمایندگی سوریه‌وبرخی از دیگرکشورهابعنوان‌اعتراض جلسه راترک گفتند.

ریگان:

دولت السالوادور «شایسته» آنست که‌به‌آن کمك شود!

درالسالوادور نیروهای "خونتا"ی وابسته به‌آمریکا روزسه‌شنبه ۲۹دی ۶۰ (۱۹ ژانویه۸۲) بیش از ۱۰۰ نفر را درشهر هوکائی‌تیکه، در ۱۱۰کیلومتری شرق پایتخت، کشتند. بگفته‌گواهان، این‌شهرنخست زیر آتش خمپاره قرارگرفت وسپس بمباران شد. اینگونه "عملیات‌تنبیهی" راکارشناسان‌ایالات متحده‌آمریکا طرح می‌ریزند.

دست کم ۷۲۹ غیرنظامی در جریان "عملیات تنبیهی" نیروهای "خونتا" در دوهفته نخست سال۱۹۸۲ کشته‌شدند. جبهه‌ٔ آزادیبخش ملی فارابوندومارتی، که این آمار رامنتشر ساخت، افزودکه، ایالات‌متحده‌آمریکا واگذاری جنگ‌افزار ومهمات رابه "خونتا" شتاب می‌بخشد.

۶۰۰ افسر "خونتا"ی السالوادور برای دیدن دوره‌آموزش‌ضدچریکی وارد فورت بنینگ (جورجیا) شدند. دربیش ازدوسال اخیر ۴۰هزار تن السالوادوری قربانی‌سرکوبگری‌دولت‌وابسته به‌آمریکای‌السالوادور شده‌اند.

بگفته لوئیس پورساتس، عضو رهبری "جبهه‌ٔ دمکراتیک‌انقلابی" السالوادور، در سان‌خوسه (کستاریکا)، مشاوران‌نظامی آمریکا نه تنها "عملیات تنبیهی" "خونتا" را برنامه‌ریزی می‌کنند، بلکه‌همچنین‌خوددر آنهاشرکت می‌جویند.

روزپنج‌شنبه۸ بهمن ۶۰ (۲۸ ژانویه ۸۲) گزارش شدکه‌یکان‌های‌جبهه‌ٔ آزادی‌بخش ملی ۲۸ هواپیماوهلیکوپتررادرفرودگاه‌نظامی‌نزدیک پایتخت نابودساختند. این‌هواپیماها وهلیکوپترها راآمریکابه "خونتا" داده بود و "خونتا" از آنها برای بمباران مردم غیرنظامی استفاده می‌کرد. دربسیاری اوقات کارشناسان نظامی‌آمریکا خود خلبان این هواپیماهابودندوبمب‌های فسفری وناپالم برسرمردم بیگناه السالوادور فرو می‌ریختند. "خونتا"ی السالوادور ازهواپیماهای نامبرده همچنین برای پاشیدن موادسمی علیه مردم واحشام بهره‌می‌جست.

هزاران آمریکائی درسان‌فرانسیسکو، لوس آنجلس ودیگرشهرهای ساحل‌باختری ایالات متحده‌ٔ آمریکا درتظاهراتی علیه‌مداخلات دولت‌ریگان درالسالوادور شرکت‌کردند. تظاهرکنندگان همبستگی خود را با پیکار السالوادوری‌ها علیه‌رژیم خونخوارسان‌سالوادور ابرازداشتند.

سی و هفتمین کنگره حزب کمونیست بریتانیا هجوم نظامی عراق به ایران را محکوم نمود و از مواضع ضدامپریالیستی و دمکراتیك انقلاب اسلامی ایران پشتیبانی کرد

سی‌وهفتمین‌کنگره‌حزب‌کمونیست بریتانیاکه‌اخیراتشکیل‌شد، هجوم نظامی‌عراق به‌ایران رامحکوم‌کردواز مواضع ضدامپریالیستی و دمکراتیک انقلاب‌اسلامی‌ایران پشتیبانی نمود. دراین‌زمینه‌گفته‌می‌شود:

"کنگره هجوم نظامی‌عراق به‌ایران واشغال‌اراضی‌ایران‌توسط نیروهای عراق رامحکوم می‌کند وخواستارپایان دادن‌فوری‌بحالت‌جنگی‌بین‌دوکشور ـ که‌تنها‌بسوداامپریالیسم است ـ براساس خروج فوری‌نیروهای‌نظامی عراق‌از خاک‌ایران ـ که از ژوئیه ۱۹۸۰ به‌اشغال درآمده ـ و نیزخواستارحل‌هرنوع مناقشه‌مرزی از راه مذاکره است.

کنگره نابودی‌کلیه آزادیهاوحقوق‌دمکراتیک‌درعراق و اعدام وسیع و تروروقتل‌کمونیستهای عراقی‌ونیروهای‌مترقی‌واپوزیسیون‌راتوسط حکومت دیکتاتوری‌محکوم می‌کند.

کنگره‌انقلاب ۱۹۷۸ایران‌وبراندازی‌شاه را اساسا بمثابه مبارزه آزادی ـ بخش علیه‌امپریالیسم می‌شمردوازمواضع ضدامپریالیستی‌ودمکراتیک این انقلاب‌حمایت‌می‌کند.

کنگره‌همچنین تلاشهای‌مستقیم‌وغیرمستقیم امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را برای براندازی‌این جمهوری‌جوان‌محکوم می‌کند".

وقایع مهم جهان در یک هفته

ریگان حتی پشیزی ارزش برای لهستان قائل نیست

در لهستان رفته رفته اوضاع تثبیت وآهنگ فعالیت‌اقتصادی عادی می‌شود. بسیاری از واحدهای‌اقتصادی تولیدروزانه‌خودراافزایش‌بخشیده‌اند.

ازسوی دیگر، ضدانقلاب‌همچنان ازامواج رادیوبطورگسترده برای دادن رهنمودهای‌خرابکارانه‌استفاده‌می‌کند.

"تریبونالودو" روز ۴ بهمن ۶۰ (۲۴ ژانویه ۸۲) درتحلیلی دربارهٔ‌کار ـزار ضدلهستانی ریگان‌نوشت:

رونالدریگان نماینده‌ارتجاعی‌ترین نیروهای ایالات متحده‌ٔ آمریکا است، که درجهت خلاف‌تاریخ‌حرکت می‌کنندو به سیاست "چماق بزرگ" دست می‌یازند. ثانیا، وی‌می‌خواهدبا این‌گرایش‌دیگرکشورهای رشدیافته‌ٔ سرمایه‌داری مقابله کند، که خواستار پیروی ازسیاست مستقل از "واشنگتن" هستند. ثالثا، ریگان قصد داردکه‌نظر مردم را از ناکامی برنامه‌اقتصادی‌خود منحرف‌سازد".

"تریبونالودو" افزود:

"رویدادهای لهستان تنها دستاویزی بیش نبوده‌است و در واقع رئیس جمهورآمریکاحتی‌پشیزی ارزش برای کشورما قائل نیست. اما سخن گفتن‌باجهان‌سوسیالیسم ازموضع قدرت همیشه‌بیهوده بوده‌است وخواهدبود. لهستان خودازپس دشواریهای خویش برخواهدآمد ودوستان وفادارش در این‌راه به آن کمک‌خواهندکرد. شواهد فراوانی‌حاکی از آنست‌که‌اوضاع‌عمومی واقتصادی رفته رفته عادی‌و حکومت نظامی محدودمی‌شود".

کمکهای پر ارزش اتحادشوروی به‌لهستان ادامه دارد

"سیم" (پارلمان‌لهستان) برای بررسی برخی لایحه‌ها و گزارش‌های کمیسیون‌های‌پارلمانی‌در ورشوتشکیل جلسه داد. ژنرال وویتسخ‌یاروزلسکی، صدرشورای نظامی‌رستگاری ملی، در سخنرانی خود در پارلمان تاکید کرد که دولت‌لهستان همه‌کوشش خود را برای جبران خطاهای گذشته‌واجرای اصلاحات‌اقتصادی‌عمیق بکار خواهد برد. رهبرلهستان به ضرورت استقرار نقش راهبر"حزب‌متحده‌کارگری‌لهستان" اشاره‌کرد. یاروزلسکی دولت‌آمریکارابه عنوان "سازمان‌دهنده" اصلی‌کارزار ضد لهستانی "محکوم ساخت‌وهدف‌این‌کار ـزار راجلوگیری ازعادی‌شدن اوضاع درلهستان‌خواند. بگفته‌وی:

"لهستان به جامعه‌کشورهای سوسیالیستی‌و "سازمان‌پیمان ورشو" تعلق دارد".

یاروزلسکی یادآورشدکه، اتحاد شوروی‌کمکهای وسیع وپرارزشی در اختیار لهستان قرارمی‌دهد.

از سوی دیگر، در کنفرانس مطبوعاتی، که روزپنج‌شنبه۸بهمن ۶۰ (۲۸ ژانویه ۸۲) در ورشوبرگزارگردید ازپیوندهای‌نزدیک‌میان "سیا"ی‌آمریکا وعناصرضدسوسیالیستی‌لهستان پرده برداشته‌شد. یک‌سخنگوی وزارت کشور لهستان مناسبات‌میان "سیا" و گروهک‌های ضدانقلابی "ک.و.ر." و به اصطلاح "کنفدراسیون‌لهستان‌مستقل" رافاش‌ساخت. گروهکهای‌نامبرده‌هرچه بیشترمشی "همبستگی" را تعیین می‌کردند.

"سیم" "فرمانهای شورای‌نظامی رستگاری ملی"را تصویب‌کرد. درمصوبه پارلمان‌لهستان‌آمده‌است‌که: "رویدادهای پیش از ۳۰ دسامبر ۸۱ (۹ دی ۶۰) خطری بزرگ برای کشور به شمار می‌رفت. برقراری حکومت‌نظامی‌ضرور و گزینشی‌کم‌زیان‌تر بود".

بگفته‌پارلمان‌لهستان، این کشور همچنان در راه سوسیالیسم گام برخواهد داشت.

مخالفت عملی متحدان آمریکا با سیاست "تحریم" ریگان

بیشترمردم جمهوری‌فدرال‌آلمان با "مجازات" اقتصادی‌اتحاد شوروی مخالفند. نظرخواهی "انستیتوالنزباخ" که‌نتایج‌آن در "اشترن" چاپ‌شده‌است این‌امر را تائید می‌کند.

مردم فرانسه نیزهواداری خودرا ازقرارداد واگذاری گازاتحاد شوروی‌به فرانسه‌که، علیرغم فشارهای‌سنگین ایالات‌متحده میان‌دوکشور بسته شد، اعلام می‌دارند.

بنوشته "لوماتن"، سفارش های ۴/۵هزارمیلیون‌فرانکی‌اتحاد شوروی برای تجهیزات لوله‌گاز سیبری برای هزاران فرانسوی کارفراهم خواهدآورد.

فرانسوامیتران، رئیس جمهور فرانسه، دریک‌جلسه‌کابینه‌آن‌کشورگفت که‌قراردادنامبرده "خواست‌فرانسه را مبنی برپیروی ازسیاستی‌مستقل باز می‌تابد.

پیرموروانخست‌وزیرفرانسه‌گفت:

"ایالات‌متحده‌حق‌ندارد بدیگر کشورهابرای‌تامین‌نیازمندیهای آنها درزمینه‌انرژی دستوربدهد".

نخست‌وزیرفرانسه‌این‌بیانات را درپارلمان‌فرانسه‌درپاسخ‌به‌ریگان‌ایراد داشت، که‌قراردادبزرگ گازمیان این کشور واتحاد شوروی‌رامحکوم ساخته‌بود.

موروا به‌اهمیت‌فراوان‌این‌قرارداداشاره‌کرد، که‌برپایه‌آن‌فرانسه برای مدت۲۵ سال، سالانه۸میلیارد مترمکعب گازطبیعی‌دریافت خواهدداشت.

آلمان‌غربی‌نیزقراردادهمانندی بااتحاد شوروی‌بسته‌است.

ریگان به‌بیکاری "فاجعه‌بار" اعتراف کرد

ریگان، رئیس جمهورآمریکا، درسخنرانی خودخطاب به"کنگره" اوضاع کشور را بررسی کرد. وی‌بویژه به‌مسائل‌داخلی‌پرداخت. رئیس جمهور اعتراف کردکه‌ایالات‌متحده آمریکاهنوز دوران‌رکودرامی‌گذراند و سطح بیکاری‌رادرآمریکا "فاجعه‌بار" خواند. بااینهمه، ریگان گفت‌که، به سیاست کاهش بودجه‌رفاهی وافزایش مصارف تسلیحاتی‌ادامه‌خواهدداد. به‌اعتراف ریگان، کسری‌بودجه‌سال‌آینده، رکوردی‌حدیدبجای خواهدگذاشت.

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیك مردم ایران

صاحب‌امتیازومدیرمسئول:
محمودداعتمادزاده (م. ا. به‌آذین)
آدرس: تهران، منطقه‌ٔ ۱۳پستی
صندوق‌پستی ۳۱۴/۱۱۱۷